خودتان، خودتان

را مداوا كنيد

(ترجمة أرق نفسك بنفسك)

مؤلف:

خالد الجریسى

ترجمه:

اسحاق دبیرى /

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| عنوان کتاب: | خودتان، خودتان را مداوا كنيد | | | |
| عنوان اصلی: | أرق نفسك بنفسك | | | |
| نویسنده: | خالد الجریسى | | | |
| مترجم: | اسحاق دبیرى | | | |
| موضوع: | دعا، ذکر و مناجاتنامه | | | |
| نوبت انتشار: | اول (دیجیتال) | | | |
| تاریخ انتشار: | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| منبع: | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com | | | |
|  |  | | | |
| این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.  www.aqeedeh.com | | | |  |
| ایمیل: | book@aqeedeh.com | | | |
| سایت‌های مجموعۀ موحدین | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

[مقدمه‌ی مترجم 5](#_Toc331290641)

[نکوداشت مولف 9](#_Toc331290642)

[مقدمه‌ی مولف 11](#_Toc331290643)

[حقیقت چشم زخم و جادو و راه‌های علاج آن‌ها: 19](#_Toc331290644)

[چشم زخم و راه‌های علاج آن: 19](#_Toc331290645)

[سحر و جادو و راه‌های علاج آن: 21](#_Toc331290646)

[آشنایی با رقیه یا تعویذ شرعی 22](#_Toc331290647)

[اصول کلی تعویذ شرعی: 22](#_Toc331290648)

[جزئیات لازم برای استفاده‌ی تام و بهتر از رقیه (تعویذ) 23](#_Toc331290649)

[چند پیشنهاد که نتیجه گرفتن از رقیه (درمان) را تسریع می‌بخشد 24](#_Toc331290650)

[چگونه از شر حسود، عائن و ساحر در امان بمانیم؛ 32](#_Toc331290651)

[چگونه سنگینی و رنج مصیبت را بر خویشتن هموار کنیم 34](#_Toc331290652)

[آداب تعویذ شرعی (رقیه) و آنچه در هنگام تعویذ باید رعایت شود 36](#_Toc331290653)

[فصل اول: تعویذ کوتاه 39](#_Toc331290654)

[تعویذ کوتاه قرآنی: 39](#_Toc331290655)

[تعویذ کوتاه از احادیث نبوی: 43](#_Toc331290656)

[فصل دوم: تعویذ متوسط 49](#_Toc331290657)

[تعویذ متوسط قرآنی: 49](#_Toc331290658)

[ادعیه و تعویذ (متوسط) از احادیث نبوی 71](#_Toc331290659)

[فصل سوم: تعویذ طولانی (مفصل) 81](#_Toc331290660)

[تعویذ طولانی از قرآن 81](#_Toc331290661)

[مداوا کردن (مریض) با آب، سِدر (درخت کنار)، روغن و عسل 171](#_Toc331290662)

[شفابخش بودن آب، سدر، روغن و عسل 171](#_Toc331290663)

[چگونگی مداوا کردن مریض به وسیله آب (پاک) 172](#_Toc331290664)

[چگونگی مداوا کردن مریض با روغن زیتون و روغن سیاه دانه 173](#_Toc331290665)

[چگونگی مداوا کردن مریض با عسل 174](#_Toc331290666)

[آیات پیشنهادی برای نوشتن، یا دمیدن بر آب 174](#_Toc331290667)

[چگونگی مهیا کردن مرکب پاک (و قابل خوردن) برای نوشتن آیات 175](#_Toc331290668)

[ادعیه و اذکار یومیه 176](#_Toc331290669)

[چگونه در طول شبانه روز از گزند شیطان در امان بمانیم 177](#_Toc331290670)

[اذکار و ادعیه (مسنون در) صبحگاهان و شامگاهان: 178](#_Toc331290671)

[اذکار و ادعیه مسنون به هنگام خوابیدن 186](#_Toc331290672)

[اذکار و ادعیه مسنون هنگام دخول و خروج از منزل 189](#_Toc331290673)

[دعای مسنون قبل از وارد شدن به دستشویی 190](#_Toc331290674)

[فوائد (بسم الله) گفتن در اول هر کار 191](#_Toc331290675)

[آشنایی با آسیب‌های ناشی از: جادو، مس و چشم زخم 192](#_Toc331290676)

[آسیب شناسی جادو، مس و چشم زخم: 192](#_Toc331290677)

[1- حالات و آسیب‌هایی که قبل از تعویذ در بیمار ظهور می‌یابد: 193](#_Toc331290678)

[2- آسیب‌ها و حالاتی که در اثنای تعویذ در بیمار ظهور می‌یابد: 196](#_Toc331290679)

مقدمه‌ی مترجم

الحمد للّه رب العالمين والعاقبه للمتقين والصلا‌‌ة والسلام على خير خلقه محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

تعویذ (رقیه) یکی از مسائل مطرح در جوامع اسلامی است که هرچند برخی از قبول آن خودداری کرده‌اند اما بسیاری بدان معتقد بوده و عملاً از آن بهره برده‌اند. البته شاید علت کمرنگ بودن این مهم (تعویذ شرعی) در جامعه افراط و تفریط‌های برخی رقاه و یا سوء استفاده‌های برخی منحرفان از جمله جادوگران و فالگیران باشد. به هر تقدیر تعویذ شرعی که در چارچوب قرآن و سنت صورت می‌گیرد اشکالی بر آن مترتب نبوده و مورد قبول سلف صالح نیز بوده است.

در کتابی که پیش رو دارید مولف ارجمند آن جناب آقای دکتر الجریس با حوصله و بسیار دقیق سعی کرده آیات قرآن و ادعیه‌ای که در احادیث به اهمیت و کاربرد آن‌ها برای تعویذ شرعی اشاره شده را جمع آوری کند و حسب مورد به ترتیب و تنسیق آن‌ها بپردازد. از نقاط قوت این کتاب احادیث نبوی باشد و از چارچوب قرآن و سنت خارج نگردد. البته گاه مولف به اقتباس از استفاده از تعویذ شرعی ارائه داده که این قسمت از دیدگاه‌های او قابل تامل است. تحقیق بیشتری پیرامون این موارد را به خوانندگان واگذار می‌کنیم و خود نیز از اظهارنظر پیرامون آن خودداری می‌کنیم هرچند متذکر می‌شویم که این کتاب با جمله محتویات خود مورد تایید بسیاری از علمای معاصر از جمله علامه شیخ عبداللّه بن عبدالرحمن الجبرین قرار گرفته است. شایان ذکر است ترجمه‌ی آیات قرآن در این کتاب برگرفته از تفسیر نور اثر دکتر مصطفی خرمدل می‌باشد.

از آنجا که در کتاب مورد نظر اصطلاحاتی خاص بکار رفته که معادل دقیق فارسی آنگونه که به تمام و کمال معنای آن را برساند وجود ندارد قبل از مطالعه‌ی کتاب توجه خوانندگان را به برخی از این اصطلاحات جلب می‌کنیم.

1. رقیه: رقیه از ماده‌ی (رُقی) گرفته شده است. (رُقی) یعنی؛ پیشرفت کرد، صعود کرد، ترقی کرد یا ارواح پلید را دور کرد. اما (رقیه) عبارتست از خواندن آیات و ادعیه‌ی مسنون بر مریض به منظور دور کردن ارواح پلید و شیاطین و همچنین جهت التیام بخشیدن به امراض جسمی و روحی بیمار (به اذن و عنایت خداوند). معادل فارسی (رقیه) همانا (تعویذ) است که البته در مفهوم فارسی چندان دقیق نیست، هر چند حتی (تعویذ) نیز در اصل عربی می‌باشد و واژه‌ی دخیل است. راقی: شخصی را که بر مریض تعویذ می‌خواند را گویند چنانکه مریض را که بر او تعویذ خوانده می‌شود را مُرقِی گویند.[[1]](#footnote-1)
2. عین: در اصل به معنی چشم است اما علی رغم اینکه در لغت دارای معانی بسیاری چون جاسوس، چشمه و غیره می‌باشد اما در اصطلاح به چشم زخم نیز اطلاق می‌شود. در این کتاب عین (چشم زخم) عبارتست از آسیب‌هایی که بر اثر نگاهی که از جانب حسود و غیره با شگفتی به سوی چیزی انجام می‌گیرد حاصل می‌شود. عاین: چشم زخم زننده را گویند و مُعین کسی را گویند که بر اثر چشم زخم آسیب می‌بیند.[[2]](#footnote-2)
3. (المس) یا (مس الشیطان): مس به معنی لَمس کردن است و از آنجا که گاه شیاطین موجبات آزار و اذیت برخی انسان‌ها را فراهم می‌کنند گویند فلانی را شیطان لمس کرده است. گاه بر اینگونه افراد (جن زده) نیز اطلاق می‌شود. گاه المس کنایه از جنون می‌باشد. در قرآن کریم آمده است: «مَسَه الشيطان بنصب أو عذاب» یعنی «شیطان به او رنج وعذاب رسانید.»[[3]](#footnote-3)

به آن امید که روزی فرا رسد که بدعت‌ها از جوامع اسلامی رخت بر بندد و سنت‌های مطهر نبی اکرم جایگزین آن گردد.

دهم رمضان المبارک سال 1427 هـ.ق.

نکوداشت مولف

الحمدلله رب العالمين وصلى الله وسلم على أشرف الأنبياء والمرسلين نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

کتاب برادر ارجمند جناب آقای خالد بن عبدالرحمان الجریسی را که پیرامون موضوع چگونگی تداوی و درمان بوسیله‌ی تعویذ شرعی در چارچوب قرآن و سنت صحیح نبوی نگارش یافته شده را مطالعه نمودم. به تحقیق که مولف بزرگوار در انتخاب ادعیه‌ی ماثور و سودمند و آیات قرآنی مناسب برای موضوع کتاب خود موفق بوده و به خوبی از عهده‌ی این کار برآمده است. بدین ترتیب وجود چنین اثر گرانبهایی این امکان را به هر خداشناس هوشیاری خواهد داد تا بتواند با استفاده از نصوص (قرآن و حدیث) که در این رساله فراهم آمده است به دفع بلا و مصیبت (یا هر چیز ناخوشایندی) از خویش و اهل و عیال خویش همت گمارد. شایسته است انسان مومن این آیات قرآن و ادعیه را (که مولف آن‌ها را به طور مرتب و دقیق در کتاب خویش نگاشته است) همواره وِرد خویش سازد و صبحگاهان و شامگاهان به قراءت و تلاوت آن‌ها بپردازد تا همچون پناهگاهی امن وی را از گزند شیطان و دار و دست‌هاش مصون نگه دارد.

خداوند نویسنده‌ی این کتاب (جناب آقای الجریسی) را جزای نیکو عنایت کناد و تلاش و همت او را در این راستا مورد قبول درگاه خویش قرار دهد!

وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم

**دكتر عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين**

**24/1/1425 ه.ق.**

مقدمه‌ی مولف

الحمد لله الحنان[[4]](#footnote-4)، القدير الرحمن، مالك الملك عظيم الشان، يجيب مصطرا دعاه ويعاني عبدا إبتلاه، نحمده سبحانه على عظيم النعم وجزيل الإحسان ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله المبعوث رحمة للأنام صلى الله عليه وعلى آله وصحبه السادة الغر الأعلام والتابعين لهم بإحسان.

امروزه برخی مردم تعویذ شرعی را از یاد برده‌اند و کار به جایی رسیده که بسیاری این امر را خرافه[[5]](#footnote-5) و بی‌اساس می‌دانند. اما شکی نیست که بر هر مسلمان و مومن واقعی مسلم است که تعویذ شرعی از اهمیت فراوانی در اسلام برخوردار است که بوسیله‌ی آن انسان می‌تواند از تمامی امراض جسمی و روحی (به حول و قوه‌ی الهی) رهایی یابد و از منفعت افزون آن برخوردار گردد. در قرآن و سنت صحیحه نصوص فراوانی ذکر شده که بر مشروعیت استشفاء (تداوی) با قرآن و ادعیه و اذکار دلالت می‌کند، از جمله خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞۚ﴾ [فصلت: 44].

«بگو: قرآن برای مومنان مایه‌ی راهنمایی و بهبودی است (و ایشان را از راه‌های گمراهی و سرگشتگی می‌رهاند و از بیماری‌های شک و گمان نجات می‌بخشد)».

در حدیثی صحیح نیز از عایشه صدیقهل روایت شده که گفته است: آنگاه که رسول کریم (از بیماری روحی یا جسمی) رنج می‌برد جبرئیل علی نبینا وعلیه السلام به نزد او می‌آمد و با خواندن دعای «باسم اللهٍ يبريكَ ومِنْ كُلِّ داءٍ يشفيكَ ومِنْ شَّرٍ حاسِدٍ، إذا حسد وشَرٍّ كُلِّ ذي عينٍ»[[6]](#footnote-6) «به نام خداوندگار، از او می‌خواهم که تو را شفا دهد و از هر بیماری (و بلایی) نجات بخشد و از شر حسود آنگاه که حسد ورزد و از شر هر چشم زخم رساننده‌ای تو را در امان دارد.»

آنگونه که از ظواهر برمی آید الرقیه (تعویذ شرعی) دارای مفهومی گسترده است. برای نفع بردن از تعویذ شرعی افراد متفاوتند و هر یک به نوعی از آن فیض می‌برند. به عنوان مثال برخی تنها به سوره‌ای کوتاه چون (الفاتحه یا سوره‌ی حمد) اکتفا می‌کنند و عده‌ای دیگر سوره‌ای طولانی چون (بقره) را انتخاب می‌کنند، البته عده‌ای نیز به جمع بین سوره قرآن پرداخته از چند سوره‌ی مختلف چون (حمد و معوذتین (فلق و ناس) هماهنگ با هم فیض می‌برند. برخی نیز با انتخاب یک آیه از قرآن چون (آية الکرسی) برای حصول مقصد خویش از تعویذ شرعی بهره‌مند می‌شوند. ناگفته نماند گروهی (تنها به خواندن آیات یا ادعیه اکتفا نکرده بلکه) معتقدند باید آیه یا دعای ماثور بر آبی خوانده شده و سپس به مریض خورانیده شود و یا بر روغنی خوانده شده و سپس بدن مریض را بدان آغشته سازند و یا بر عسل آن را خوانده و سپس مریض را وادار کنند که آن را بخورد. بی‌تردید تمامی اقسام تعویذ شرعی که در بالا ذکر کردیم از منظر شرع مقدس مباح است که متناسب با حال مریضی که قصد دارد از تعویذ شرعی منتفع گردد باید بدان پرداخته شود تا به نتیجه برسد. البته دلیل ما برای اینکه اینگونه تعویذات را مباح می‌دانیم احادیثی از رسول اکرم که فرموده است: «أَعرضوا علي رُقاكُم، لا بأس بالرَّقي ما لم يكن فيهِ شِركٌ»[[7]](#footnote-7) «تعویذهای خویش را بر من عرضه دارید. (بدانید که) مادامی که تعویذ به شرک منجر نشود در آن اشکالی نخواهد بود.» در حدیثی دیگر آن حضرت می‌فرماید: «ما أدري بأسآ، مَن استطاع أنْ ينفَعَ أخاهُ فلينفَعهُ»[[8]](#footnote-8) (رقیه تعویذ شرعی) از نظر من هیچ اشکالی ندارد. هر آنکس که می‌تواند (بدین وسیله) برادر (مسلمانش) را نفعی برساند پس بر اوست که این کار را انجام دهد.

از میان سلف صالح دانشمندانی بوده‌اند که علی رغم اینکه نصی اختصاصی پیرامون آیاتی چند از قرآن برای بکار بردن آن‌ها به منظور تعویذ شرعی وارد نشده اما آن بزرگواران از این گونه آیات نیز در تعویذ شرعی بهره برده‌اند. امام ابن قیم در کتاب (الطب النبوی) نقل می‌کند که (امام احمد/ هرگاه اطلاع پیدا می‌کرد که زایمان برای زنی دشوار و سخت شده در کاغذ یا هر شیء پاکیزه‌ای حدیث ابن عباسبرا (برای وی) می‌نوشت. حدیث ابن عباس به شرح ذیل است. «لا إله إلا الله الحليم الكريم، سبحان الله، وتبارك الله رب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين»

﴿كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَ مَا يُوعَدُونَ لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّن نَّهَارِۢۚ بَلَٰغٞۚ﴾ [الأحقاف: 35].

﴿كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ٤٦﴾ [النازعات: 46].

«هیچ معبودی جز خداوندگار بردبار و بخشاینده وجود ندارد و او ذاتی است پاک و منزه که پروردگار عرش عظیم است و (بی‌تردید) ستایش او را سزاست که پروردگار جهانیان است.»

روزی که ایشان چیزی را مشاهده می‌کنند که بدیشان وعده داده شده ، انگار که آنان مدتی از یک روز در دنیا مانده‌اند (و زندگی کرده‌اند. این قرآن) ابلاغ است و بسنده است.

روزی که آنان برپایی رستاخیز را می‌بینند (چنین احساس می‌کنند که درجهان) گویی جز شامگاهی یا چاشتگاهی از آن درنگ نکرده‌اند و به سر نبرده‌اند).

البته همین تعویذ را امام احمد برای چندین نفر نوشته (و تجویز کرده) است. ابن قیم/ اینگونه تعویذنویس را از گروهی از سلف صالح از جمله ابن تیمیه نیز نقل کرده است.

در این کتاب مجال آن نیست که تمامی مصادیق و مواردی را که در مورد تعویذ شرعی و انواع آن از سلف صالح نقل شده را متذکر شویم و لذا به همین اندک بسنده می‌کنیم و یادآوری می‌کنیم که این گونه انتفاع از تعویذ شرعی در واقع اجتهادی بوده که آن بزرگواران انجام داده‌اند.

(از آنجا که بزرگان سلف در تعویذ شرعی تنها به آیاتی از قرآن که نصوص دال بر اختصاص دادن آن‌ها برای استشفاء (تداوی) از مرض خاص روایت شده اکتفا نکرده‌اند) نگارنده نیز به تبعیت از آن‌ها به آیات اختصاص داده شده توسط نص برای مرض یا بیماری خاص اکتفا نکردم و آیاتی دیگر که می‌توان (با توجه به مفهوم و محتوای آن‌ها) از عوارض روحی و جسمی و ناملایماتی که در نتیجه‌ی سحر، چشم زخم و جنون حاصل از مساس شیطان (جن زدگی) بر انسان عارض می‌شود رهایی یافت را نیز در متن کتاب متذکر شوم.[[9]](#footnote-9)

لازم به ذکر است در انتخاب آیات مذکور خود اجتهاد کرده و البته از تجربه و تخصص برخی افراد مخلص که به تعویذ و تداوی بر اساس آیات و ادعیهی ماثور می‌پردازند (رقاه) نیز بهره برده‌ام.

البته نگارنده به همین ترتیب از تعویذ شرعی برای خود و خویشاوندان خویش استفاده کرده و با فضل و عنایت خداوند عزوجل از آن نتیجه گرفته و منتفع شده‌ام. به این ترتیب از آنجا که این کار را برای خود برادران ایمانی سودمند یا فتح تصمیم گرفتم پیرامون این موضوعی کتابی را تالیف و آیات و ادعیه‌ی منتخب را در آن بگنجانم تا هم خود و هم برادران مسلمانم از آن بهره ببرند.

در کتابی که پیش رو دارید رقیه (تعویذ) به اقتضای حال شخص که از آن بهره می‌برد یا دیگری را بهره‌مند می‌گرداند به سه قسم تقسیم شده است. در قسم اول به ذکر رقیه‌ی محدود و مختصر از قرآن و سنت نبوی پرداخته شده است که از این نوع رقیه (تعویذ) هر کس (حسب نیاز) خود می‌تواند بهره ببرد. البته از آنجا که این نوع تعویذ مختصر و در حد کم‌تر از متوسط است مناسب است که از آن برای کودکان و افراد غیر بالغ بهره گرفته شود تا بر آن‌ها سنگینی ننماید. نوع دوم از رقیه که در این کتاب بدان پرداخته شده تعویذ یا رقیه‌ی متوسط است که چنانچه حال مریض یا استفاده کننده از تعویذ (مرقی) اقتضا کند که وقت بیشتری برای درمان وی مصروف گردد و شخصی که می‌خواهد بیمار را درمان کند (راقی) نیز وقت به اندازه کافی داشته باشد از این نوع تعویذ باید استفاده شود. این نوع رقیه نیز از قرآن و سنت ثابت شده و چون در حد متوسط است عموم مردم می‌توانند از آن بهره ببرند. نوع سوم تعویذ که شامل تعویذی طولانی از قرآن کریم می‌شود برای درمان بیماری‌های مزمن و لاعلاج کاربرد دارد. این نوع تعویذ زمان زیادی می‌برد و کسانی سابقهی تداوی با رقیه را دارند و قبلاً (شاید بارها) آن را تجربه کرده باشند نیز بهتر است از این نوع رقیه مستفیذ گردند.

در این کتاب به حقیقت چشم زخم و جادوگری و راه‌های علاج آن‌ها نیز پرداخته شده و در ضمن تعریف رقیه، انواع رقیه و شرایط آن و همچنین شرایط و ضوابط لازم برای انتفاع تام از آن و همین طور مواردی که موجب می‌شود شفا و درمان سرعت پذیرد نیز توضیح داده شده است. همچنین در رساله‌ی مورد نظر اسباب و عوامل دهگانه‌ای که فرد می‌تواند بوسیله‌ی آن‌ها از گزند حسود و غیره در امان بماند مطرح گردیده و سپس اموری که چنانچه شخص بیمار یا مبتلا به عوارض جسمی و روحی بدان یقین کند هر آینه مصیبت بر او آسان خواهد شد یادآوری شده است. پس از این مولف ارشادات و راهنمایی‌هایی را جهت انتفاع بیشتر برای راقی و مرقی ارائه داده و در نهایت سه بخش مجزا به کتاب خویش افزودهاست. این سه بخش عبارتند از بخش اول: راه‌های درمان و تداوی با آب، سِدر (درخت کنار)، روغن و عسل.

بخش دوم: اذکاری که شخص مسلمان با خواندن آن‌ها در طول شبانه روز از گزند شیاطین جنی و انسی و مکاید آن‌ها در امان می‌ماند.

بخش سوم: عوارض و پیامدهای حاصل از چشم زخم، جادو و جن زدگی که شخص مبتلا از آن رنج می‌برد.

تمام این مطلب را بدان جهت متذکر شده‌ایم که شخص راقی با بصیرت تمام اقدام کرده احوالات مرقی و شخصی مبتلا را قبل از هر اقدام مدنظر قرار دهد.

ناگفته نماند در کتابی که پیش رو دارید آیات مربوط به رقیه بر اساس موضوع (و سیاق) آیات طبقه بندی و ذکر شده و ترتیب سور مدنظر قرار نگرفته است. همچنین آیاتی که محتوای آن‌ها حمد و ثنای الهی است پشت سر هم و آیات مربوط به تعویذ و رقیه در مقابل چشم زخم و سحر و غیره نیز به همین ترتیب بطور متوالی ذکر شده تا شخص راقی بهتر بتواند بر درد یا مرض تمرکز کند و همچنین بهتر بتواند این آیات را به حافظه بسپارد و از اینکه هر بار کتاب را پیش رو قرار دهد و از روی آن آیات را بخواند مستغنی گردد.

این کتاب هم بصورت مجلد و صحافی شده چاپ شده و هم با شیرازه‌ی فنری و غیرصحافی شده در اختیار عموم قرار گرفته تا بتوانند راحت تر آن را ورق زده بهره‌ی وافر را از آن ببرند. همچنین این کتاب به صورت کاست‌ها و نوارهای صوتی نیز منتشر شده تا برای بیماران امکان شنیدن و گوش فرادادن به آیات و ادعیه‌ی مورد استفاده در تعویذ بهتر فراهم گردد و کسانی که سواد یا قدرت خواندن آن‌ها را ندارند نیز از آن بی‌بهره نمانند.

بدان امید که خداوندگار سمیع (شنوا) که به همگان (از خود آن‌ها) نزدیک‌تر است این کتاب را برای عموم (مسلمانان) سودمند گرداند.

وصلى الله وسلم على عبده ورسوله محمد الرحمة المهداه والنعمة المسداه وعلى آله وصحبه ومن استن بسنته واهتدى بهداه إلى يوم الدين.

**دكتر خالدبن عبدالرحمن الجريسي**

**ریاض: ذی قعده (1424 ه.ق.)**

حقیقت چشم زخم و جادو و راه‌های علاج آن‌ها:

چشم زخم و راه‌های علاج آن:

حافظ ابن حجر عسقلانی/ می‌گوید: چشم زخم (عین) عبارت است از نگریستن با شگفتی به کسی یا چیزی که این نوع نگریستن به علت خبث باطن و پلیدی طبع آمیخته با حسد نیز باشد و موجب زیان رساندن به شخص موردنظر گردد.[[10]](#footnote-10) در حدیثی صحیح نیز رسول خدا در مورد چشم زخم اینگونه توضیح می‌دهد؛ «العين حقُّ ولو كان شيء سابقَ القَدَر سبقته العين وإذا استُغسِلتُم فَأغسِلوا»[[11]](#footnote-11) «چشم زخم واقعیت دارد و افسانه نیست و اگر امکان می‌داشت که چیزی بر (قضا و) قدر الهی سبقت گیرد (یا چیره شود) هر آینه چشم زخم بر تقدیر الهی هم پیشی می‌گرفت (ولی این فرضی است محال و همه چیز تحت تقدیر الهی است) و چنانچه (برای تعیین عاین و معین) از شما خواسته شد که اعضایی از بدن خویش را بشویید پس این کار را بکنید».

همچنین نقل شده که آن حضرت فرموده است: «أكثر من يموت من أمتي بعد كتاب الله وقضائه وقَدَره: بالأنفس» قال الراوي یعنی: بالعين. [[12]](#footnote-12) «بیشترین عاملی که پس از قضا و قدر الهی و آنچه خداوند مقدر دانسته موجب مرگ امتم می‌شود همانا چشم زخم است».

وقتی شخصی از چشم زخم آسیب می‌بیند دو حالت وجود دارد که به شرح ذیل است:

1. اینکه شخص چشم زخم زننده (عائن) شناخته شده و مشخص باشد که در این صورت برای شخص مُعین (چشم زخم شده) طلب برکت می‌شود[[13]](#footnote-13) یا در مورد او گفته می‌شود: «ما شاء الله لا قوه إلا بالله». سپس عاین ملزم می‌شود که دست‌ها، صوت، آرنج‌ها و زانوها و کناره‌های پاها و آنچه از اعضای خود را که شلوار آن را در برگرفته در ظرفی بشوید[[14]](#footnote-14) و سپس آب‌های مستعمل که در آن ظرف جمع شده را از پشت بر سر و پشت مُعین بطور یکدفعه می‌ریزند و آنگاه ظرف مذکور را نیز پشت سر شخص مُعین بر زمین می‌افکنند.[[15]](#footnote-15)
2. اینکه شخص عائن مجهول و ناشناخته باشد که در این صورت نیز برای مُعین طلب برکت می‌شود (و به او بارک الله و ماشاءالله می‌گویند) و آنگاه از تعویذ برای درمان او کارگرفته می‌شود.

سحر و جادو و راه‌های علاج آن:

«سحر دارای انواع متفاوت است. سحر در یک معنی به مفهوم زیرکی و باریک بینی است و هر چیز را که ماخذ آن لطیف و دقیق باشد سحر گویند. به عبارتی سحر فسون و جادو است و هرگاه کسی دیگری را بفریبد و یا با خدعه و نیرنگ دل او را برباید گویند او را سحر کرده است. سحرت الصبی یعنی طفل را گول زدم و فریبش دادم. نوعی دیگر از سحر عبارت است از کاری که هرچند به نظر برخی می‌رسد که آن فعل انجام شده اما در حقیقت انجام نشده است. این گونه سحر را چشم بندی یا شعبده بازی گویند و در آن شخص ساحر هرچند با گول زدن مردم وانمود می‌کند که کاری مهم و مورد توجه را انجام داده اما حقیقت چیز دیگری است. سومین نوع سحر با همکاری شیاطین (و جنیات) و ایجاد رابطه با آن‌ها بوقوع می‌پیوندد. نوع چهارمی نیز برای سحر وجود دارد که طبق آن شخص ساحر ادعا می‌کند میتواند با ستارگان ارتباط برقرار کند یا ارواح برخی از آن‌ها را (به زمین) فرود آورد».[[16]](#footnote-16)

در حدیثی صحیح آمده است: باری رسول خدا سحر شد و در نتیجه به حالتی مبتلا شد که خیال می‌کرد کاری را انجام داده اما در حقیقت آن کار را انجام نداده بود...[[17]](#footnote-17)

اما علاج سحر آن است که چنانچه امکان ابطال سحر باشد آن را باطل کرده و نشانه‌های سحر را در شخص آسیب دیده نابود می‌کنند تا تاثیر سحر نیز (به مرور) از بین برود. اما چنانچه این کار سودمند نیفتاد باید به تعویذ یا رقیه‌ی شرعی متوسل شویم.

آشنایی با رقیه یا تعویذ شرعی

رقیه (با ضم راء) به معنی پناهگاه، طلسم و التجاء می‌باشد[[18]](#footnote-18) و در فارسی آن را تعویذ گویند. به وسیله رقیه انسان مبتلا به عوارض و امراضی چون تب، سردرد و غیره می‌تواند خویشتن را از این مصائب و دردها برهاند.[[19]](#footnote-19) رقیه (تعویذ) به چهار نوع مختلف تقسیم شده که به شرح ذیل است.[[20]](#footnote-20) 1- رقیه (تعویذ) با آیات قرآن و اسمای حسنا و صفات علیای الهی که این نوع از رقیه نه تنها جایز است بلکه مستحب می‌باشد. 2- نوع دوم رقیه‌ای است که علاوه بر موارد مذکور در مورد اول، اذکار و ادعیه‌ی ماثور نیز بدان افزوده شود که این نیز همان حکم رقیه نوع اول را دارد. 3- رقیه با اذکار و ادعیه‌ی غیر ماثور که البته مخالف و متعارض با ادعیه‌ی ماثور نباشد که این نوع رقیه نیز جایز است. 4- چهارمین نوع رقیه (تعویذ) عبارت است از رقیه با چیزهای ن امعقول که محتوایی ندارد. تعویذهای عصر جاهلی را می‌توان از این نمونه برشمرد. بدیهی است این نوع از رقیه ناجایز است و ضروری است هر مسلمان از آن اجتناب کند تا به شرک و مقدمات آن منجر نگردد.

اصول کلی تعویذ شرعی:

علمای اسلامی اجماع کرده‌اند که در صورتی که سه شرط در تعویذ تحقق پیدا کند آن تعویذ جایزو مقبول خواهد بود. آن سه شرط عبارتند از؛ 1- اینکه تعویذ با آیات قرآنی یا با اسماء و صفات باری تعالی صورت گیرد. 2- اینکه تعویذ با زبان عربی باشد. البته چنانچه با زبانی غیر از عربی نیز انجام گیرد که شخص مرقی (استفاده کننده از تعویذ) بتواند به مفهوم آن پی ببرد اشکالی ندارد. 3- سومین شرط تعویذ آن است که هر یک از راقی و مُرقی اعتقاد و ایمان داشته باشند که بی‌تردید رقیه فی نفسه هیچ اثری ندارد و آنچه از آثار و منافع که بوسیله‌ی آن عاید انسان می‌شود از جانب خداوندگار متعال است.[[21]](#footnote-21)

جزئیات لازم برای استفاده‌ی تام و بهتر از رقیه (تعویذ)

چنانچه راقی و مرقی هر دو شرایط ویژگی‌های ذیل را دارا باشند به اذن الهی نفع و سود بیشتری از رقیه خواهند برد. این شرایط عبارتند از؛ 1-صلاحیت و شایستگی شخص راقی و این یعنی آنکه شخصی که به یاری دیگران می‌پردازد تا بوسیله‌ی رقیه آن‌ها را مساعدت کند شخصی مصلح، نیکوکار و با استقامت باشد. 2- شناخت رقیه‌ای مناسب از آیات قرآن (که متناسب با حال بیمار و شخص مرقی باشد. 3- اینکه بیمار مومن، مصلح، نیکوکار و متقی باشد و بر دین الهی استقامت ورزد ودر ضمن از گناه، ظلم و دیگر محرمات پرهیز کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ٨٢﴾ [الإسراء: 82].

«ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه‌ی بهبودی (دل‌ها از بیماری نادانی و گمراهی و...) و رحمت مومنان (به سبب داشتن ایمان و رهنمودهای پر خیر و برکت یزدان) است ولی بر ستمگران جز زیان نمی‌افزاید».

غالباً رقیه (تعویذ) بر اهل عصیان و منکرات اثری (مثبت) نمی‌گذارد. 4- اینکه بیمار ایمان جازم داشته باشد بر اینکه قرآن (از جانب خداوند) شفا و رحمت می‌باشد و بی‌تردید در درمان (بیماری‌ها) سودمند است. با تحقیق این شروط و فراهم آمدن آن‌ها استفاده‌ی تام نیز به اذن و قوه‌ی الهی تحقق می‌یابد. (خداوند بر حقیقت هر چیز آگاهتر است).[[22]](#footnote-22)

چند پیشنهاد که نتیجه گرفتن از رقیه (درمان) را تسریع می‌بخشد

چندی از عوامل هستند که چنانچه بیمار بدان التزام داشته باشد به اذن الهی درمان و علاج بیماری خویش بوسیله‌ی رقیه را تسریع خواهد بخشید. آن‌ها عبارتند از؛

1- پایبندی بر ادای عبادات در سر وقت و شرکت در نمازهای جماعت بویژه نمازهای صبح که رسول خدا پیرامون آن فرموده است: «من صلّي الصبح فهو في دمّية الله»[[23]](#footnote-23) «هر آنکس که نماز صبح را بخواند در ذمه‌ی الهی خواهد بود (و خداوند خود حفاظت از او را به عهده خواهد گرفت).» همچنین آن حضرت فرموده است: «من صلّى الصبح في جماعةٍ فكأنَّما صلّى اللّيل كُلَّهُ»[[24]](#footnote-24) «هر کس نماز صبح با جماعت بخواند گویی تمام شب را نماز خوانده است.»

2- اینکه ابتدا شخص بیمار خود از رقیه (تعویذ) شرعی برای علاج بیماری خویش کارگیرد. بدیهی است تعویذ یک شخص بیش از تعویذی که توسط دیگران برای او کار گرفته می‌شود برای او مفید است و بر او اثر می‌گذارد زیرا رقیه دعا است و دعای یک شخص برای خودش بیش از دعای دیگران برای وی مورد قبول (درگاه الهی) قرار می‌گیرد. بخصوص در عصر حاضر که بسیار کم‌اند افرادی مخلص که به تعویذ و رقیه می‌پردازند.

3- چنانچه بیمار به علت وخامت احوال خود توانایی رقیه کردن خویش را نداشته باشد یا قبلاً بطور مختصر به رقیه‌ی خویش همت گمارده باشد و اکنون دوست داشته باشد بر آیات و اورادی که برای رقیه‌ی خویش خوانده است بیفزاید ضروری است که رقاتی مخلص که دارای عقایدی راسخ باشند و در میان مردم به صلاح و نیکوکاری شهره باشند را انتخاب کند و شدیداً از دنباله روی ساحرین و شعبده بازان پرهیز کند بی‌تردید خداوندگار (که درد را آفریده) درمان را (نیز) برای بندگان خویش خلق نموده اما بدون شک شفای آن‌ها را در آنچه بر آنان حرام گردانیده قرار نداده است. بنابراین چون سحر و شعبده بازی در شرع مقدس حرام قرار داده شد بی‌تردید درمان و علاجی نیز در آن وجود نخواهد داشت. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «إن الله لم يجعل شفاءكُم في حرامٍ»[[25]](#footnote-25) خداوند شفا (و درمان) شما را در چیزهای حرام قرار نداده است.

4- اینکه رقیه (تعویذ) شرعی توسط افرادی نیکو سیرت و پر استقامت در دین که خویشتن را از حرام تطهیر نموده صادر شود. ضمن اینکه شخص راقی باید یقین داشته باشد که خداوند است که شفا می‌دهد و شفا دادن تنها در صلاحیت ذات اوست. چنانچه قبلاً نیز متذکر شدیم رقیه از جنس دعاست و زمانی که راقی آیات یا ادعیه‌ای را برای درمان خویش یا دیگری بر او بخواند ضروری است که اعتقاد راسخ داشته باشد که درمان و شفای مریض تنها با خواست الهی انجام می‌گیرد و این یعنی آنکه شخص راقی شفا و علاج را فقط نتیجه‌ی تجربیات و تخصص خویش نپندارد. چنانچه راقی (فریفته‌ی تجربه‌ی خویش گردد یا) در نتیجه دادن و کارآمد بودن رقیه تردید کند نتیجه‌ی مطلوبی از تعویذ (رقیه) نخواهد برد.

5- اینکه با تاسی از حضرت محمد مصرانه و عاجزانه[[26]](#footnote-26) خواسته‌ی خویش را در محضر الهی مطرح کند و یقین داشته باشد که خداوند دعای وی را اجابت خواهد کرد، چرا که خود در کلام جاوید خویش فرموده است: ﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢﴾ [النمل:62].

«(آیا بت‌ها بهترند) یا کسی که به فریاد درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هرگاه او را به کمک طلبد و شما (انسان‌ها) را جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد. آیا معبودی با خدا هست؟! واقعاً شما بسیار کم اندرز می‌گیرید.»

همچنین شایسته است دعا و (تعویذ) در اوقاتی خاص که اجابت دعا در آن زودتر و بهتر صورت می‌گیرد انجام گیرد. مناسب‌ترین اوقات برای دعا کردن عبارتند از: 1- ثلث اخیر شب[[27]](#footnote-27) (پس از نیمه شب) 2- ساعت‌های پایانی روز جمعه[[28]](#footnote-28) (کمی قبل از غروب آفتاب) 3- در هنگام سجود[[29]](#footnote-29) و غیره.

6- پایبندی بر اینکه کسب (و درآمد) او از راه حلال باشد. رسول کریم می‌فرماید: «أطِب مَطعَمَكَ تَكُنْ مستجاب الدَعوَةِ»[[30]](#footnote-30) از راه پاک و حلال ارتزاق کن تا دعایت مستجاب شود (و مستجاب الدعوة گردی). همچنین آن حضرت فرموده است: «أيُّها الناسُ، إنَّ الله طيِّبٌ لا يقبلُ إلا طَيِّباً... ثم ذكرَ الرَّجلَ يطيل السفرَ، أشعَثَ أغبَرَ يَمُدُّ يديه إلى السماء: يا ربِّ، يا ربِّ ومطعَمُهُ حرامٌ وَملبَسُهُ حرامٌ وغُدِّيَ بالحَرامِ فأنّي يُستَجَابُ لِذلِكَ؟!»[[31]](#footnote-31). «هان ای مردم! همانا خداوند پاک (و مطهر) است و جز پاکی را نمی‌پذیرد.... سپس آن حضرت ادامه داد؛ چه بسا اتفاق می‌افتد فردی در یک سفر طولانی با موهایی ژولیده و در حالی که غبار سفر بر بدنش هویداست دست‌ها را به سوی آسمان دراز کرد و دعا می‌کند؛ پروردگارا! پروردگارا! (اما هرچه دعا می‌کند خداوند دعایش اجابت نمی‌کند) چنین کسی که از راه حرام ارتزاق نموده و لباس او حرام و غذایی که خورده نیز حرام است چگونه (انتظار دارد) دعایش اجابت شود.»

7- پایبندی بر تلاوت سوره‌ی مبارکه‌ی بقره. بی‌تردید این سوره تعویذی عظیم است، چرا که رسول خدا می‌فرماید: «اقرووا سورة البقرة؛ فإن أخذها بركة وتركها حسرة ولا تستطيعها البطلة».[[32]](#footnote-32) «سوره‌ی بقره را تلاوت کنید، همانا (پایبندی به) تلاوت آن برکت و ترک تلاوتش موجب (خسران و) حسرت است. (از جمله ویژگی‌های این سوره آن است که) سُحرُه (جادوگران) در مقابل آن عاجزند (و نمی‌توانند قدرت نمایی کنند).»

از دیگر برکات و فواید این سوره‌ی مبارکه آن است که رسول گرامی اسلام فرموده است: «إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقر فيه سورة البقرة».[[33]](#footnote-33) «همانا شیطان از خانه‌ای که سوره‌ی بقره در آن تلاوت شود متواری است.» (استفاده بردن از سوره‌ی بقره به عنوان یک تعویذ شرعی بسیار آسان است). شخص مریض خود می‌تواند این سوره را بخواند یا (تقاضا کند) شخصی دیگر این سوره را بر او تلاوت کند. همچنین اگر تلاوت این سوره‌ی مبارکه بوسیله‌ی ضبط صوت انجام گیرد و در طول هر شب یا روز تلاوت تمام این سوره در خانه طنین انداز شود (بی‌تردید) به اذن الهی عاملی عظیم برای سلامتی و معافات اهل خانواده خواهد بود و (به برکت این سوره) آن خانواده از گزند شیاطین در امان خواهند ماند.[[34]](#footnote-34)

8- ذکر خداوند را ورد خویش ساختن، پایبندی به تلاوت قرآن و ملازمت در طلب استغفار ضروری است (شخص مسلمان) اذکار مشروع (و ماثور) را ورد خویش سازد (و از بکاربردن اذکاری که جنبه‌ی شرعی ندارد خودداری کند). در بخش‌های آتی مجموعه‌ای از اذکار مشروع (ماثور) را متذکر خواهیم شد.

9- نوشیدن و غسل کردن با آبی پاک که تعویذ شرعی بر آن خوانده شده باشد، بخصوص آب زمزم که به تنهایی خود شفای دردهاست.[[35]](#footnote-35) البته چنانچه بر آب زمزم تعویذ (رقیه‌ی) شرعی خوانده شود بهتر خواهد بود و نتیجه‌ی بهتری نیز در درمان بیماری خواهد داشت.[[36]](#footnote-36) همچنین اگر برگ سِدر (درخت کنار) به آب زمزم یا هر آب پاکی که بر آن تعویذ شرعی خوانده شده افزوده گردد یا برگ‌هایی را که آیاتی از قرآن با جوهری پاک (و قابل خوردن) مثل زعفران و غیره بر آن نوشته شده در آب مذکور مخلوط گردد همه و همه با اذن و اراده‌ی الهی نقش بسزایی در درمان و شفای امراض خواهد داشت.[[37]](#footnote-37)

10- خوردن روغن زیتون و آغشته کردن بدن با آن. رسول خدا می‌فرماید: «كلوا الزيت وأدهنوا به، فإنه من شجرة مباركة».[[38]](#footnote-38) «روغن زیتون بخورید و (هر از گاهی) پوست بدن‌های خویش را بدان آغشته سازید، همانا این روغن از درختی مبارک حاصل شده است. در مورد (سیاه دانه) نیز توصیه‌های فوق ارائه شده است.» رسول خدا پیرامون این گیاه نیز می‌فرماید: «في الحبة السوداء شفاء من كل داء إلا السام»[[39]](#footnote-39) «سیاه دانه هر مرضی را جز مرگ دواست». چنانچه بر روغن زیتون و سیاه دانه آیاتی از قرآن نیز خوانده شود بر شفابخشی آن دو خواهد افزود.

11- خوردن عسل. بنا به فرموده‌ی خداوند عسل برای (بیماری‌های) مردم شفاعت و چنانچه آیاتی چند از کلام الهی بر آن خوانده شود بر خاصیت شفابخشی آن خواهد افزود، زیرا در این صورت آیات قرآن و عسل که خداوند تداوی و استشفاء با آن را مشروع قرار داده مجموعه‌ای را تشکیل خواهند داد و مسلماً تاثیر بیشتری در درمان بیماری‌ها خواهند داشت.[[40]](#footnote-40)

12- حجامت کردن در صورت نیاز. در این مورد رسول اکرم می‌فرماید: «الشفاء في ثلاثة في شرطه محجم اأو شربه عسل أو كيه بنار وأنا إنهي أمتي عن الكي».[[41]](#footnote-41) (خداوند) شفا را در سه چیز قرا ر داده است و آن‌ها عبارتند از؛ 1- شکاف محل حجامت (حجامت کردن) 2- خوردن عسل 3- داغ کردن. (اما بدانید) من امتیانم را از (تداوی با) داغ کردن نهی می‌کنم.

13- خوردن هفت خرمای عُجوه (درون چسبیده) به هنگام صبح. رسول خدا می‌فرماید: «من تصبح -كل يوم- سبع تمرات عجوه لم يضره في ذلك اليوم سم ولا سحر».[[42]](#footnote-42) «هر کس صبحگاهان در هر روز هفت خرمای عجوه[[43]](#footnote-43) بخورد در آن روز هیچ جادو و سُمی نخواهد توانست به وی آسیبی برساند.»

چگونه از شر حسود، عائن و ساحر در امان بمانیم؛

امام ابن قیم/ راه‌های در امان ماندن از شر چشم زخم زننده (عائن)، حسد ورزنده و جادوگر (ساحر) را اینگونه معرفی می‌کند.[[44]](#footnote-44) وی می‌گوید برای اینکه از این طیف از افراد در امان بمانیم باید موارد و افعالی را عملی کنیم. آن‌ها عبارتند از؛

1- (همواره) از شر آنان به خداوند سبحان پناه ببریم (و اذکار و ادعیه مربوط به این کار را ورد خویش سازیم).[[45]](#footnote-45)

2- تقوای الهی را پیشه سازیم و با انجام دستورات و ترک منهیات (آنچه ما را نهی فرموده) رضایت او را جلب کنیم. هر آنکس که تقوای الهی را پیشه سازد خداوند خود وی را در امان نگه می‌دارد و کارش به غیر خویش واگذار نمی‌کند.

3- خویشتن را به زیور صبر در برابر دشمن حسود آراسته سازیم. بی‌تردید هیچ چیز به اندازه صبر در پیروزی بر حسود انسان را کمک نخواهد کرد و سرانجام مکر بُد به شخص مکر کننده منتهی خواهد (و مکر بد او به خودش خواهد رسید).

4- بر خداوند سبحان توکل کنیم. بی‌تردید آنکس که به خداوندگار با عزت توکل نماید همو کفایت امور او را خواهد کرد. توکل کردن به خداوند از مهمترین و کارآمدترین عواملی است که موجب می‌شود انسان مومن به وسیله‌ی آن آزار و اذیت‌هایی که از جانب مخلوقات الهی بر او تحمیل می‌شود را (به امید روز عدل و داد) تحمل کند.

5- (ذهن و) قلب خویش را از تفکر کردن و تخیلات در مورد حسد ورزنده (حاسد) خالی کنیم. شخصی که مورد حسد واقع شده است باید سعی کند هرگاه در مورد شخص حسود چیزی به ذهن او خطور کرد آن را در دم از ذهن خویش برون کند و ضمن اینکه هیچ گونه ترسی از حسود را به دل راه نمی‌دهد به وی عنایتی نیز نداشته باشد.

6- به خداوند روی آوریم و خالصانه دستورات و فرامین او را به انجام برسانیم. اگر این کار را کردیم در واقع به قلعه‌ای محکم و شکست ناپذیر پناه برده‌ایم که دیگر هیچ خوفی از دشمنان نداشته و از گزند آنان در امان خواهیم ماند.

7- از گناهان و معاصی در بارگاه الهی اظهار ندامت کرده و توبه کنیم. بدون شک هرگونه اذیت و رنجی که عاید انسان (مسلمان) می‌شود به خاطر گناهان و معاصیی است که دانسته یا ندانسته انجام داده است.

8- در راه خداوند صدقه بدهیم و به دیگران احسان کنیم. صدقه دادن تاثیر بسزایی در دفع بلاهای حاصل از چشم زخم و حسد حسدورزان دارد. نقل شده که رسول کریم فرموده است: «داووا مرضاكم بالصدقة».[[46]](#footnote-46) «بیماران خویش را با صدقه دادن مداوا کنید».

9- جزای بدی را با نیکی بدهیم و با نیکی کردن و احسان به شخص حسود، موذی و سرکش آتش (کینه و) دشمنی را در او خاموش کنیم. بی‌تردید احسان کردن به خلق خدا بذر دوستی را در دیگران خواهد کاشت و آتش کینه فروکش خواهد کرد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسۡتَوِي ٱلۡحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُۚ ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيۡنَكَ وَبَيۡنَهُۥ عَدَٰوَةٞ كَأَنَّهُۥ وَلِيٌّ حَمِيمٞ ٣٤﴾ [فصلت: 34].

«نیکی و بدی یکسان نیست (هرگز بدی را با بدی و زشتی را با زشتی پاسخ مگوی. بلکه بدی و زشتی دیگران را) با زیباترین طریقه و بهترین شیوه پاسخ بده. نتیجه‌ی این کار، آن خواهد شد که کسی که میان تو و میان او دشمنانگی بوده است به ناگاه همچون دوست صمیمی گردد».

10- توحید را (به عنوان اصل کلی و اساس برای دین خود، سرلوحه‌ی کار خویش قرار دهیم و یقین کنیم که از اسباب جز با اراده‌ی الهی چیزی بر نمی‌آید و اوست که (رب الاسباب است و) تمامی اسباب تحت فرمان و اراده‌ی اویند و نفع و ضرر رسانیدن توسط آن‌ها منوط به اذن و اراده‌ی الهی است. توحید بزرگترین پناهگاه امن الهی است که (به بندگان عرضه شده و) هر کس در آن پناه گیرد همواره در امن و امان خواهد بود.

چگونه سنگینی و رنج مصیبت را بر خویشتن هموار کنیم

(بدون شک در این دنیا هر کس با مصیبتی دست و پنجه نرم می‌کند اما) چه کار کنیم تا سنگینی و رنج مصیبت ما را از پای در نیاورد. بدیهی است تنها در صورتی خواهیم توانست در مقابل مصیبت‌های ناگوار و طاقت فرسا مقاومت کرده آن‌ها را سبک و قابل تحمل تصور کنیم که:

1- به قضا و قدر الهی ایمان داشته باشیم و معقتد باشیم هر آنچه از خیر و شر که عایدمان می‌شود از جانب خداوند است. رسول کریم می‌فرماید: «لا يؤمنُ عَبدٌ حتَّى يؤمِنَ بالقَدَرِ خَيرهٍ و شرِّهِ حتى يَعلَمَ أنَّ ما أصابَةُ لَمْ يكُن ليُخطِئَةُ وأَنَّ ما أخطَاهُ لم يكن ليصيبة».[[47]](#footnote-47) «ایمان یک شخص کامل نمی‌شود مگر اینکه به قضا و قدر الهی چه خیر آن و چه شر آن ایمان بیاورد (و این ایمان او به مرحله‌ای برسد) که یقین کند هر آنچه (از نعمت و نقمت و غیره که) عاید او می‌شود طبق تقدیر و اراده‌ی الهی است و اگر چیزی نصب او شده آن را خدا به وی داده و آنچه نصیب او نشده را خداوند برای وی مقدر نکرده است.»

2- یقین کنیم هر آنچه از رنج و مصیبت که عاید انسان مومن می‌شود در واقع کفاره‌ی گناهان اوست که از جانب خداوند حواله‌ی او شده است. همچنین در چنین مواقعی شخص مسلمان باید دعا کند که آنچه از مصیبت بر او طاری شده از دوستی و محبت خداوند نسبت به او نشات گرفته باشد (و نه از غضب او). بدیهی است بلا و مصیبت موجب زایل شدن گناهان شخص مبتلا می‌شود (و چنانچه خداوند اراده‌ی زایل شدن گناهان کسی را بکند و به این خاطر او را مبتلا کند در حقیقت خداوند بر او منت گذاشته و به او محبت کرده است). رسول خدا می‌فرماید: «إنَّ عِظَمَ الجزاءِ مَعَ عِظَم البَلاء وإنَّ الله ذإ أحَبَّ قوماً ابتلاهُم فَمَنْ رضِيَ فله الرِّضا ومَنْ سخَط فَلَهُ السَّخَط».[[48]](#footnote-48) «همانا برای (کسی که) بلاها و مصیبت‌های بزرگ (را تحمل می‌کند) پاداش‌های بزرگ در نظر گرفته شده و چنانچه خداوند قوم یا طائفه‌ای را دوست بدارد آن‌ها را به بلا (و مصیبت) دچار می‌سازد (تا آزمایششان کند و ماجورشان سازد). آنکه در مقابل این مصیبت‌ها صبر پیشه سازد خداوند از وی راضی شده ماجورش می‌کند و آنچه بی‌صبری کرده (و به جزع و فزع بپردازد) خداوند نیز از او ناخرسند شده (وی را عذاب خواهد کرد.»

3- صبر پیشه کرده با خداوند رابطه (و تعلق) برقرار سازیم و ضمن انتظار فرُج از جانب خداوند سبحان به خاطر صبر در مقابل مصیبت از او اجر و پاداش انتظار داشته باشیم. بدون شک این کار از بهترین عبادت‌هاست. همچنین ضمن اینکه در برابر مصیبت و بیماری صبر می‌کنیم باید دعا کنیم تا خداوند ما را رهایی بخشد و عافیت را نصیب ما گرداند. رسول خدا می‌فرماید: «سلوا الله العافية في الدنيا والأخرة».[[49]](#footnote-49) «در دنیا و آخرت عافیت را از خداوند مطالبه کنید».

آداب تعویذ شرعی (رقیه) و آنچه در هنگام تعویذ باید رعایت شود

آداب و مواردی که هنگام مستفیذ شدن از تعویذ شرعی باید رعایت شود عبارتند از:

1- وضو گرفتن راقی و مرقی در صورت امکان و دوری هر دو از حدث اکبر و اصغر.[[50]](#footnote-50)

2- روی آوردن به سوی قبله در صورت امکان.

3- لزوم خشوع و تدبر در اثنای تلاوت آیات (و ادعیه) و استحضار عظمت الهی و استعانت از او.

4- دمیدن (بر مریض) در اثنای قراءت (آیات و ادعیه) و پس از آن. البته اگر این کار ترک شود نیز اشکالی نخواهد داشت.

5- در صورت امکان بهتر است شخص راقی دست خویش را در اثنای قراءت آیات و.... بر پیشانی یا موضع درد مریض قرار دهد. لازم به ذکر است چنانچه شخص مریض زنی نامحرم باشد راقی مجاز نیست با دتس موضع درد یا پیشانی را لمس کند مگر اینکه میان دست او و عضو زن حایلی باشد.

6- همچنین بهتر است هر از گاهی در اثنای رقیه قراءت آیات با صدایی آرام و معتدل در گوش راست یا چپ مریض انجام پذیرد.

7- چنانچه در خلال تعویذ (رقیه) مشخص شود مریض مورد نظرِ راقی از برخی آیات بیشتر منتفع می‌شود اشکالی نخواهد داشت که راقی حسب نیاز مریض و ملاحظه‌ی درجه‌ی استجابت، پنج یا هفت بار آن آیات را تکرار کند.

8- اینکه شخص راقی نیت کند با رقیه (تعویذ) به برادرش نفعی برساند و آرزو کند خداوند برادر مسلمانش را از آن مصیبت رهایی بخشد و سختی‌ها را بر وی آسان کند. همچنین بر راقی است که هدایت برادر مسلمانش را از خداوند مطالبه کند، به خصوص که وقتی یقین کند با بیماری جن زده مواجه شده که شیاطین جنی او را از راه بی‌راه کرده‌اند ضروری است مشتاقانه در پی دعوت و ارشاد جنی به تقوی و استقامت بر دین الهی برآید و این مطلبی بسیار مهم است که نباید شخص راقی از آن غافل بماند. بی‌تردید رسالت اساسی که بر عهده‌ی هر مسلمان نهاده شده همانا دعوت به سوی خداوند است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ هَٰذِهِۦ سَبِيلِيٓ أَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِيۖ﴾ [يوسف: 108].

«بگو این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و بینش به سوی خدا می‌خوانم و پیروان من هم (چنین می‌باشند».

یک مسلمان در وهله‌ی اول (و قل از هر چیز) یک داعی است و بنابراین شایسته است شخص راقی در حالی رقیه‌ی (تعویذ) خود را آغاز کند در سینه آرزوی هدایت و شفای برادر مسلمانش (مرقی) را دارد. شایسته نیست که راقی به منظور هدایت یا درمان به آزار و اذیت جنی بپردازد مگر اینکه ناچار شود و سایر راه‌هایی که برای هدایت او بکار می‌برد کارساز نباشد.

9- حسب مورد ضروری است شخص راقی افعال و ضمایری را که به کار می‌برد صحیح و مطابق قواعد عربی باشد. به عنوان مثال برای مذکر فعل و ضمیر مذکر و برای مونث فعل و ضمیر مونث بکار ببرد و در ضمایر جمع، تثنیه و مفرد نیز دقت کند.

10- گاه ممکن است رقیه یک هفته کم‌تر یا بیشتر طول بکشد و البته این به حال و موقعیت مریض بستگی دارد و به اقتضای حال وی ادامه خواهد یافت تا به اذن و اراده‌ی الهی به شفای تام و کامل منجر گردد.

11- راقی می‌تواند به اقتضای حال مریض آیات (و ادعیه‌ی) م عینی را انتخاب کند و از رقیه‌های موجز کار گیرد. بدیهی است نوع سوم رقیه (رقیه‌ی مطول) که طولانی و مفصل است و وقت زیادی را نیز مصروف می‌دارد را نمی‌توان در هر جا (به راحتی) به کار برد. انواع رقیه (رقیه‌ی موجز، متوسط و مطول) را انتخاب و یا اگر رقیه‌ای طولانی را برگزیده آن را در چند مرحله انجام دهد و به مریض خود در بین فُرجه و استراحت دهد.

12- راقی مختار است تنها از آیات قرآن برای تعویذ استفاده کند و یا تنها تعویذهای نبوی (که در احادیث بدان اشاره شده) را بکار ببرد اما بهتر است بین این دو جمع کند و از هر دو نوع آن‌ها هماهنگ استفاده ببرد.

13- راقی مجاز است آیات قرآنی را که جهت تعویذ استفاده می‌کند آهسته و یا بلند تلاوت کند اما اگر بلند (جهر) بخواند بهتر است، زیرا در این صورت شخص مرقی (مریض) نیز به آیات گوش فرا دهد و بدین ترتیب بر تاثیر آیات افزوده شده شخص مرقی بهره‌ی بیشتری می‌برد.

در ادامه‌ی بحث در سه فصل مجزا به تفصیل مصادیق انواع رقیه را متذکر خواهیم شد.

فصل اول: تعویذ کوتاه

تعویذ کوتاه قرآنی:

آیات و تعویذهای کوتاه قرآنی به شرح ذیل است:

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾ [الفاتحة].

پناه می‌برم به خدا از شر شیطان رانده شده.

1- به نام خداوند بخشنده مهربان.

2- ستایش خداوندی را سزا است که پروردگار جهانیان است.

3- بخشنده‌ی مهربان است.

4- مالک روز سزا و جزا است.

5- تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم.

6- ما را به راه راست راهنمایی فرما.

7- راه کسانی که بدانان نعمت داده‌ای؛ نه راه آنان که برایشان خشم گرفته‌ای، و نه راه گمراهان و سرگشتگان.

﴿الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾ [البقرة:1–5].

1- الف. لام. میم.

2- این کتابی است که هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

3- آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند، و نماز را بگونهی شایسته می‌خوانند، و از آنچه بهره آنان ساخته‌ایم می‌بخشند.

4- وآن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرود آمده است و به روز رستاخیز اطمینان دارند.

5- این چنین کسانی هدایت و رهنمود خدای خویش را دریافت کرده و حتماً رستگارند.

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ [البقرة: 255].

خدایی بجز الله وجود ندارد و او زنده‌ی پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آنِ اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که او در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان) چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است) فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است.

﴿لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢٨٤ ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾

[البقرة:284-286].

284- آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است، از آن خدا است، و (لذا) اگر آنچه را که در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند، سپس هر که را بخواهد (و شایستگی داشته باشد) می‌بخشد و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد) عذاب می‌کند، و خدا بر هر چیزی توانا است.

285- فرستاده‌ی (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مومنان (نیز) بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می‌گویند:) میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم (و سرچشمه‌ی رسالت ایشان را یکی می‌داریم). و می‌گویند: (اوامر و نواهی ربانی را توسط محمد) شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانیم. و بازگشت به سوی تو است.

286- خداوند به هیچ کس جز به اندازه‌ی توانائی‌اش تکلیف نمی‌کند (و هیچ گاه بالاتر از میزان قدرت شخص از او وظایف و تکالیف نمی‌خواهد. انسان) هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مواخذه و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آن را که یاری آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنت‌ها گرفتار مساز) و از ما درگذر و (قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

﴿فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظٗاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٦٤﴾ [يوسف: 64].

«.... و خدا بهترین حافظ و نگهدار است و از همه‌ی مهربانان مهربان‌تر است. (او مرا و فرزند مرا کافی است).»

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦﴾ [الكافرون: 1-6].

1- بگو: ای کافران!

2- آنچه را که شما (بجز خدا) می‌پرستید من نمی‌پرستم.

3- و شما نیز نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم.

4- همچنین نه من بگونه‌ی شما پرستش را انجام می‌دهم.

5- و نه شما بگونه‌ی من پرستش را انجام می‌دهید.

6- آئین خودتان برای خودتان، و آئین خودم برای خودم!

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الإخلاص: 1-4].

1- بگو: خدا، یگانه‌ی یکتا است.

2- خدا، سُروُرِ والای برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌ها است.

3- نزاده است و زاده نشده است.

4- و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾ [الفلق: 1-5].

1- بگو پناه می‌برم به خداوندگار سپیده دم.

2- از شر هر آنچه خداوند آفریده است.

3- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).

4- و از شر کسانی که در گره‌ها می‌دهند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود، اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها، و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی می‌کنند).

5- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾ [الناس: 1-6].

1- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردمان

2- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان

3- به معبود (به حق) مردمان

4- از شر وسوسه گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره شدن بر او، از خدا کمک بخواهی و خویشتن را در پناهش داری).

5- وسوسه گری است که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند).

6- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

تعویذ کوتاه از احادیث نبوی:

تعویذهای کوتاه برگرفته از احادیث نبوی به شرح ذیل است:

1- «أللُّهم إنّي أسألُكَ بِأنَّ لَكَ الحَمدُ لا إلهَ إلا أنتَ، الحنّان، بَديعَ السموات والأرضِ ذَا الجَلالِ وَالإكرَامِ، يَا حَيُّ يا قَيُّومُ».[[51]](#footnote-51)

«بار خدایا! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم، چرا که حمد و ستایش را تنها تو سزایی و جز تو خدایی وجود ندارد تو آن بخشاینده‌ای هستی که آسمان و زمین را پدید آورده‌ای (و همانا) تو صاحب عظمت و بزرگی هستی ای زنده‌ی پاینده».

2- «أللهُمَ إنِّي أسألك أني أشهَدُ أَنَكَ أَنتَ الله الذِي لا إلهَ إلا أَنتَ، الأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ كُفُواً أحَدٌ».[[52]](#footnote-52)

«بار خدایا! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم. همانا گواهی می‌دهم که بی‌تردید تو آن ذاتی هستی که (معبودی) جز تو وجود ندارد. تو یگانه‌ی برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌ها هستی که نزاده‌ای و زاده نشده‌ای و همتا و همگونی (نیز) نداری».

3- «أللّهُمَ إنِّا نسألُكَ مِنْ خَير ما سأَلَكَ مِنْهُ نبيُّكَ مُحَمَدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَر ما استَعَاذَ مِنهُ نَبِيُّكَ مُحَمَدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمْ وَأَنتَ المُستَعَانُ وَعَلَيكَ البَلاغُ وَلا حَولَ وَلا قوَّةَ إلا باللهِ».[[53]](#footnote-53)

«بار الهی! هر آنچه از خیر را که نبی (بزرگوارت) محمد از حضرتت مطالبه کرده از تو مسالت می‌داریم و از آنچه که نبی تو محمد (مصطفی) از شر آن به تو پناه آورده، به درگاه تو پناه می‌جوییم. و بر انسان‌ها اتمام حجت می‌کنی. (همانا) هر تغییر و تحول و هر نیرو و (حرکتی) تنها از تو نشات می‌گیرد».

4- «أعُوذُ باللهِ السَّميعِ العَلِيمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ وَمِنْ هَمزِهِ وَنَفخهِ وَنَفثِهِ»[[54]](#footnote-54) [[55]](#footnote-55)

«پناه می‌برم به خداوندگار شنوای دنا از (شر) شیطان رانده شده و از (شر) وساوس و کبر و شعر (و سحر) او.»

5- «بِسمِ اللهِ أَرْقيكَ، من كُلِّ شَيٍء يُؤذيكَ، من شَرِّ كُلِّ نَفسٍ أو عَينِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشفِيكَ، بِسمِ اللهِ أرْقِيكَ».[[56]](#footnote-56)

«به نام خداوند آنچه (از ارواح پلید و غیره که) موجبات اذیت و آزار تو (بیمار) را فراهم می‌کنند، از تو دور می‌سازم و از گزند هر نفس (سرکش) یا چشم زخم حسودی می‌رهانمت. (بی‌تردید) این خداست که تو را شفا می‌دهد و من با نام (و یاد) او به مداوایت می‌پردازم.»

6- «بِسم اللهِ الَّذي لا يَضُرُّ مَعَ إسمِه شَيٌء فِي الأرْضِ ولا فِي السَّماء وهُوَ السَّميعُ العَلِيمْ».[[57]](#footnote-57)

«به نام خداوندگاری که هیچ چیز را در زمین و آسمان یارای ضرر رسانیدن به گوینده‌ی نام او (که نام مبارکش ورد خویش ساخته و کارهایش را به نام او آغاز می‌کند) نیست و او شنوای داناست (کارم را آغاز می‌کنم). این دعا بایستی سه مرتبه خوانده شود.»

7- «بِسمِ اللهِ يُبرِيكَ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشفِيكَ ومِنْ شَرِّ حاسِدٍ إذَا حَسَدَ وَشَرِّ كلِّ ذي عَينٍ».[[58]](#footnote-58)

«با نام و یاد خداوند از او می‌خواهم که تو را (از آنچه بدان مبتلایی) رهایی بخشد و از هر در دو بلایی شفا داده از شر هر حسودی آنگاه که حسد ورزد و شر هر چشم زخم زننده ای در امان بدارد».

8- «بِسمِ اللهِ (ثلاثاً)، أعُوذُ باللهِ وقُدْرَتِه من شرِّ ما أَجَدُ احاذِرُ».[[59]](#footnote-59)

«به نام خداوند، پناه می‌برم به خدا و قدرت (لایزالش) از گزند آنچه (هم اکنون) با آن مواجه هستم و آنچه ترس دارم (بدان مبتلا گردم).»

در این تعویذ باید سه مرتبه (بسم الله) و هفت مرتبه باقی دعا تکرار شود.

9- «أَذْهِبِ البَأس، ربَّ الناس، وأشفِ أنتَ الشَّافِي لا شِفاءَ إلا شفاءُكَ شِفاءً لا يغادُر سَقَماً».[[60]](#footnote-60)

«ای پروردگار انسان‌ها! (هرگونه) زیان و ترس را زایل فرما و شفا (ی عاجل) عنایت کن که همانا تو (تنها) شفا دهنده هستی و جز شفای تو که تمامی بیماری‌ها را درمان می‌بخشد شفایی وجود ندارد».

10- «أعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامَّةِ[[61]](#footnote-61)\* مِنْ كُلِّ شَيطانٍ وهامَّةٍ ومِنْ كُلِّ عَينٍ لأمَّةٍ»[[62]](#footnote-62)

«پناه می‌برم به کلمات تامه‌ی الهی از گزند شیطان و هر جنبنده‌ی مضر (و زیان دهنده‌ای) و هر (کسی که دارای) چشم بدی[[63]](#footnote-63) (باشد)».

11- «أعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقْ»[[64]](#footnote-64)

«از گزند مخلوقات خداوند به کلمات تامه‌ی او پناه می‌برم».

12- «أسألُ اللهَ العَظيمَ ربَّ العَرشِ العَظِيمِ أنْ يشفيكَ»[[65]](#footnote-65)

«از خداوند بزرگ که پروردگار عرش عظیم است می‌خواهم که تو (بیمار) را شفا دهد». این دعا باید هفت بار خوانده شود.

13- «أللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَدٍ وَعَلى آلِ مُحَمَدٍ كَما صَلَّيتَ عَلى إبراهِيمَ وَعَلى آلِ إبراهيم إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، أللَّهُمَّ بارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى آلِ مُحَمَّد كَما بارَكتَ عَلى إبراهِيمَ وَعَلى آلِ إبراهِيمَ في العَالمِينَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ».[[66]](#footnote-66)

«بار خدایا! بر محمد و آل محمد درو فرست آنگونه که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالی مرتبه هستی، بار خدایا! محمد و آل محمد را بزرگی و کرامت عنایت کن آنگونه که در میان جهانیان ابراهیم و آل ابراهیم را (برکت و بزرگی) عنایت فرمودی. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالی مقام هستی».

فصل دوم: تعویذ متوسط

تعویذ متوسط قرآنی:

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾ [الفاتحة].

پناه می‌برم به خداوند از شر شیطان رانده شده.

1- به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

2- ستایش خداوندی را سزاست که پروردگار جهانیان است.

3- بخشنده‌ی مهربان است.

4- مالک روز سزا و جزا است.

5- تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم.

6- ما را به راه راست راهنمایی فرما.

7- راه کسانی که بدانان نعمت داده‌ای؛ نه راه آنان که برایشان خشم گرفته‌ای، ونه راه گمراهان و سرگشتگان.

﴿الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٦ خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٧﴾ [البقرة: 1-7].

1- الف. لام. میم.

2- این کتابی است که هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

3- آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند، و نماز را بگونه‌ی شایسته می‌خوانند، و از آنچه بهره‌ی آنان ساخته‌ایم می‌بخشند.

4- و آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند.

5- این چنین کسانی، هدایت و رهنمود خدای خویش را دریافت کرده و حتماً رستگارند.

6- بی‌گمان کفر پیشگان برایشان یکسان است. چه آنان را بیم دهی و چه بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند.

7- خداوند دل‌ها و گوش‌هایشان را مسهر زده است، و بر چشمانشان پرده‌ای است و عذاب بزرگی در انتظارشان است.

﴿بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ١١٧﴾ [البقرة:117].

«هستی بخشی آسمان‌ها و زمین، او است. و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها بدو می‌گوید: باش! پس می‌شود.»

﴿فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣٧﴾ [البقرة: 137].

«اگر آنان ایمان بیاورند، همچنان که شما ایمان آورده‌اید، و بدان چیزهایی که شما ایمان دارید، ایشان نیز ایمان داشته باشند، بی‌گمان (به راه درست خدایی) رهنمود گشته‌اند، و اگر پشت کنند (و از حقیقت سرپیچی نمایند ودوباره به رسوم و آداب موروثی چنگ بزنند) پس راه اختلاف و دشمنانگی را (با شما) در پیش گرفته‌اند، و خدا تو را بسنده خواهد بود و او تو را از (اذیت و آزار و نیرنگ و دسیسه‌های) ایشان نجات خواهد داد، و او شنوا و بینا است (و گفتار ایشان را می‌شنود و کردار آنان را می‌بیند)».

﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣ إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖ وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٦٤﴾ [البقرة: 163-164].

163- خداوند شما، خداوند یکتا و یگانه است و هیچ خدایی جزا و که رحمان و رحیم است وجود ندارد.

164 -مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز (و اختلاف آن دو در درازی و کوتاهی و منافع بی‌شمار آن‌ها) و کشتی‌هایی که به سود مردم در دریا در حرکتند (و برابر قانون وزن مخصوص اجسام و سرشت آب و باد و بخار و برق، و غیره که از ساخته‌های پروردگارند در جریانند) و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده (که برابر قوانین منظمی بخارها به ابرها تبدیل و بر پشت بادها به جاهایی که خدا خواسته باشد رهسپار می‌گردند و پس از تلقیح، به صورت برف و تگرگ و باران مجدداً بر زمین فرو می‌ریزند) و با آن زمین را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان آسمان و زمین معلق می‌باشند (و برابر قوانین و ضوابط ویژه‌ای در پهنه‌ی فضا پراکنده نمی‌گردند و هدر نمی‌روند)، بی‌گمان نشانه‌هایی (برای پی بردن به ذات پاک پروردگار و یگانگی خداوندگار) است برای مردمی که تعقل ورزند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خُلَّةٞ وَلَا شَفَٰعَةٞۗ وَٱلۡكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٥٤ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥ لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٥٦ ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥٧﴾ [البقرة: 254-257].

254- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (برخی) از آنچه بهره‌ی شما کرده‌ایم (در راه خدا) صرف کنیم، پیش از آنکه روزی فرا رسید که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است و کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم می‌کنند).

255- خدایی به جز الله وجود ندارد و او زنده‌ی پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد. از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است. کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه‌ی او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است. چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در برگرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

256- اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است، بنابراین کسی که از طاغوت نافرمانی کند و به خدا ایمان آورد، به محکم‌ترین دستاویز در آویخته است و اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است.

257- خداوند متولی و عهده دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور رهنمون می‌شود. و اما کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و قطرات پاک) بیرون آورده و به سوی تاریکی‌های (زمخت کفر و فساد) می‌کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند.

﴿لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢٨٤ ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾

[البقرة: 284-286].

284- آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است، از آن خدا است، و (لذا) اگر آنچه را که در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند، سپس هر که را بخواهد می‌بخشد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند، و خدا بر هر چیزی توانا است.

285- فرستاده‌ی (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است و مومنان بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می‌گویند) میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم و می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردمی. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانیم، و بازگشت به سوی تو است.

286- خداوند به هیچ کس جز به اندازه‌ی توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مگیر، پروردگارا! بار سنگین را بر دوش ما مگذار آن چنان که بر دوش کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن و از ما درگذر و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

﴿الٓمٓ ١ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ٢ نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ٣ مِن قَبۡلُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَۗ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ٤ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخۡفَىٰ عَلَيۡهِ شَيۡءٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٥ هُوَ ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ كَيۡفَ يَشَآءُۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٦﴾ [آل عمران: 1-6].

1- الف. لام. میم.

2- جز خدا، خدایی نیست و او زنده و متصرف (جهان) است.

3- کتاب را بر تو نازل کرده است که مشتمل بر حق است، تصدیق کننده‌ی کتاب‌هایی است که قبل از آن بوده‌اند. و خداوند پیش از آن تورات و انجیل را (بر موسی و عیسی) نازل کرده است.

4- پیش از (قرآن، تورات و انجیل را نازل کرده است) جهت رهنمون مردمان، چون خدا سازنده حق از باطل (قرآن) را فرو فرستاده است. بی‌گمان کسانی که نسبت به آیات خدا کفر ورزند، عذاب سختی دارند، و خداوند توانا و انتقام گیرنده است.

5- شکی نیست که هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پنهان نمی‌ماند.

6- او است که شکا را در رحم‌های (مادران) هر آنگونه که بخواهد شکی می‌بخشد، جز او خدایی نیست، عزیز و حکیم است.

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨﴾ [آل عمران: 18].

18- خداوند گواهی می‌دهد اینکه معبودی جز او نیست، و اینکه او دادگری می‌کند، و فرشتگان و صاحبان دانش گواهی می‌دهند جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم.

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٦﴾ [آل عمران: 26].

«بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارایی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارایی را باز پس می‌گیری، و هر کسی را بخواهی عزت و قدرت می‌دهی و هر کسی را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیزی توانایی.»

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل‌عمران: 85].

«و کسی که غیر از اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره‌ی زیانکاران خواهد بود.»

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤ ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٥٥ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَا وَٱدۡعُوهُ خَوۡفٗا وَطَمَعًاۚ إِنَّ رَحۡمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٦﴾ [الأعراف: 54-56].

54- پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره بیافرید، سپس به اداره‌ی جهان هستی پرداخت. با شب، روز را می‌پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشید و ماه و ستارگان را بیافریده است و جملگی مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

55- پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی؟؟؟ بخواهید او تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

56- در زمین بعد از اصلاح آن فساد و تباهی مکنید. و خدا را بیمناکانه و امیدوارانه بفریاد خوانید؛ بی‌گمان رحمت یزدان به نیکوکاران نزدیک است.

﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧﴾ [الأنبياء: 87].

87- ذوالنون را در آن هنگام که خشمناک بیرون رفت و گمان برد که بر او سخت و گران نمی‌گیریم در میان تاریکی‌ها فریاد برآورد که پروردگاری جز تو نیست و تو پاک و منزهی. من از جمله ستمکاران شده‌ام (مرا دریاب).

﴿وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلِيّٞ مِّنَ ٱلذُّلِّۖ وَكَبِّرۡهُ تَكۡبِيرَۢا ١١١﴾ [الإسراء: 111].

111- بگو: حمد و سپاس خداوندی را سزا است که برای خود فرزندی برنگزیده است و در فرمانروایی و مالکیت (جهان) انبازی انتخاب ننموده است و یاوری بخاطر ناتوانی نداشته است. بنابراین او را چنانکه باید به عظمت؟؟؟؟

﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٠٩﴾ [البقرة: 109].

109- بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند با اینکه حقانیت (اسلام) برایشان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمایید و چشم پوشی کنید تا خدا فرمان دهد. بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است.

﴿أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۖ فَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ ءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَءَاتَيۡنَٰهُم مُّلۡكًا عَظِيمٗا ٥٤﴾ [النساء: 54].

54- آیا آنان بر چیزی حسد می‌برند که خداوند از روی فضل و رحمت خود به مردم داده است؟ ما که به آل ابراهیم کتاب و پیغمبری و پادشاهی عظیمی دادیم (یوسف در مصر، داود و سلیمان در شام).

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِۦۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٧﴾ [يونس: 107].

107- اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کسی جز او نمی‌تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کسی نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هر کسی از بندگانش که بخواهد می‌کند و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

﴿وَقَالَ يَٰبَنِيَّ لَا تَدۡخُلُواْ مِنۢ بَابٖ وَٰحِدٖ وَٱدۡخُلُواْ مِنۡ أَبۡوَٰبٖ مُّتَفَرِّقَةٖۖ وَمَآ أُغۡنِي عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍۖ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَعَلَيۡهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ٦٧﴾ [يوسف: 67].

67- و گفت (یعقوب): ای فرزندانم از یک در (به مصر) داخل نشوید بلکه از درهای گوناگون وارد شوید (تا از حسادت حسودان در امان باشید) نمی‌توانم چیزی را که خدا مقرر کرده باشد از شما بدور سازم. تنها حکم و فرمان از آن یزدان است. بر او توکل می‌کنم و باید که توکل کنندگان بر او توکل کنند و بس.

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا ٣٩﴾ [الكهف: 39].

39- کاش وقتی که وارد باغ می‌شدی می‌گفتی ماشاء الله، هیچ قوت و قدرتی جز از ناحیه‌ی خدا نیست (و اگر مدد و توفیق او نباشد توانایی عبادت و پرستش را نخواهیم داشت ای رفیق ناسپاس) اگر می‌بینی که از نظر اموال و اولاد از تو کم‌ترم (اما....).

﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ ٢ ٱلَّذِي خَلَقَ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗاۖ مَّا تَرَىٰ فِي خَلۡقِ ٱلرَّحۡمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٖۖ فَٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ هَلۡ تَرَىٰ مِن فُطُورٖ ٣ ثُمَّ ٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ كَرَّتَيۡنِ يَنقَلِبۡ إِلَيۡكَ ٱلۡبَصَرُ خَاسِئٗا وَهُوَ حَسِيرٞ ٤﴾ [الملك: 1-4].

1- بزرگوار و دارای برکات بسیار، آن کسی که فرمانروایی از آن اوست و او بر هر چیزی قادر است.

2- همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا و آمرزگار و بخشاینده است.

3- آن که هفت آسمان را بالای یکدیگر و هماهنگ آفریده است. اصلاً در آفرینش و آفریده‌های خداوند مهربان خلل و تضاد و عدم تناسبی نمی‌بینی. پس دیگر باره بنگر آیا هیچ گونه خلل و رخنه‌ای می‌بینی؟

4- باز هم بارها و بارها بنگر و ورانداز کن. دیده سرانجام فروهشته و حیران و درمانده و ناتوان به سویت باز می‌گردد.

﴿وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَيُزۡلِقُونَكَ بِأَبۡصَٰرِهِمۡ لَمَّا سَمِعُواْ ٱلذِّكۡرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجۡنُونٞ ٥١ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٥٢﴾ [القلم: 51-52].

51- نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند، تو را چشمان خود به سر در آورند و هلاک سازند و می‌گویند: او قطعاً دیوانه است.

52- در صورتی که قرآن جز اندرز و پند جهانیان و مایه‌ی بیداری و هوشیاری ایشان نیست.

﴿وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلۡمَلَكَيۡنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡۚ وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٢﴾ [البقرة: 102].

102- و (گروهی از؟؟؟ یهود) به آنچه شیاطین صفتان و گناه پیشگان درباره‌ی سلطنت سلیمان می‌خوانند، باور داشتند و از آن پیروی نمودند. و حال آنکه سلیمان هرگز کفر نورزیده است. و بلکه شیاطین صفتان گناه پیشه، کفر ورزیده‌اند جادو و آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می‌آموزند. و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر اینکه پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله‌ی آزمایش هستیم کافر نشو. از ایشان چیزهایی آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌افکندند. و حال آنکه با چنین جادویی نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمت‌هایی را فرا می‌گرفتند که برایشان زیان داشت و بدیشان سودی نمی‌رساند. و مسلماً می‌دانستند هر کسی خریدار اینگونه متاع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته اگر می‌دانستند.

103- و اگر آنان ایمان می‌آورند و پرهیزگاری می‌کردند. پاداشی که نزد خدا است بهتر است اگر می‌دانستند.

﴿۞وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۖ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ ١١٧ فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٨ فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَٰغِرِينَ ١١٩ وَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ١٢٠ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢١ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١٢٢﴾ [الأعراف: 117-122].

117- به موسی وحی کردیم که عصای خود را بینداز، ناگهان به سرعت آنچه را بهم می‌بافتند بلعید.

118- پس حق ثاقت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد.

119- در آنجا (فرعونیان) شکست خوردند و خوار و رسوا برگشتند.

120- و جادوگران به سجده افتادند.

121- گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.

122- به پروردگار موسی و هارون.

﴿قَالَ مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمۡۖ أَسِحۡرٌ هَٰذَا وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ ٧٧﴾ [يونس:77].

77- موسی گفت: آیا به حق که به سوی شما آمده است سحر می‌گویید؟ آیا این جادو است؟ به هر حال جادوگران پیروز نمی‌شوند.

﴿فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٨١ وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٨٢﴾ [يونس: 81-82].

81- هنگامی که (ریسمان‌ها و عصاهای خود را) انداختند، موسی گفت: آنچه ارائه داده اید واقعاً جادو است. قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد و خداوند کار تبهکاران را شایسته و سودمند نمی‌گرداند.

82- خداوند با سخنان خود حق را پایدار و ماندگار می‌گرداند، هرچند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند.

﴿وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ٦٩﴾ [طه: 69].

69- و چیزی را که در دست راست داری بیفکن تا همه‌ی ساخته‌های ایشان را بسرعت ببلعد. چرا که کارهایی را که کرده‌اند، نیرنگ جادوگر است و جادوگر هرکجا برود پیروز نمی‌شود.

﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ١١٦ وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١١٧ وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١١٨﴾ [المؤمنون: 115-118].

115- آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما برگردانده نمی‌شوید.

116- خداوندی که فرمانروای راستین است و هیچ معبودی جز او نیست و صاحب عرش عظیم است برتر از آن است (که جهان را بی‌هدف آفریده باشد).

117- هر کس که با خدا، معبود دیگری را به فریاد خواند -و مسلماً هیچ دلیل بر حقانیت آن نخواهد داشت- حساب او با خداست قطعاً کافران رستگار نمی‌گردند.

118- بگو: پروردگارا! (گناهانم را) ببخشای و مرحمت فرمای، چرا که تو بهترین مهربانانی.

﴿يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُجِرۡكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٣١﴾ [الأحقاف: 31].

31- ای قوم ما! سخنان فراخواننده‌ی الهی را بپذیرید، و به او ایمان بیاورید، تا خدا گناهانتان را بیامرزد و شما را در پناه خویش دارد.

﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ إِنِ ٱسۡتَطَعۡتُمۡ أَن تَنفُذُواْ مِنۡ أَقۡطَارِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ فَٱنفُذُواْۚ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلۡطَٰنٖ ٣٣ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٤ يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ ٣٥ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٦﴾ [الرحمن: 33-36].

33- ای گروه پری‌ها و انسان‌ها! اگر می‌توانید از نواهی آسمان‌ها و زمین بگذرید، بگذرید، و لکن نمی‌توانید بگذرید مگر با قدرت عظیم.

34- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

35- آتش بی‌دود و مس گداخته به سوی شما روانه می‌گردد و بر سر شما ریخته می‌شود، و شما همدیگر را نمی‌توانید یاری بدهید.

36- پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ٢١ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٢٢ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٤﴾ [الحشر: 21-24].

21- اگر ما این قرآن را برای کوهی می‌فرستادیم، کوه را از ترس خدا، کرنش کنان و شکافته می‌دیدی! ما این مثال‌ها را برای مردمان بیان می‌داریم شاید که ایشان بیندیشند.

22-خدا کسی است که جز او پروردگار معبودی نیست، آگاه از جهان نهان و آشکار است او دارای مرحمت عامه و خاصه است.

23- خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزه ، بی‌عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده و محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، بزرگوار و شکوهمند، والامقام و فرازمند است خداوند دور و فرا از چیزهایی است که انباز او می‌کنند.

24- او خداوندی است که طراح هستی و آفریگار آن از نیستی و صورتگر جهان است. دارای نام‌های نیک و زیبا است چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین هستند، تسبیح و تقدیس او می‌گویند، و او چیره‌ی کار بجا است.

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يَمۡسَسۡكَ بِخَيۡرٖ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧﴾ [الأنعام: 17].

17- اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کسی جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد، و اگر چیزی به تو برساند، چرا که او بر هر چیزی توانا است.

﴿وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا ١ فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرٗا ٢ فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكۡرًا ٣ إِنَّ إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ ٤ رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَرَبُّ ٱلۡمَشَٰرِقِ ٥ إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِزِينَةٍ ٱلۡكَوَاكِبِ ٦ وَحِفۡظٗا مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ ٧ لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰ وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٖ ٨ دُحُورٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ وَاصِبٌ ٩ إِلَّا مَنۡ خَطِفَ ٱلۡخَطۡفَةَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ ثَاقِبٞ ١٠ فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَهُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَم مَّنۡ خَلَقۡنَآۚ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّن طِينٖ لَّازِبِۢ ١١﴾ [الصافات: 1-11].

1. قسم به آنان که محکم صف کشیده‌اند!
2. و قسم به آنان که سخت باز می‌دارند!
3. و قسم به آنان که پیاپی تلاوت می‌کنند.
4. قطعاً معبود شما یکی است.
5. آن کسی که خداوند آسمان‌ها و زمین و همه‌ی چیزهایی است که در میان آن دو قرار دارد و خداوند مشرق‌ها است.
6. ما نزدیک‌ترین آسمان را به زینت ستارگان آراسته‌ایم.
7. ما آن را از هر شیطان متمردی، کاملاً حفظ کرده‌ایم.
8. آنان نمی‌توانند به گروه والامقام دزدکی گوشی فرا دهند. چرا که از هر سو به سویشان نشانه می‌رود.
9. آنان سخت مراد می‌گردند، و عذاب به تمام و کمالی و دائمی و سودی دارند.
10. و اما از آنان هر که با سرعت استراق سمعی کند، فوراً آذرخشی سوراخ کننده‌ی بدنبال او روان می‌گردد.
11. از ایشان پرس و جو کن که آیا آفرینش ایشان سخت تر و دشوارتر است یا آفرینش چیزهایی که آفریده‌ایم؟ ما که ایشان را از گل چسبنده ناچیز آفریده‌ایم.

﴿۞وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِي ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣﴾ [الأنعام: 13].

1. و از آن او است آنچه در شب و روز قرار دارد و او شنوای آگاه است.
2. ﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ١٢٩﴾ [التوبة: 129].

129- اگر آنان (از ایمان به تو) روی بگردانند. بگو: خدا مرا کافی و بسنده است. جز او معبودی نیست. و به او دلبسته‌ام و کارهایم را بدو واگذار کرده‌ام، و او صاحب پادشاهی بزرگ است.

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَنِيَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلۡ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ أَوۡ أَرَادَنِي بِرَحۡمَةٍ هَلۡ هُنَّ مُمۡسِكَٰتُ رَحۡمَتِهِۦۚ قُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُۖ عَلَيۡهِ يَتَوَكَّلُ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ٣٨﴾ [الزمر: 38].

38- اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ خواهند گفت: خدا. بگو: آیا چیزهایی را که بجز خدا بفریاد می‌خوانید چنین می‌بینید که اگر خدا بخواهد زیان و گزندی به من برساند، آن‌ها بتوانند آن زیان و گزند خداوندی را برطرف سازند؟ و یا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتی در حق من روا دارد، آن‌ها بتوانند جلو لطف و مرحمتش را بگیرند و آن را بازدارند؟ بگو: خدا مرا بس است. توکل کنندگان تنها بر او تکیه و توکل می‌کنند و بس.

﴿لِيُنفِقۡ ذُو سَعَةٖ مِّن سَعَتِهِۦۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيۡهِ رِزۡقُهُۥ فَلۡيُنفِقۡ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ سَيَجۡعَلُ ٱللَّهُ بَعۡدَ عُسۡرٖ يُسۡرٗا ٧﴾ [الطلاق: 7].

7- آنان که دارا هستند، از دارایی خود خرج کنند، و آنان که تنگدست هستند، از چیزی که خدا بدیشان که خدا بدیشان داده است خرج کنند، خداوند هیچ کسی را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلف نمی‌سازد. خدا بعد از سختی و ناخوشی، گشایش و خوشی پیش می‌آورد.

﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٦٣﴾ [يونس: 62-63].

62- هان! بی‌گمان دوستان خداوند ترسی بر آنان نیست و غمگین نمی‌گردند.

63- (دوستان خدا) کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند.

﴿قَالَ إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٦﴾ [يوسف: 86].

86- گفت: شکایت پریشان حالی و اندوه خود را تنها و تنها به خدا می‌برم و من از سوی خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨﴾ [الرعد:28].

28- آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان! دل‌ها به یاد خدا آرام می‌گیرد.

﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَۚ وَيَفۡعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ٢٧﴾ [إبراهيم: 27].

27- خداوند مومنان را به خاطر گفتار استوار هم در این جان وهم در آن جهان ماندگار می‌دارد و کافران را گمراه و سرگشته می‌سازد و خداوند هرچه بخواهد انجام می‌دهد.

﴿وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ شَكُورٌ ٣٤﴾ [فاطر: 34].

34- و خواهند گفت سپاس خداوندی را سزاست که غم و اندوه را از ما زدود بی‌گمان پروردگار آمرزنده سپاسگزار است.

﴿أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ ١ وَوَضَعۡنَا عَنكَ وِزۡرَكَ ٢ ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهۡرَكَ ٣ وَرَفَعۡنَا لَكَ ذِكۡرَكَ ٤ فَإِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ٥ إِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرٗا ٦ فَإِذَا فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ ٧ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب ٨﴾ [الشرح: 1-8].

1- آیا ما سینه تو را نگشودیم.

2- و بار سنگین از دوش تو برنداشتیم.

3- همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود.

4- و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم.

5- چرا که همراه با سختی و دشواری آسایش و آسودگی است.

6- مسلماً با سختی و دشواری آسایش و آسودگی است.

7- هرگاه از کار مهمی بپرداختی بدنبال آن رنج ببر.

8- و یکسره به سوی پروردگارت روی آر.

﴿وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا أَعۡجَمِيّٗا لَّقَالُواْ لَوۡلَا فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥٓۖ ءَا۬عۡجَمِيّٞ وَعَرَبِيّٞۗ قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞۚ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٞ وَهُوَ عَلَيۡهِمۡ عَمًىۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُنَادَوۡنَ مِن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ٤٤﴾ [فصلت: 44].

44- چنانکه قرآن را به زبانی جز زبان عربی فرو می‌فرستادیم حتماً می‌گفتند اگر آیات آن توضیح و تبیین می‌گردید آیا کتاب غیر عربی و پیغمبر عربی؟ بگو قرآن برا‌ی مومنان مایه راهنمایی و بهبودی است و اما برای غیر مومنان کری گوش‌های ایشان و کوری چشمان آنان است آنان کسانی‌اند که از دور صدا زده می‌شوند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٧﴾ [يونس: 57].

57- ای مردمان از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی و درمانی برای چیزهایی که در سینه هاست آمده است و هدایت و رحمت برای مومنان است.

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ٨٢﴾ [الإسراء: 82].

82- ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی و رحمت مومنان است ولی بر ستمگران جز زیان نمی‌افزاید.

﴿إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ ٢٧﴾ [الشعراء: 80].

80- و هنگامی که بیمار شوم اوست که مرا شفا می‌دهد.

﴿قَٰتِلُوهُمۡ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ بِأَيۡدِيكُمۡ وَيُخۡزِهِمۡ وَيَنصُرۡكُمۡ عَلَيۡهِمۡ وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ ١٤ وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٥﴾ [التوبة:14-15].

15- با آن کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و خوارشان دارد و شما را برایشان پیروز دارد و سینه‌های اهل ایمان را شفا بخشد.

14- و کینه را از دل‌هایشان بردارد خداوند توبه هر کس بخواهد می‌پذیرد خداوند آگاه از کار بندگان و دارا حکمت فراوان است.

﴿وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا ٨١﴾ [الإسراء: 81].

81- و بگو حق فرا رسیده است و باطل از میان رفته و نابود گشته است اصولاً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است.

﴿رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡهَا فَإِنۡ عُدۡنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ ١٠٧﴾ [المؤمنون: 107].

107- پروردگارا ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور و اگر (بعد از این به کفر و عصیان و انجام گناهان) برگشتیم ما ستمگر خواهیم بود.

﴿وَإِذۡ قَتَلۡتُمۡ نَفۡسٗا فَٱدَّٰرَٰٔتُمۡ فِيهَاۖ وَٱللَّهُ مُخۡرِجٞ مَّا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ ٧٢﴾ [البقرة: 72].

72- و (به یاد بیاورید) آنگاه را که کسی را کشتید و درباره‌ی آن به نزاع برخاستید و یکدیگر را بدان متهم کردید، و خدا حقیقت‌ام را می‌دانست و آنچه را که پنهان می‌کردید، آشکار و نمایان می‌نمود.

﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا ٢٣﴾ [الفرقان: 23].

23- ما به سراغ تمام اعمالی که (به ظاهر نیک بوده و در دنیا) آنان انجام داده‌اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده‌ی در هوا می‌سازیم.

﴿وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مَخۡرَجٗا ٢ وَيَرۡزُقۡهُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُۚ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَٰلِغُ أَمۡرِهِۦۚ قَدۡ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَيۡءٖ قَدۡرٗا ٣﴾ [الطلاق: 2-3].

1- هر کس هم از خدا بترسد و پرهیزگاری کند خدا راه نجات (از هر تنگنائی) را برای او فراهم می‌سازد.

2- و به او از جایی که تصورش نمی‌کند روزی می‌رساند. هر کس بر خداوند توکل کند خدا او را بسنده است. خداوند فرمان خویش را به انجام می‌رساند و هرچه را بخواهد بدان دسترسی پیدا می‌کند. خدا برای هر چیزی زمان و اندازه‌ای را قرار داده است.

﴿وَٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلۡمَرۡعَىٰ ٤﴾ [الأعلى: 4].

4- خداوندی که چراگاه را (برای تغذیه‌ی جانداران از زمین می‌رویاند و) بیرون می‌آورد.

﴿إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ١ وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا ٢ وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا ٣ يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا ٤ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوۡحَىٰ لَهَا ٥ يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٦ فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ٨﴾ [الزلزلة:1-8].

1- هنگامی که زمین سخت به لرزه در انداخته می‌شود.

2- و زمین سنگینی‌ها و بارهای خود را بیرون می‌آورد.

3- و انسان می‌گوید: زمین را چه شده است؟

4- در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای خود را بازگو می‌کند (و به زبان قال یا حال خواهد گفت که چه چیزهایی بر آن گذشته است).

5- (این احوال و اقوال زمین) بدان سبب است که پروردگار تو بدو پیام می‌دهد (که چه بشود و چه بگوید).

6- در آن روز مردمان (از گورهای خود) دسته دسته و پراکنده بیرون می‌آیند تا کارهایشان بدیشان نموده شود و نتیجه‌ی اعمال خویش را ببینند.

7- پس هر کس به اندازه‌ی ذره‌ی غباری کار نیکو کرده باشد آن را خواهد دید (و پاداش را خواهد گرفت).

8- و هر کس به اندازه‌ی ذره‌ی غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش خواهد چشید).

﴿فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظٗاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٦٤﴾ [يوسف: 64].

64- و خدا بهترین حافظ و نگهدار است و از همه‌ی مهربانان مهربان‌تر است.

﴿وَحَفِظۡنَٰهَا مِن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٍ ١٧﴾ [الحجر: 17].

17- (و آسمان را از (دستبرد و دسترس) هر اهریمن ملعون و مطرودی محفوظ و مصون داشته‌ایم).

﴿فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٤٤ فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِ مَا مَكَرُواْۖ وَحَاقَ بِ‍َٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ ٤٥﴾ [غافر: 44-45].

45-44- به زودی آنچه من به شما می‌گویم به خاطر خواهید آورد (و به صدق گفتار من پی خواهید برد) من کار و بار خود را به خدا وامی گذارم و حوالت می‌دارم. خداوند بندگان را می‌بیند (و پندار و گفتار و کردارشان را می‌پاید). خداوند (چنین بنده‌ی مومنی را تنها نگذاشت و) او را از سوء توطئه‌ها و نیرنگ‌های ایشان محفوظ و مصون داشت ولی عذاب بدی خاندان فرعون را در بر گرفت.

﴿وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ١٠ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ١٢﴾

[الإنفطار:10-12].

10-12 بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند. نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می‌نویسند. می‌دانند هر کاری را که می‌کنند.

﴿إِن كُلُّ نَفۡسٖ لَّمَّا عَلَيۡهَا حَافِظٞ ٤﴾ [الطارق: 4].

4- کسی وجود ندار مگر انیکه بر او نگهبانی است (که او را می‌پاید و کردار و گفتارش را ثبت و ضبط و حفظ می‌نماید).

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦﴾ [الكافرون: 1-6].

1- بگو: ای کافران!

2- آنچه را که شما (به جز خدا) می‌پرستید، من نمی‌پرستم.

3- و شما نیز نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم.

4- همچنین نه من به گونه‌ی شما پرستش را انجام می‌دهم.

5- و نه شما بگونه‌ی من پرستش را انجام می‌دهید.

6- آیین خودتان برای خودتان و آیین خودم برای خودم!

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الإخلاص: 1-4].

1- بگو: خدا، یگانه‌ی یکتاست.

2- خدا، سرور والای برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌ها است.

3- نزاده است و زاده نشده است.

4- و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾ [الفلق: 1-5].

1- بگو: پناه می‌برم به خداوندگار سپیده دم.

2- از شر هر آنچه خداوند آفریده است.

3- و از هر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).

4- و از شر کسانی که در گره‌های می‌دمند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود، اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی می‌کنند).

5- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾ [الناس: 1-6].

1- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

2- به معبود (به حق) مردمان.

3- از شر وسوسه گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره شدن بر او، از خدا کمک بخواهی و خویشتن را در پناهش داری).

4- وسوسه گری که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و... می‌خواند).

5- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

ادعیه و تعویذ (متوسط)[[67]](#footnote-67) از احادیث نبوی

1- «ألّلهُمً إنِّي أسألُكَ بِأنَّ لَكَ الحَمدَ لا إله الّا أنت، الحنّانُ، بيدع السَّمواتِ وَالأرْضِ، ذَالجَلالِ وَالإكرامِ، يَا حيُّ يا قَيُّومُ».[[68]](#footnote-68)

«بار خدایا! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم، چرا که حمد و ستایش را تنها تو سزایی و جز تو خدایی وجود ندارد. تو آن بخشاینده‌ای هستی که آسمان و زمین را پدید آورده‌ای (و همانا) تو صاحب عظمت و بزرگی هستی ای زنده‌ی پاینده!»

2- «ألّلهُمً إنِّي أسألُكَ إنِّي أشهَدُ أنَّكَ أنتَ اللهُ الَّذي لا إله إلا أنتَ، الأَحَدُ الصَّمَدُ، الّذي لَم يَلِدْ وَلَمْ يولَدْ ولَمْ يَكُنْ لَهُ كفواً أحَدٌ».[[69]](#footnote-69)

«بار خدایا! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم. همانا گواهی می‌دهم که بی‌تردید تو آن ذاتی هستی که (معبودی) جز تو وجود ندارد. تو یگانه‌ی برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌ها هستی که نزاده‌ای و زاده نشده‌ای و همتا و همگونی (نیز) نداری».

3- «ألّلهُمً إنا نسألكَ مِنْ خَير مَا سَألَكَ مِنهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلى الله عَلَيه وَسَلَم، وَنعوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما إستَعاذَ مِنهُ نَبِيَّكَ مُحَمَدٌ صَلى الله عَلَيه وَسَلم وَأنت المستعانُ وعَلَيكَ البَلاغُ ولا حَوْلَ وَلا قُوَّةً إلا بِاللهِ».[[70]](#footnote-70)

«بار الهی! هر آنچه از خیر را که نبی (بزرگوارت) محمد از حضرتت مطالبه کرده را از تو مسالت می‌داریم و از آنچه که نبی تو محمد (مصطفی) از شر آن به تو پناه آورده، به درگاه تو پناه می‌جوییم و (بی‌شک) توذاتی مددگار هستی (که انسان‌ها از تو مدد می‌خواهند)».

4- «ألّلهُمً إنِّي أعوذُ برضاكَ مِنْ سَخَطِكَ و(أعوُذ) بمعافاتك من عقوبتك وأعوذ بكَ منكَ، لا أُحصِي ثناءً عَلَيكَ، أنْتَ كَمَا اثنيتَ عَلى نَفْسِكَ».[[71]](#footnote-71)

«خداوندگارا! از خشم و غضبت به رضا (و خشنود) به تو پناه می‌برم و از عذاب تو به بخشش (و رحمت لایتناهی) به تو پناهنده می‌شوم. (الهی) از (ترس) تو به تو پناه می‌برم. (چرا که این حقیر) نتوانم ثنای تو را آنگونه که شایسته‌ی توست بازگو کنم و (راستی که) تو آنگونه هستی که خود (توصیف و) ثنای خویش گفته‌ای».

5- «لا إله إلا اللهُ العَظيمُ الحَليمُ، لا إلهَ إلا اللهُ ربُّ العرشِ العظيمِ، لا إلهَ إلا اللهُ ربُ السموات وربُّ الأرضِ وَربُّ العَرْضِ الكَريم».[[72]](#footnote-72)

«هیچ معبودی جز خداوند بزرگ و بردبار وجود ندارد. هیچ معبودی جز خداوند که پروردگار عرش عظیم است وجود ندارد. هیچ معبودی جز خداوند که پروردگار آسمان و زمین و پروردگار عرش باعظمت و بزرگ است وجود ندارد».

6- «ألّلهُمً رَحْمَتكَ أَرجُوا، فَلا تكِلنِي إلى نَفْسِي طرفَةَ عَينٍ وأصْلِحْ لِيْ شأنِي كُلَّهُ، لا إله إلا أنْتَ».[[73]](#footnote-73)

«خداوندا! رحمتت را از تو مطالبه می‌کنم (و از تو می‌خواهم) لحظه‌ای مرا به خودم واگذار نکنی و (تمام) حوائج و دشواری‌های کارم را سامان بخشی. (بی‌تردید) جز تو معبودی وجود ندارد.»

7- «أعُوذُ باللهِ السَّمِيْعِ العَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، من همزة ونفخة».[[74]](#footnote-74)

«پناه می‌برم به خداوندگار شنوای دانا از (شر) شیطان رانده شده و از (شر) وساوس و کبر و شعر (و سحر و ساحری) او». [[75]](#footnote-75)

8- «بِسْمِ اللهِ أرقيِكَ، مِن كُلِّ شيٍء يُوذيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أو عَينِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشْفِيكَ، بِسم اللهِ أرقيكَ».[[76]](#footnote-76)

«به نام خداوند آنچه (از ارواح پلید و غیره که) موجبات اذیت و آزار تو (بیمار) را فراهم می‌کنند از تو دور می‌سازم و از گزند هر نفس (سرکش) یا چشم زخم حسودی می‌رهانمت. (بی‌تردید) این خداست که تو را شفا می‌دهد و من (تنها) با نام و یاد او به مداوایت می‌پردازم».

9- «بسم الله الذِي لا يَضُرُّ مَعَ إسمِه شيٌء في الأرْضِ ولا في السماءِ وَهو السَّميعُ العليم».[[77]](#footnote-77)

«به نام خداوندگاری که هیچ چیز را در زمین و آسمان یارای ضرر رسانیدن به گوینده‌ی نام او (که نام مبارکش ورد خویش ساخته و کارهایش را با نام او آغاز می‌کند) نیست و او شنوای داناست». این دعا بایستی سه مرتبه تکرار شود.

10- «بِسْمِ اللهِ يُبريِكَ ومِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ ومِنْ شَرِّّ حَاسِدٍ إذا حَسَدَ وشَرِّ كُلِّ ذي عَينٍ».[[78]](#footnote-78)

«با نام و یاد خداوند از او می‌خواهم که تو را (از آنچه بدان مبتلایی) رهایی بخشد و از هر درد و بلایی شفا داده از شر هر حسود آنگاه که حسد ورزد و شر هر چشم زخم زننده‌ای در امان بدارد».

11- «بسم الله (ثلاثا)، أعوذ بِاللهِ وقُدْرَتَه، مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ واُحاذرُ».[[79]](#footnote-79) (سبع مرات)

«به نام خداوند، پناه می‌برم به خدا و قدرت (لا یزالش) از گزند آنچه (هم اکنون) با آن مواجه هستم و آنچه ترس دارم (بدان مبتلا گردم». (در این تعویذ باید سه بار (بسم الله) و هفت بار باقی تعویذ تکرار گردد).

12- «بسم اللهِ الكَبِير، أَعُوذُ بِاللهِ العَظِيْمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ[[80]](#footnote-80) ومِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ».[[81]](#footnote-81)

«به نام (و یاد) خداوند بلند مرتبه، از شر فوران خون (که چون شدت یابد موجب هلاک شود) و شر حرارت (و تب) به ذات عظیم او پناه می‌برم».

13- «أذْهِبِ البأسَ، ربَّ الناسِ، وَاشْفِ أنتَ الشَّافِي، لا شفاءَ إلا شِفاوك، شفاء لا يغادر سقماً».[[82]](#footnote-82)

«ای پروردگار انسان‌ها! (هرگونه) زیان و ترس را زایل کن و شفا (ی عاجل) عنایت فرما که همانا تو (تنها) شفا دهنده هستی و جز شفای تو که تمامی بیماری‌ها را در مان می‌بخشد شفایی وجود ندارد».

14- «ألّلهُمَ أشفِ عبدَكَ وصَدَّقَ رَسُولَكَ ()». [[83]](#footnote-83)

«بار خدایا! (این) بنده‌ی خویش را شفا (و عافیت) عنایت کن و رسول گرامی خود تصدیق (و باور) فرما».

15- «ألّلهُمَ اشفِ عبدَكَ ينكا[[84]](#footnote-84) لكَ عَدُوّاً ويَمشي لَكَ إلى الصلا‌ة».[[85]](#footnote-85)

«بار خدایا! بنده‌ی خویش که برای رضای تو (به میدان نبرد می‌رود تا) دمار از روزگار دشمنت برآورد و صرفاً برای جلب رضایت تو به سوی نماز می‌شتابد را شفای (کامل) عنایت فرما».

16- «ألّلهُمَ بارِكْ عَلَيْهِ وَأذْهِبْ عَنْهُ حَرَّ العَينِ وَبَردَها وَوصَبَها».[[86]](#footnote-86)

«بار خدایا به وی برکت عنایت کن و حرارت (تب) و سرد شدن بدن و همچنین سستی و کسالت حاصل از چشم زخم را از وی زایل کن».

17- «رَبنا الله الذي في السماء، تَقَدَّس أسمُكَ، أمرُك في السماء والأرضِ، كما رحمتك في السماء فَأجْعَلْ رَحْمَتِكَ فِي الأرضِ، إغفرلنا حُوبَنا وخطايانا، أنْتَ رَبُّ الطيبينَ، أنْزِلْ رحمةً من رَحْمَتِكَ وشفاءً من شِفائِكَ عَلى هَذَا الوَجَع، فَيْبرَأ».[[87]](#footnote-87) (ثلاث مرات)

«پروردگارا! ای خدایی که در آسمان ماوی گرفته ای. نام تو پاک و مقدس است و فرمان تو آسمان و زمین را احاطه کرده (و همه مخلوقات تحت سیطره و فرمان تواند). (خداوندا!) از تو می‌خواهیم که همانگونه که (دریای) رحمتت را در آسمان (بر اهل آن) ارزانی داشته ای همچنان (اهل) زمین را نیز از آن برخوردار نمایی و از گناهان و لغزشهای ما درگذری، همانا تو پروردگار پاکان هستی. (پس) گوشه ای از (دریای) رحمت و شفای خویش را بر این بیمار دردمند سرازیر کن تا از این دردمندی رهایی یابد. (این دعا باید سه مرتبه خوانده شود».

18- «أعُوذُ بِكَلِماتِ الله ِالتّامَّةِ مِنْ كُلّ شيطانٍ وهامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَينٍ لأمَّةٍ».[[88]](#footnote-88)

«پناه می‌برم به کلمات تامه‌ی الهی از گزند شیطان و هر جنبنده‌ی مضر (و زیانبخش) و هر (کسی که دارای) چشم بد (چشم زخم زننده باشد».[[89]](#footnote-89)

19- «أعُوذُ بِكَلِماتِ الِله التَّامّات مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْ».[[90]](#footnote-90)

«از گزند مخلوقات خداوند به کلمات تامه‌ی او پناه می‌برم».

20- «أعوذُ بوجه الله ِالكريم وبكلماتِ اللهِ التَّامّات اللاتي لا يجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما ينزِلُ مِنْ السَّماءِ وشَرِّ ما يعرج فيها وشَرِّ ما ذَرا فِي الأرضِ وشَرِّ ما يَخْرُجُ مِنْها، ومِنْ فِتَنِ الليلِ وَالنّهَارِ وَمِنْ طَوَارِقِ الليلِ والنّهَار إلا طَارقاً يَطرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمنُ».[[91]](#footnote-91)

«پناه می‌برم به ذات کریم الهی و به کلمات تامه‌ی او که هیچ کس چه فاجر و چه نیکوکار از آن مستغنی نیست از شر هر آنچه (از زیان و ضرر) که از آسمان فرود آید یا بدان عروج نماید. و (همچنین) از شر آنچه که در زمین خلق شده و شر آنچه از آن براید و از شر فتنه‌ها و حوادث ناخوشایندی که در شب و روز حادث می‌شود به ذات خداوند و کلمات تامه‌ی او پناه می‌برم. ای خداوند رحمان! (من را یاری کن)».

21- «بِسم اللهِ، أعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامَّةَ مِنْ غَضَبَه وعِقابِه، وشَرِّ عِبادِهِ ومن هَمَزاتِ الشياطِيْنِ وَأنْ يَحضُرُونِ».[[92]](#footnote-92)

«با نام و یاد خداوند، از خشم و عذاب خداوندی و از شر بندگان وی و از شر وساوس و اغواگری‌های شیاطین و از اینکه با آنان (شیاطین) مواجه شوم به کلمات تامه‌ی الهی پناه می‌برم».

22- «أسْأَلُ الله َالعَظِيْمَ رَبَّ العَرْشِ العَظِيمِ أنْ يَشْفِيَكَ».[[93]](#footnote-93) (سبع مرات)

«از خداوند بزرگ که پروردگار عرش عظیم است می‌خواهم که تو (بیمار) را شفا دهد». (این دعا بایستی هفت مرتبه تکرار شود).

23- «حَسْبِيَ الله ُلا لله إلا هُوَ عَلَيهِ تَوَكَّلتُ وهُوَ ربُّ العَرشِ العَظيمِ».[[94]](#footnote-94) (سبع مرات)

«خداوندی که هیچ معبودی جز او نیست مرا بسنده است. بر او توکل می‌کنم که او پروردگار عرش عظیم است». (این دعا باید هفت مرتبه خوانده شود).

24- «يا ذَا الجَلالِ وَالإكرام، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، بِرَحْمَتِكَ أسْتَغِيثُ».[[95]](#footnote-95)

«ای صاحب بزرگی و کرامت، ای زنده‌ی پاینده، به رحمت (بی‌پایان) تو استغاثه می‌کنم (و از تو می‌خواهم من را یاری کنی)».

25- «ألّلهُمَ إني أعُوذُ بِوجهِكَ الكَريم وَكَلَمِاتِكَ التّامه مِنْ شَرِّ مَا أنتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتهِ، ألّلهُمَّ أنْتَ تكشِفُ المَغْرَمَ وَالمأثَمَ، ألّلهُمَّ لا يُهزَمُ جُنْدٌكَ وَلا يُخْلَفُ وَعْدَكَ، وَلا يَنفَعُ ذالجَدِّ مِنكَ الجَدُّ، سُبْحانَكَ وبحَمْدِكَ».[[96]](#footnote-96)

«بار خدایا! از شر هر آنچه که تحت تو قرار دارد به ذات کریم و کلمات تامه‌ی تو پناه می‌جویم. خداوندگارا! این تو هستی که دیون و بدی‌های بدهکاران را زایل می‌کنی (و با استعانت آن‌ها مددشان می‌کنی) و گناهان گنهکاران را قلم عفو می‌کشی! خداوندا! نیرو (و سپاه) تو شکست ناپذیر است و تو هیچگاه خلف وعده نمی‌کنی. (بی‌تردید) دارایی (و قدرت) هیچکس وی را از تو مستغنی نمی‌سازد (و) تو پاک و منزهی و ستایش تو را سزاست».

26- «ألّلهُمَ إني عَبدُكَ وَابنُ عبدِكَ وابنُ أمَتِكَ، ناصِيَتي بِيَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤكَ، أسْألُكَ بِكُلِّ إسمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيتَ بِه نَفْسَكَ أو عَلَّمْتَهُ أحَداً مِنْ خُلْقِكَ، أو أنْزَلْتَهُ فِي كِتابِكَ أوِ استأثَرتَ بِه فِي عِلْمٍ الغيبِ عِندَكَ، أن تَجْعَلَ القرآنَ رَبيعَ قَلْبِي ونورَ صَدْرِي وجَلاءَ حُزنِي وَذَهَابَ هَمِّي».[[97]](#footnote-97)

«بار خدایا! من و پدر و مادرم نیز بنده‌ی توایم، سرنوشتم بدست توست و هرآنچه در مورد من حکم کرده‌ای قطعی است (و تحقیق خواهد یافت) و قضاوت و داوری تو در مورد من مبتنی بر عدل (و انصاف) است. (بار خدایا!) با تمام اسمای (حسنای) تو و آنچه خود خویش را بدان مسمی نموده‌ای و آنچه از اسماء که (بطور خصوص) به بنده‌ای از بندگان خود آموخته‌ای و اسمای (مبارکی) که در کتاب (جاوید) خویش ذکر نموده یا به عنوان راز آن را جزو علم غیب خویش قرار داده‌ای (اسم غیب) تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم که قرآن را بهار دل و نور سینه‌ام قرار دهی و حزن و اندوه را از من بزدایی».

27- «ألّلهُمَ إني أسْألْكَ العَافِيةَ فِي الدُّنيا وَالأخِرَةِ، ألّلهُمَ إني أسْألْكَ العَفْوَ والعَافِيةَ فِي دِيني ودُنيايَ، وَأهْلِيْ وَمَالِي، ألّلهُمَّ اسْتُر عَورابي وآمِنْ رَوْعَاتِي، ألّلهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيِنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَن يَمينِي وَعَنْ شِمَاليِ وَمِنَ فَوقِي وَأعُوذُ بِعَظِمَتِكَ أن اُغتالَ مِنْ تَحْتِي».[[98]](#footnote-98)

«بار خدایا! در دنیا و آخرت عافیت را نصیبم کن، خداوندگارا! از تو عفو (لذت) و عافیت را در مورد (امور) دین ودنیا و اهل و مالم مسالت می‌دارم، خدایا! عیوبم بپوشان و آرامش نصیبم کن. خدایا من (بطور کامل) از جلو و عقب و راست و چپ و از بالا و پایین (از گزند حوادث) حفاظت کن و از اینکه به بلایی ناگهانی مبتلا شوم (خسف شوم) به عظمت تو پناه می‌برم».

28- «ألّلهُمَّ عافِنِي فِي بَدَنِي، ألّلهُمَّ عافِنِي فِي سَمْعِي، ألّلهُمَّ عافِنِي فِي بَصَرِي، لا إله إلا أنْتَ».[[99]](#footnote-99) (ثلاث مرات)

«خداوندا! در بدن و شنوایی و بینائی‌ام عافیت و سلامتی عنایت کن (که) جز تو معبودی وجود ندارد. (این دعا سه مرتبه باید خوانده شود)».

29- «ألّلهُمَّ آت نَفْسِيْ تَقْواهَا وَزَكِّها أنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّاها، أنْتَ وَلِيُّها وَمَولاها، ألّلهُمَّ إنِّي أعُوذُبِكَ مِن عِلْمٍ لا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لا تَشبَعُ وَمِنْ دَعوَةٍ لا يُستَجَابُ لَها».[[100]](#footnote-100)

«بار خدایا! تو مولا و سرپرست نفس منی پس نفسم را از گناهان بیالای و تقوا بدان عنایت کن (که) تو بهترین تزکیه کنندگانی، خداوندا! از هر علمی که نافع نباشد و از هر قلبی که (در مقابل تو) فروتن و خاشع نباشد و از هر نفس سیری ناپذیر (حریص) و هر دعایی که قابلیت اجابت (در درگاه تو را) نداشته باشد به تو پناه می‌برم».

30- «ألّلهُمَّ بَرِّدْ قَلْبِي بِالثَلْجِ وَالبَرَدِ وَالماءِ البارِدِ، ألّلهُمَّ نَقِّ قَلْبِي مِنَ الخَطايا كما نَقَيتَ الثَوبَ الأبَيضَ مِنَ الدَّنَسِ».[[101]](#footnote-101)

«خداوندا! دلم با برف و تگرگ و آب سردخنک گردان، بار خدایا قلبم را آنچنان که پارچه‌ی سفید را از آلودگی تطهیر نموده‌ای پاک و مطهر گردان».

31- «ألّلهُمَّ صَليِّ عَلى مُحَمدٍ وَعَلى آلِ مُحَمدٍ كَما صَليتَ عَلى إبراهِيمَ وَعَلى آل إبراهيمَ إنكَ حَميدٌ مَجِيدٌ، ألّلهُمَّ بارِكْ عَلى مُحَمَدٍ وَعَلى آلِ مُحَمدٍ كَما بارِكتَ عَلى إبراهيمِ وَعَلى آل إبراهيم إنك حَميدٌ مَجيدٌ».[[102]](#footnote-102)

«بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست آنگونه که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالی مرتبه هستی، بارخدایا! محمد و آل محمد را بزرگی و کرامت عنایت کن آنگونه که (در میان جهانیان) ابراهیم و آل ابراهیم را (برکت و بزرگی) عنایت فرمودی. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالی مقام هستی».

فصل سوم: تعویذ طولانی (مفصل)

تعویذ طولانی از قرآن

تعویذهای طولانی از قرآن مجیدعبارتند از:

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾ [الفاتحة].

1- به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

2- ستایش خداوندی را سزاست که پروردگار جهانیان است.

3- بخشنده و مهربان است.

4- مالک روز سزا و جزاست.

5- تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم.

6- ما را به راه راست راهنمایی فرما.

7- راه کسانی که نعمت داده‌ای نه راه آنان که برایشان خشم گرفته‌ای، و نه راه گمراهان.

﴿الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٦ خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٧﴾ [البقرة: 1-7].

1- الف. لام. میم.

2- این کتابی است که هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

3- آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند، و نماز را به گونه‌ی شایسته می‌خوانند، و از آنچه بهره آنان ساخته‌ایم می‌بخشند.

4- و آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند.

5- این چنین کسانی، هدایت و رهنمود خدای خویش را دریافت کرده و حتماً رستگارند.

6- بی‌گمان کفر پیشگان برایشان یکسان است چه آنان را بیم دهی و چه بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند.

7- خداوند دل‌ها و گوش‌هایشان را مهر زده است، و بر چشمانشان پرده‌ای است، و عذاب بزرگی در انتظارشان است.

﴿بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ١١٧﴾ [البقرة:117].

117- هستی بخش آسمان‌ها و زمین، او است. و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها بدو می‌گوید: باش! بس می‌شود.

﴿فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣٧ صِبۡغَةَ ٱللَّهِ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبۡغَةٗۖ وَنَحۡنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ ١٣٨﴾ [البقرة: 137-138].

137- اگر آنان ایمان بیاورند، همچنان که شما ایمان آورده‌اید، و بدان چیزهای که شما ایمان دارید، ایشان نیز ایمان داشته باشند، بی‌گمان (به راه درست خدایی) رهنمود گشته‌اند، و اگر پشت کنند (و از حقیقت سرپیچی نمایند و دوباره به رسوم و آداب موروثی چنگ زنند) پس راه اختلاف و دشمنانگی را (با شما) در پیش گرفته‌اند، و خدا تو را بسنده خواهد بود و او تو را از (اذیت و آزار و نیرنگ و دسیسه‌های) ایشان نجات خواهد داد، و او شنوا و بینا است (و گفتار ایشان را می‌شنود و کردار آنان را می‌بیند).

138- (خداوند ما را با آئین توحیدی و ایمان راستین زینت داده است و) این رنگ و زینت خداست و چه کسی از خدا (می تواند) زیباتر بیاراید و بپیراید؟ و ما تنها او را می‌پرستیم.

﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣ إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖ وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٦٤﴾ [البقرة: 163-164].

163- خداوند شما، خداوند یکتا و یگانه است و هیچ خدایی جز او که رحمان و رحیم است وجود ندارد.

164- مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز (و اختلاف آن دو در درازی و کوتاهی و منافع بیشمار آن‌ها) و کشتی‌هایی که به سود مردم در دریاها در حرکتند (و برابر قانون وزن مخصوص اجسام و سرشت آب و باد و بخار و برق، و غیره که از ساخته‌های پروردگارند در جریانند) و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده (که برابر قوانین منظمی بخارها به ابرها تبدیل و بر پشت بادها به جاهایی که خدا خواسته باشد رهسپار می‌گردند و پس از تلقیح، بصورت برف و تگرگ و باران مجدداً بر زمین فرو می‌ریزند) و با آن زمین را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان آسمان و زمین معلق می‌باشند (و برابر قوانین و ضوابط ویژه‌ای در پهنه فضا پراکنده نمی‌گردند و هدر نمی‌روند)، بی‌گمان نشانه‌هایی (برای پی بردن به ذات پاک پروردگار و یگانگی خداوندگار) است برای مردمی که تعقل ورزند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خُلَّةٞ وَلَا شَفَٰعَةٞۗ وَٱلۡكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٥٤ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥ لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٥٦ ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥٧﴾ [البقرة: 254-257].

254- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (برخی) از آنچه بهره شما کرده‌ایم (در راه خدا) صرف کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است، و کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم می‌کنند و نتیجه ظلم آنان در آن روز ظاهر خواهد شد).

255- خدایی به جز الله وجود ندارد و او زنده‌ی پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمان‌ها و مکان‌ها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان) چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است). فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در برگرفته است. و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

256- اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است، بنابراین کسی که از طاغوت (شیطان و بت‌ها و معبودهای پوشالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) نافرمانی کند و به خدا ایمان بیاورد، به محکم‌ترین دستاویز درآویخته است (و او را از سقوط و هلاکت می‌رهاند و) اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است (و سخنان پنهان و آشکار مردمان را می‌شنود و از کردار کوچک و بزرگ همگان آگاهی دارد).

257- خداوند متولی و عهده دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (اما) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شر و ضلال) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده و به سوی تاریکی‌های (زمخت کفر و فساد) می‌کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدان می‌مانند.

﴿لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢٨٤ ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾

[البقرة: 284-286].

284- آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست، و (لذا) اگر آنچه را که در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند، سپس هر که را بخواهد (و شایستگی داشته باشد) می‌بخشد و هر که را بخواهد (و مستحق باشد) عذاب می‌کند، و خدا بر هر چیزی توانا است.

285- فرستاده (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مومنان (نیز) بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می‌گویند:) میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم (و سرچشمه رسالت ایشان را یکی می‌دانیم). و می‌گویند: (اوامر و نواهی ربانی را توسط محمد) شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانیم. و بازگشت به سوی تو است.

286- خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند (و هیچگاه بالاتر از میزان قدرت شخص از او وظائف و تکالیف نمی‌خواهد. انسان) هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مواخذه و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آنچنانکه (بخاطر گناه و طغیان) بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنت‌ها گرفتار مساز) و از ما درگذر (و قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

﴿الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٦ خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٧ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ ٨ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ٩ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ١٠﴾ [البقرة: 1-10].

1- الف. لام. میم.

2- جز خدا، خدایی نیست و او زنده (به خود) و متصرف (در کار و بار جهان) است.

3- همان کسی که کتاب قرآن را بر تو نازل کرده است که مشتمل بر حق است و متضمن اصول رسالت‌های آسمانی پیشین، و تصدیق کننده‌ی کتاب‌هایی است که قبل از آن (برای پیغمبران فرستاده شده‌اند و) بوده‌اند. و خداوند پیش از آن، تورات را (برای موسی) و انجیل را (برای عیسی) نازل کرده است.

4- پی از (قرآن تورات و انجیل را نازل کرده است) جهت رهنمود مردمان، و (چون منحرف گشتند، قرآن یعنی) جدا سازنده‌ی (حق از باطل) را فرو فرستاده است. بی‌گمان کسانی که نسبت به آیات خدا کفر ورزند، عذاب سختی دارند و خداوند توانا و انتقام گیرنده است.

5- شکی نیست که هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پنهان نمی‌ماند.

6- او است که شما را در رحم‌های (مادران) هر آنگونه که بخواهد شکل می‌بخشد (و بصورت‌های مختلف می‌آفریند). جز او خدایی نیست (و همو) عزیز و حکیم است.

7- او است که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرده است. بخشی از آن، آیه‌های (متشابهات) است، (و معانی دقیقی دارند و احتمالات مختلفی در آن‌ها می‌رود). و اما کسانی که در دل‌هایشان کژی است (و گریز از حق، زوایای وجودشان را فرا گرفته است) برای فتنه انگیزی و تاویل (نادرست) به دنبال متشابهات می‌افتند. در حالی که تاویل (درست) آن‌ها را جز خدا و کسانی نمی‌دانند که راسخان (و ثابت قدمان) در دانش هستند. (این چنین وارستگان و فرزانگانی) می‌گویند: ما به همه آن‌ها ایمان داریم (و در پرتو دانش می‌دانیم که محکمات و متشابهات) همه از سوی خدای ما است. و (این را) جز صاحبان عقل (سلیمی که از هوی و هوس فرمان نمی‌برند، نمی‌دانند و) متذکر نمی‌شوند.

8- (چنین فرزانگان خردمندی می‌گویند:) پروردگارا! دل‌های ما را (از راه حق) منحرف مگردان بعد از آنکه ما را (حلاوت هدایت چشانده و به سوی حقیقت) رهنمود نموده‌ای، و از جانب خود رحمتی به ما عطا کن بی‌گمان بخشایشگر تویی تو.

9- پروردگارا! تو مردمان را در روزی که تردیدی در آن نیست جمع خواهی کرد (تا همگان را در برابر کارشان پاداش دهی و بدین امر وعده داده‌ای و) بی‌گمان خدا خلاف وعده نمی‌کند.

10- (در چنین روزی) به هیچ وجه اموال و اولاد کافران آنان را نمی‌تواند از (عذاب) خدا نجات دهد (و مایه‌ی رهایی ایشان از عذاب خدا گردد) و ایشان افروزنید آتش (دوزخ) هستند.

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨ إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩ فَإِنۡ حَآجُّوكَ فَقُلۡ أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِۗ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ ءَأَسۡلَمۡتُمۡۚ فَإِنۡ أَسۡلَمُواْ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٢٠﴾

[آل‌عمران:18-20].

18- خداوند (با نشان دادن جهان هستی بگونه یک واحد بهم پیوسته و یک نظام یگانه و ناگسسته، عملاً) گواهی می‌دهد اینکه معبودی جز او نیست، و اینکه او (در کارهای آفریدگان خود) دادگری می‌کند، و فرشتگان و صاحبان دانش (هر یک بگونه‌ای در این باره) گواهی می‌دهند. جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم.

19- بی‌گمان دین (حق و پسندیده) در پیشگاه خدا اسلام (یعنی خالصانه تسلیم فرمان الله شدن) است (و این، آئین همه پیغمبران بوده است) و اهل کتاب (در آن) به اختلاف برنخاستند مگر بعد از آگاهی (برحقیقت و صحت آن؛ این کار هم) بسبب ستمگری و سرکشی میان خودشان بود (و انگیزه‌ای جز ریاست خواهی و انحصارطلبی نداشت). و کسی که به آیات خدا (اعم از آیات دینی در آفاق و انفس، یا آیات خواندنی در کتاب‌های آسمانی پشت کند و) کفر ورزد (بداند که) بی‌گمان خدا زود حسابرسی می‌کند.

20- پس اگر با تو به ستیز پرداختند، بگو من و کسانی که از من پیروی نموده‌اند، خویشتن را تسلیم خدا کرده‌ایم و رو بدو نموده‌ایم. و بگو به اهل کتاب (یعنی یهودیان و مسیحیان) و به بیسوادان (یعنی مشرکان عرب): آیا شما تسلیم شده‌اید؟ اگر تسلیم شوند، بی‌گمان هدایت یافته‌اند (و راه را از چاه باز شناخته‌اند) و اگر سرپیچی کنند (نگران مباش؛ زیرا) بر تو ابلاغ (رسالت) است و بس، و خدا بینا به (اعمال و عقائد) بندگان است.

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٦﴾ [آل عمران: 26].

26- بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارایی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارایی را بازپس می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزت و قدرت می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیز توانایی.

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل‌عمران: 85].

85- و کسی که غیر از (آئین و شریعت) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره‌ی زیانکاران خواهد بود.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤ ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٥٥ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَا وَٱدۡعُوهُ خَوۡفٗا وَطَمَعًاۚ إِنَّ رَحۡمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٦﴾ [الأعراف: 54-56].

54- پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره بیافرید، سپس به اداره جهان هستی پرداخت. با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشید و ماه و ستارگان را بیافریده است و جملگی مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

55- پروردگارِ خود را فروتنانه و پنهانی بکمک بخواهید (و در دعا با بلند گرداندن صدا یا درخواست چیز ناروا از حد اعتدال تجاوز مکنید که) تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

56- در زمینه بعد از اصلاح آن (توسط خدا یا بر دست انبیاء علی الخصوص محمد مصطفی) فساد و تباهی مکنید. و خدا را بیمناکانه و امیدوارانه بفریاد خوانید؛ (بیم از عدم پذیرش، و امید به رحمتش). بی‌گمان رحمت یزدان به نیکوکاران نزدیک است. (پس نیکوکار باشید تا دعای شما پذیرفته گردد و رحمت خدا شامل شما شود).

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱللَّهَ أَوِ ٱدۡعُواْ ٱلرَّحۡمَٰنَۖ أَيّٗا مَّا تَدۡعُواْ فَلَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَلَا تَجۡهَرۡ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتۡ بِهَا وَٱبۡتَغِ بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلٗا ١١٠ وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلِيّٞ مِّنَ ٱلذُّلِّۖ وَكَبِّرۡهُ تَكۡبِيرَۢا ١١١﴾ [الإسراء: 110-111].

110- بگو: (خدا را) با (الله) یا (رحمن) به کمک طلبید (فرقی نمی‌کند، و خدا را به نام‌ها و صفات متعدد به فریاد خواندن، مخالف توحید نیست) خدا را به هر کدام از (اسماء حسنی) بخوانید (مانعی) ندارد و تعداد اسماء نشانه‌ی تعدد مسمی نیست و) او دارای نام‌های زیبا است (که هر یک معرف کاری از کارها و بیانگر زاویه‌ای از کمالات یزدان جهان است. ای پیغمبر هنگامی که به نماز ایستادی) نمازت را بلند یا آهسته مخوان و بلکه میان آن دو راهی پیش گیر (که میانه روی و اعتدال است).

111- بگو: حمد و سپاس خداوندی را سزاست که برای خود فرزنید برنگزیده است و در فرمانروایی و مالکیت (جهان) انبازی انتخاب ننموده است و یاوری بخاطر ناتوانی نداشته است. بنابراین او را چنانکه باید به عظمت بستا (و زبان به بزرگواریش بگشا).

﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ ١٨ يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ١٩ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٞ تَنتَشِرُونَ ٢٠ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢١ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ ٢٢ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٢٣ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٤ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ بِأَمۡرِهِۦۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمۡ دَعۡوَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ إِذَآ أَنتُمۡ تَخۡرُجُونَ ٢٥ وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ٢٦ وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧﴾ [الروم: 17-27].

17- پس به تنزیه خدا (از هر عیب و نقص و چیزهایی که لایق جلال و کمال او نیست) سحرگاهان و شامگاهان (و همه اوقات و اوان) بپردازید.

18- در آسمان‌ها و زمین (و در همه اوقات، بویژه) عصرگاهان و زمانی که به دم ظهر رسیده‌اید، خدای را حمد و ستایش کنید.

19- خداوند همواره زنده را از مرده، و مرده را از زنده می‌آفریند، و زمین موات را حیات می‌بخشد، و همینگونه (سهل و ساده، به سادگی آفرینش مکرر و همیشگی حیات از ممات، شما آفرینش دوباره می‌یابید و از گورها بیرون آورده می‌شوید (و رستاخیز برپا می‌گردد).

20- یکی از نشانه‌های (دال بر عظمت و قدرت) خدا این است که (نیای) شما را از خاک آفرید و سپس شما انسان‌ها (به مرور زمان زیاد شدید و در روی زمین برای تلاش در پی معاش) پراکنده گشتید.

21- و یکی از نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) خدا این است که از جنش خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هر یک را شیفته و دلباخته‌ی دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه شکوفایی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسان‌ها و تعادل جسمانی و روحانی آن‌ها برقرار و محفوظ باشد). مسلماً در این (امور) نشانه‌ها و دلائلی (بر عظمت و قدرت خدا) است برای افرادی که (درباره‌ی پدیده‌های جهان و آفریده‌های یزدان) می‌اندیشند.

22- و از زمره‌ی نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) خدا آفرینش آسمان‌ها و مختلف بودن زبان‌ها و رنگ‌های شما است. بی‌گمان در این (آفرینش کواکب فراوان جهان که با نظم و نظام شگفت آور گردانند، و در این تنوع خلقت) دلایلی است برای فرزانگان و دانشوران.

23- و از نشانه‌های (قدرت و عظمت) خدا، خواب شما در شب و روز است، و تلاش و کوششتان برای (کسب و کار و) بهره‌مندی از فضل خدا. قطعاً در این (امور، یعنی مساله خواب، و تلاش در پی معاش) دلائلی است برای کسانی که گوش شنوا داشته باشند (و حقیقت را بپذیرند).

24- و از زمره نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) خدا، یکی این است که خدا برق را هم که باعث ترس است و هم مایه‌ی امید، به شما می‌نمایاند، و از آسمان آب مهمی را می‌باراند، و زمین را بعد از مرگش، (یعنی خشک و سوزان بودن) به وسیله آن آب زنده (و سرسبز) می‌گرداند. بی‌گمان در این (درخشش آذرخش آسمان و نزول باران و آبیاری زمین و سرسبز شدن آن) دلائلی است برای فهمیدگان و خردمندان.

25- و از جمله‌ی دلائل و نشانه‌های (کمال قدرت و نهایت عظمت) خدا یکی هم این است که آسمان و زمین (بدین ساختار استوار و صورت زیبا) ساخته و پرداخته‌ی او و به فرمان وی برپا است. بعدها وقتی (که بخواهد مردمان را می‌میراند، و این نظم و نظام را خراب می‌گرداند، و برای زنده شدن) شما را از زمین با ندایی فرا می‌خواند و شما فوراً (مطیعانه و شتابان از زمین) بیرون می‌آیید.

26- هر که و هرچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست، و جملگی فرمانبردار او هستند.

27- او است که آفرینش را آغاز کرده است و سپس آن را باز می‌گرداند، و این برای او آسان‌تر است. (زیرا کسی که بتواند کاری را در آغاز انجام دهد، قدرت بر اعاده‌ی آن را نیز دارد). بالاترین وصف، در آسمان‌ها و زمین متعلق به خدا است، و او بسیار باعزت و اقتدار، و سنجیده و کار بجا است. (لذا در عین قدرت نامحدود، کاری بی‌حساب انجام نمی‌دهد، و بلکه همه کارهای او از روی حکمت است).

﴿حمٓ ١ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٢ غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ ذِي ٱلطَّوۡلِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ إِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ٣﴾ [غافر: 1-3].

1- حا. میم.

2- فرو فرستادگان این کتاب (قرآن) از سوی یزدان چیره و آگاه انجام می‌پذیرد.

3- یزدانی که بخشنده‌ی گناه، پذیرنده‌ی توبه، دارای عذاب سخت، و صاحب انعام و احسان است. هیچ معبودی جز او وجود ندارد. بازگشت به سوی او است.

﴿هُوَ ٱلۡحَيُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۗ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٥﴾ [غافر:65].

65- زنده‌ی جاوید او است. جز او خدایی وجود ندارد، پس او را به فریاد خوانید و عبادت را خاص او بدانید. سپاس و ستایش الله را سزاست که پروردگار جهانیان است.

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٦﴾ [فصلت:36].

36- هرگاه وسوسه‌ای از شیطان (در این مسیر) متوجه تو گردید (به هوش باش و در مقابل آن مقاومت کن و) خود را به خداوند بسپار (و به سایه‌ی لطف او پناه بر) که او بس شنوا و آگاه است (و تو را می‌پاید و محافظت می‌نماید).

﴿فَلِلَّهِ ٱلۡحَمۡدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٦ وَلَهُ ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٣٧﴾ [الجاثية: 36-37].

36- ستایش تنها خداوندی را سزاست که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهانیان است.

37- بزرگواری و والایی در آسمان‌ها و زمین، از آن اوست، و او صاحب عزت و قدرت، و دارای حکمت و فلسفه (در همه‌ی امور) است.

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢ هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٣ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۖ وَهُوَ مَعَكُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٤ لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٥ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۚ وَهُوَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٦﴾ [الحديد: 1-6].

1- هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدای را تسبیح و تقدیس می‌کنند (و با کرنش و پرستش رضای او را می‌جویند) و خدا چیره‌ی کاردان است.

2- مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و او زنده می‌گرداند و می‌میراند، و او بر هر چیزی تواناست.

3- او پیشین و پسین و پیدا و ناپیداست، و او آگاه از همه چیز است.

4- او است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره آفرید و سپس بر تخت (فرمانروایی کائنات) قرار گرفت. و او می‌داند چه چیز به زمین نازل و از آن خارج می‌شود، و چه چیز از آسمان پایین می‌آید و بدان بالا می‌رود. و او در هر کجا که باشید، با شما است. و خدا می‌بیند هر چیزی را که می‌کنید.

5- مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و همه کارها بدو بگردانده می‌شود.

6- او شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌گرداند (و گاهی از شب می‌کاهد و بر روز می‌افزاید، و گاهی از روز می‌کاهد و بر شب می‌افزاید، و نور و ظلمت را بدنبال هم آهسته و آرام روان می‌دارد) و او از انسان‌ها و رازهای سینه‌ها مطلع و باخبر است.

﴿يَكَادُ ٱلۡبَرۡقُ يَخۡطَفُ أَبۡصَٰرَهُمۡۖ كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوۡاْ فِيهِ وَإِذَآ أَظۡلَمَ عَلَيۡهِمۡ قَامُواْۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٠﴾ [البقرة: 20].

20- چنان است که گویی آذرخش آسمان می‌خواهد (نور) چشمانش را برباید. هرگاه که (پیش پای ایشان را) روشن می‌دارد، به پیش می‌روند. و چون (محیط) ایشان تاریک شود، بر جای خود می‌مانند. و اگر خدا می‌خواست گوش و چشمان ایشان را از میان می‌برد. چه خدا بر هر چیزی تواناست.

﴿مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَلَا ٱلۡمُشۡرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ خَيۡرٖ مِّن رَّبِّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ١٠٥﴾ [البقرة: 105].

105- کافران اهل کتاب و همچنین مشرکان، دوست نمی‌دارند خیر و برکتی از جانب خدایتان بر شما نازل گردد و به شما دست دهد، در حالی که خداوند (به خواست و آرزوی ایشان توجهی نمی‌کند و) به هر کس که بخواهد رحمت خویش را اختصاص می‌دهد، و خدا دارای فضل سترگ و بخشش بزرگ است.

﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٠٩﴾ [البقرة: 109].

109- بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند (به جانب کفر و به حال سابقی که داشتید!) با اینکه حقانیت (اسلام و درستی راهی که برگزیده‌اید، از روی خود کتاب‌های آسمانی شان) برایشان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمائید و چشم پوشی کنید تا خدا فرمان دهد (که در برابرشان چه کار کنید). بی‌گمان خداوند بر هر چیزی تواناست.

﴿وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ بَعَثَ لَكُمۡ طَالُوتَ مَلِكٗاۚ قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ عَلَيۡنَا وَنَحۡنُ أَحَقُّ بِٱلۡمُلۡكِ مِنۡهُ وَلَمۡ يُؤۡتَ سَعَةٗ مِّنَ ٱلۡمَالِۚ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰهُ عَلَيۡكُمۡ وَزَادَهُۥ بَسۡطَةٗ فِي ٱلۡعِلۡمِ وَٱلۡجِسۡمِۖ وَٱللَّهُ يُؤۡتِي مُلۡكَهُۥ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ٢٤٧﴾ [البقرة: 247].

247- و پیغمبرشان به آنان گفت: خداوند طالوت را برای زمامداری شما روانه کرده است. بزرگان قوم گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد با اینکه ما از او برای زمامداری سزاوارتریم و او که مال و دارایی زیادی ندارد؟ گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است و خداوند ملک خود را به هر کس که بخواهد می‌بخشد. و (احسان و تصرف و قدرت) خداوند فراخ، و آگاه (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) است.

﴿وَلَا تَتَمَنَّوۡاْ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبُواْۖ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبۡنَۚ وَسۡ‍َٔلُواْ ٱللَّهَ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٣٢﴾ [النساء: 32].

32- آرزوی چیزی نکنید که خداوند برخی از شما را با (اعطای) آن بر برخی دیگر برتری داده است (و مردان را در بعضی از چیزها بر زنان، و زنان را در بعضی از چیزها بر مردان فضیلت داده و مرحمت روا دیده است). مردان نصیبی دارند از آنچه فراچنگ می‌آورند و زنان (هم) نصیبی دارند از آنچه بدست می‌آورند (و هر یک از زنان و مردان دارای سرشتی و حقوقی فرا خود حال خود می‌باشند. پس با تلاش و کوشش شبانه روزی رحمت و برکت خدا را بجوئید) و طلب فضل او کنید. بی‌گمان خداوند (کاملاً) آگاه از هر چیزی بوده (و به هر نوعی چیزی بخشیده است که شایسته‌اش بوده است).

﴿أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۖ فَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ ءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَءَاتَيۡنَٰهُم مُّلۡكًا عَظِيمٗا ٥٤ فَمِنۡهُم مَّنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن صَدَّ عَنۡهُۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ٥٥ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا سَوۡفَ نُصۡلِيهِمۡ نَارٗا كُلَّمَا نَضِجَتۡ جُلُودُهُم بَدَّلۡنَٰهُمۡ جُلُودًا غَيۡرَهَا لِيَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمٗا ٥٦﴾ [النساء: 54-56].

54- آیا آنان بر چیزی حسد می‌برند که خداوند از روی فضل و رحمت خود (با برانگیختن محمد) به مردم (عرب) داده است؟ ما که به آل ابراهیم (که ابراهیم نیای شما و ایشان است) کتاب (آسمانی) و پیغمبری و پادشاهی عظیمی دادیم. (مانند: سلطنت یوسف در مصر، و شاهی داود و سلیمان در شام).

﴿وَلَئِنۡ أَصَٰبَكُمۡ فَضۡلٞ مِّنَ ٱللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمۡ تَكُنۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُۥ مَوَدَّةٞ يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ مَعَهُمۡ فَأَفُوزَ فَوۡزًا عَظِيمٗا ٧٣﴾ [النساء: 73].

73- و اگر رحمت خدا در برتان گرفت (و پیروزی و غنیمتی به شما دست داد) درست مثل اینکه هرگز میان شما و ایشان مودت و دوستی نبوده، می‌گویند: ای کاش! ما هم با آنان می‌بودیم و (از این پیروزی و دستاورد فراوانِ غنیمت) بس بهره می‌بردیم.

﴿وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَسۡمَعُواْۖ وَتَرَىٰهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ وَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ١٩٨﴾ [الأعراف: 198].

198- و اگر از آن‌ها رهنمود بخواهید، درخواست شما را نمی‌شنوند چه رسد به اینکه شما را ارشاد و راهنمایی کنند. و بظاهر پکیره‌ی آن‌ها را می‌بینید که انگار با چشمان خود به شما می‌نگرند، و لیکن چیزی را نمی‌بینند.

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ رَضُواْ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ سَيُؤۡتِينَا ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَرَسُولُهُۥٓ إِنَّآ إِلَى ٱللَّهِ رَٰغِبُونَ ٥٩﴾ [التوبة: 59].

59- اگر آنان بدانچه خدا و پیغمبرش بدیشان داده است (و قسمت ایشان کرده است) راضی می‌شدند و می‌گفتند: (دستور) خدا ما را بسنده است و خداوند از فضل و احسان خود به ما می‌دهد و پیغمبرش (بیش از آنچه به ما داده است این بار به ما عطا می‌کند، و) ما (به فضل و بخشایش پروردگار خود چشم دوخته و) تنها رضای خدا را می‌جوییم، (اگر چنین می‌گفتند و می‌کردند، به سود آنان بود).

﴿يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ مَا قَالُواْ وَلَقَدۡ قَالُواْ كَلِمَةَ ٱلۡكُفۡرِ وَكَفَرُواْ بَعۡدَ إِسۡلَٰمِهِمۡ وَهَمُّواْ بِمَا لَمۡ يَنَالُواْۚ وَمَا نَقَمُوٓاْ إِلَّآ أَنۡ أَغۡنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضۡلِهِۦۚ فَإِن يَتُوبُواْ يَكُ خَيۡرٗا لَّهُمۡۖ وَإِن يَتَوَلَّوۡاْ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ عَذَابًا أَلِيمٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَمَا لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ٧٤﴾ [التوبة: 74].

74- منافقان به خدا سوگند می‌خورند که (سخنان زننده‌ای) نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته‌اند و پس از ایمان آوردن، به کفر برگشته‌اند و قصد انجام کاری کرده‌اند که بدان نرسیده‌اند (و آن گشتن پیغمبر به هنگام بازگش از جنگ تبوک بود). چیزی که این منافقان را بر سر خشم آورد و سبب انتقام گرفتن آنان شود وجود ندارد، مگر اینکه خدا و پیغمبرش به فضل و کرم خود آنان را (با اعطاء غنائم که هدف ایشان در زندگی است) بی‌نیاز گردانده‌اند (و این هم نباید مایه خشم و انتقام ایشان شود). اگر آنان توبه کنند، (خداوند توبه ایشان را می‌پذیرد و) این برایشان بهتر خواهد بود، و اگر روی بگردانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت به عذاب بسیار دردناکی کیفر می‌دهد، و در سراسر روی زمین نه دوستی و نه یاوری خواهند داشت.

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِۦۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٧﴾ [يونس: 107].

107- اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچکس جز او نمی‌تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کس نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هر کس از بندگانش که بخواهد می‌کند (و کسی نمی‌تواند مانع آن گردد) و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

﴿وَقَالَ يَٰبَنِيَّ لَا تَدۡخُلُواْ مِنۢ بَابٖ وَٰحِدٖ وَٱدۡخُلُواْ مِنۡ أَبۡوَٰبٖ مُّتَفَرِّقَةٖۖ وَمَآ أُغۡنِي عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍۖ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَعَلَيۡهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ٦٧﴾ [يوسف: 67].

67- (یعقوب به عهد و پیمان موکد فرزندان خود دل بست و شفقت پدری او را بر آن داشت که آنان را راهنمایی و نصیحت کند) و گفت: ای فرزندانم! از یک در (به مصر) داخل نشوید، بلکه از درهای گوناگون وارد شوید (تا از حسادت حسودان و چشم زخم پلیدان در امان بمانید. ولی بدانید که من با این تدبیر) نمی‌توانم چیزی را که خدا مقرر کرده باشد از شما بدور سازم. (یقیناً آنچه باید بشود می‌شود، و راهی برای دفع بلا جز رعایت اسباب و علل پیدا و توسل به خدا سراغ ندارم). تنها حکم و فرمان از آن یزدان است. (دافع شر و جالب خیر جهان فقط ایزد سبحان است). بر او توکل می‌کنم (و از او استمداد می‌جویم و کارم را بدو واگذار می‌کنم) و باید که توکل کنندگان بر او توکل کنند و بس (و کار خویش را بدو حوالت دارند).

﴿وَلَوۡ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّواْ فِيهِ يَعۡرُجُونَ ١٤ لَقَالُوٓاْ إِنَّمَا سُكِّرَتۡ أَبۡصَٰرُنَا بَلۡ نَحۡنُ قَوۡمٞ مَّسۡحُورُونَ ١٥ وَلَقَدۡ جَعَلۡنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ ١٦ وَحَفِظۡنَٰهَا مِن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٍ ١٧ إِلَّا مَنِ ٱسۡتَرَقَ ٱلسَّمۡعَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ مُّبِينٞ ١٨﴾ [الحجر:14-18].

1- اگر (به فرض) دری از آسمان به روی آنان بگشاییم و ایشان از آنجا شروع به بالا رفتن کنند (و فرشتگان و شگفتی‌های جهان بالا را با چشم خود ببینند).

2- بی‌گمان خواهند گفت: حتماً ما را چشم بندی کرده‌اند (و آنچه می‌بینیم ابداً واقعیت ندارد!) و بلکه ما را جادو نموده‌اند (این است که چیزها را عوضی می‌بینیم).

3- ما در آسمان بر جهانی نجومی پدید آورده‌ایم (که تقویم مجسم جهان و بیانگر نظام شگرف و حساب دقیق آن است) و آن را برای بینندگان آراسته‌ایم (تا از این منظره‌ی زیبای بالا به قدرت آفریدگار تعالی پی ببرند).

4- و آسمان را از (دستبرد و دسترسی) هر اهریمن ملعون و مطرودی محفوظ و مصون داشته‌ایم.

5- و اما هر که از آن‌ها دزدکی گوشی فرا دارد، آذرخش روشنی به سراغ او می‌رود.

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا ٣٩﴾ [الكهف: 39].

39- کاش! وقتی که وارد باغ می‌شدی (و این همه نعمت و مرحمت، و آثار قدرت و عظمت را می‌دیدی) می‌گفتی: ما شاء الله! (این نعمت از فضل و لطف خدا است، و آنچه خدا بخواهد شدنی است!) هیچ قوت و قدرتی جز از ناحیه‌ی خدا نیست (و اگر مدد و توفیق او نباشد، توانایی عبادت و پرستش را نخواهیم داشت. ای رفیق ناسپاس) اگر می‌بینی که از نظر اموال و اولاد از تو کم‌ترم، (اما....).

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزۡجِي سَحَابٗا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ خِلَٰلِهِۦ وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن جِبَالٖ فِيهَا مِنۢ بَرَدٖ فَيُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ وَيَصۡرِفُهُۥ عَن مَّن يَشَآءُۖ يَكَادُ سَنَا بَرۡقِهِۦ يَذۡهَبُ بِٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٣ يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٤﴾ [النور: 43-44].

43- مگر نمی‌دانی که خداوند ابرها را آهسته (به سوی هم) می‌راند، سپس آن‌ها را گرد می‌آورد، بعد آن‌ها را متراکم و انباشته می‌سازد، آنگاه می‌بینی که باران از لا به بالای آن‌ها بیرون می‌ریزد، و نیز خدا از آسمان، از ابرهای کوه مانند آن، تگرگ‌های بزرگی را فرود می‌آورد، و هر کس را بخواهد با آن زیان می‌رساند، و هر کس را بخواهد از زیان آن بدور می‌دارد. درخشش برق (حاصل از اصطکاک) ابرها (آن اندازه نیرومند است) نزدیک است چشم‌ها را (خیره و) از میان بردارد. (هر یک از این پدیده‌ها دلیل بر قدرت خدا و موجب ایمان به آفریدگار آن‌ها است).

44- خدا شب و روز را (با کوتاه و دراز کردن، و گرم و سرد نمودن، و یکی از ظاهر و دیگری را محو ساختن، و دیگر حوادث و فعل و انفعال‌ها) دگرگون می‌نماید. واقعاً در این (کار تغییر احوال) عبرت بزرگی برای کسانی است که چشم داشته باشند (و بنگرند و بیندیشند و نتائج گشت و گذار و تغییر تدریجی شب و روز که سرچشمه‌ی پیدایش فصول چهارگانه و عامل اصلی حیات موجودات زنده است در مدنظر دارند).

﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبۡدَهُۥۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ٣٦﴾ [الزمر: 36].

36- آیا خداوند برای (حفاظت و حمایت از) بنده‌اش کافی نیست؟ آنان تو را از کسانی جز خدا می‌ترسانند. (مگر بت‌ها و معبودهای دروغین و عداوت کافران و دشمنان و طوفان حوادث زمان، می‌توانند کم‌ترین زیانی به کسی برسانند که خدا پشتیبان او است؟) هر کس را خدا گمراه کند، راهنما و رهبری نخواهد داشت.

﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ ٢ ٱلَّذِي خَلَقَ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗاۖ مَّا تَرَىٰ فِي خَلۡقِ ٱلرَّحۡمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٖۖ فَٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ هَلۡ تَرَىٰ مِن فُطُورٖ ٣ ثُمَّ ٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ كَرَّتَيۡنِ يَنقَلِبۡ إِلَيۡكَ ٱلۡبَصَرُ خَاسِئٗا وَهُوَ حَسِيرٞ ٤﴾ [الملك: 1-4].

1- بزرگوار و دارای برکات بسیار، آن کسی که فرمانروائی (جهان هستی) از آن او است و او بر هر چیزی کاملاً قادر و توانا است.

2- همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا، و آمرزگار و بخشاینده است.

3- آنکه هفت آسمان را بالای یکدیگر و هماهنگ آفریده است. اصلاً در آفرینش و آفریده‌های خداوند مهربان خلل و تضاد و عدم تناسبی نمی‌بینی (و بلکه هستی با تمام عظمیت که دارد، از انسجام و استحکام شگفت برخوردار است، و نظم و نظام عجیب و قوانین و روابط دقیق بر ذره ذره‌ی کائنات حکمفرماست). پس دیگرباره بنگر (و با دقت جهان را وارسی کن) آیا هیچگونه خلل و رخنه‌ای می‌بینی؟

4- باز هم (دیده خود را بگشای و به عالم هستی بنگر و) بارها و بارها بنگر و ورانداز کن. دیده سرانجام فروهشته و حیران، و درمانده و ناتوان، به سویت باز می‌گردد.

﴿وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَيُزۡلِقُونَكَ بِأَبۡصَٰرِهِمۡ لَمَّا سَمِعُواْ ٱلذِّكۡرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجۡنُونٞ ٥١ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٥٢﴾ [القلم: 51-52].

51- نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند، تو را با چشمان (خیره و زل زده‌ی) خود به سر در آورند و هلاک سازند، و می‌گویند: او قطعاً دیوانه است.

52- در صورتی که قرآن جز اندرز و پند جهانیان و مایه‌ی بیداری و هوشیاری ایشان نیست.

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِمَا تُبۡصِرُونَ ٣٨ وَمَا لَا تُبۡصِرُونَ ٣٩ إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ٤٠﴾

[الحاقة:38-40].

38- سوگند می‌خورم به آنچه می‌بینید!

39- و سوگند می‌خورم به آنچه نمی‌بینید!

40- این (قرآن از سوی خدا آمده است و) گفتاری است (که) از (زبان) پیغمبر بزرگواری (به نام محمد پخس و تبلیغ می‌شود).

﴿فَإِذَا بَرِقَ ٱلۡبَصَرُ ٧ وَخَسَفَ ٱلۡقَمَرُ ٨ وَجُمِعَ ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ ٩ يَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذٍ أَيۡنَ ٱلۡمَفَرُّ ١٠ كَلَّا لَا وَزَرَ ١١ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمُسۡتَقَرُّ ١٢﴾ [القيامة: 7-12].

7- (پاسخ ایشان این است): هنگامی که چشم‌ها (از شدت هول و هراس) سراسیمه و آشفته می‌شود.

8- و ماه بی‌نور و روشنایی می‌گردد.

9- و خورشید و ماه گردآوری می‌گردد.

10- انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجاست؟ (گریز میسر نیست).

11- خیر! (اصلاً گریزگاهی در میان نیست، و گریز ممکن نیست و) هیچگونه پناهگاهی وجود ندارد.

12- در آن روز، قرارگاه (بهشت و دوزخ) در دست پروردگار تو است.

﴿وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلۡمَلَكَيۡنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡۚ وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٢ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَمَثُوبَةٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ خَيۡرٞۚ لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٣﴾ [البقرة:102-103].

102- و (گروهی از احبار یهود) به آنچه شیاطین صفتان و گناه پیشگانشان درباره سلطنت سلیمان (به هم می‌بافتند و بر مردم) می‌خواندند، باور داشتند و از آن پیروی نمودند. (چه گمان می‌بردند که سلیمان پیغمبر نبوده و بلکه جادوگر بوده است و با نیروی سحر، پری‌ها و پرندگان و بادها را به زیر فرمان خویش در آورده است و لذا شاه جادوگر کافری بیش نبوده است). و حال آنکه سلیمان هرگز (دست به سحر نیالوده و) کفر نورزیده است و بلکه (این) شیاطین صفتان گناه پیشه، کفر ورزیده‌اند. (زیرا چنین سخنانی را به هم بافته و به پیغمبر خدا سلیمان افتراء بسته و به جای دستورات آسمانی به مردم) جادو و (خرافات و از آثار بجامانده) آنچه در بابل به دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می‌آموزند. (دو فرشته‌ای که طریق سحر کردن را برای آشنایی به طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند) و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر اینکه پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو (و آنچه به تو می‌آموزیم، به آشوب و کفر منتهی می‌گردد. آن را بشناس و خویشتن را از آن بدور دار. لیکن مردم نصیحت نپذیرفتند و از آموخته‌هایشان سوء استفاده کردند). از ایشان چیزهایی آموختند (و در راهی از آن استفاده کردند) که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌افکندند. (آری این شیطان صفتان گناه پیشه، کفر ورزیدند، چون این یاوه گوئی‌ها و افسانه سرائی‌های گذشتگان را به هم می‌بافتند و آن را وسیله آموزش جادو به یهودیان کردند) و حال آنکه با چنین جادویی (خویش) نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمت‌هایی را فرا می‌گرفتند که برایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدیشان سودی نمی‌رساند. و مسلماً می‌دانستند هر کسی خریدار اینگونه متاع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (و آن را پیشه خویشتن ساخته‌اند) اگر می‌دانستند (و علم و دانشی می‌داشتند).

103- و اگر آنان ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند (پروردگار پاداش نیکی به آنان می‌داد و چنین) پاداشی که نزد خدا (محفوظ) است. بهتر از (افسانه‌ها و بدن‌هادی‌ها) است، اگر (علم ودانشی می‌داشتند و) می‌دانستند.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰفِرۡعَوۡنُ إِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠٤ حَقِيقٌ عَلَىٰٓ أَن لَّآ أَقُولَ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ قَدۡ جِئۡتُكُم بِبَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ فَأَرۡسِلۡ مَعِيَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٠٥ قَالَ إِن كُنتَ جِئۡتَ بِ‍َٔايَةٖ فَأۡتِ بِهَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٠٦ فَأَلۡقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعۡبَانٞ مُّبِينٞ ١٠٧ وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ بَيۡضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ١٠٨ قَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ ١٠٩ يُرِيدُ أَن يُخۡرِجَكُم مِّنۡ أَرۡضِكُمۡۖ فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ ١١٠ قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَأَرۡسِلۡ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ١١١ يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ١١٢ وَجَآءَ ٱلسَّحَرَةُ فِرۡعَوۡنَ قَالُوٓاْ إِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ١١٣ قَالَ نَعَمۡ وَإِنَّكُمۡ لَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ١١٤ قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ نَحۡنُ ٱلۡمُلۡقِينَ ١١٥ قَالَ أَلۡقُواْۖ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ سَحَرُوٓاْ أَعۡيُنَ ٱلنَّاسِ وَٱسۡتَرۡهَبُوهُمۡ وَجَآءُو بِسِحۡرٍ عَظِيمٖ ١١٦ ۞وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۖ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ ١١٧ فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٨ فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَٰغِرِينَ ١١٩ وَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ١٢٠ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢١ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١٢٢﴾ [الأعراف: 104-122].

104- موسی گفت: ای فرعون! من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیان هستم (آمده‌ام تا دعوت او را به تو و درباریان و دیگر مردمان برسانم و همگان را به سوی شریعت او فراخوانم).

105- سزاوار است که از زبان خدا جز حق نگویم. من از سوی پروردگارتان معجزه بزرگی برای شما دادم (که به روشنی بر حقانیت رسالت من دلالت می‌نماید) پس بنی اسرائیل را (از زنجیر اسارت و بردگی خود آزاد ساز و آنان را به من واگذار و) همراه من بفرست (تا از سرزمین تو بکوچند و به سرزمین دیگری روند و در آنجا به پرستش خدای یگانه مشغول شوند).

106- فرعون گفت: اگر معجزه بزرگ و دلیل سترگی با خودداری، آن را بنمای، اگر از زمره راستگویانی (و خویشتن را پیغمبر خدا می‌دانی).

107- پس موسی فوراً عصای خود را بینداخت، بناگاه بصورت اژدهای آشکاری در آمد (که از حیات کامل برخوردار بود و بدین سو و آن سو می‌خزید و می‌جهید).

108- و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد، بناگاه بینندگان دیدند که (همچون خورشید درخشان و) سفید است.

109- (هنگامی که موسی نشانه بزرگ خدا را بنمود) اشراف قوم فرعون (از راه تملق و چاپلوسی با فرعون هماوا شدند و) گفتند: واقعاً این جادوگر ماهری است! (و کاری که می‌کند معجزه خدایی نیست).

110- او می‌خواهد شما را از سرزمین‌تان (که مصر است) بیرون کند. چه می‌اندیشید و چه نظر می‌دهید؟ (آیا باید در حق او چه کرد؟)

111- (سپس به فرعون) گفتند: (عجله مکن و جریان کار) او و برادرش (هارون) را به تاخیر بینداز و (کسانی از لشکریان خود را) به شهرها بفرست تا (جادوگران مجرب را) جمع کنند (و بدینجا گسیل دارند).

112- تا همه جادوگران ماهر را (به خدمت تو) بیاورند (و جادوی موسی را باطل و کار او را یکسره سازند و دیگر کسی گول او را نخورد و بدنبال او نرود).

113- جادوگران نزد فرعون آمدند و گفتند: آیا اگر ما پیروز گردیم اجر و پاداش مهمی خواهیم داشت؟

114- گفت: آری! و (علاوه از آن) شما از مقربان (درگاه ما) خواهید بود.

115- (سپس جادوگران مغرورانه رو به موسی کردند و) گفتند: ای موسی! یا تو (عصای خود را) بینداز یا ما (ریسمان‌های خویش را) می‌اندازیم.

116- موسی گفت: شما (آنچه دارید) بیندازید، هنگامی که (وسائل جادوگری خود را) بینداختند، مردم را چشم بندی کردند و ایشان را به هراس افکندند و جادوی بزرگی از خود نشان دادند.

117- به موسی وحی کردیم که عصای خود را بینداز. ناگهان (به صورت اژدهایی درآمد و) به سرعت آنچه را به هم می‌بافتند (و تزویرهایی را که می‌نمودند همه را) بلعید.

118- پس حق (یعنی صدق موسی) ثابت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد (و پوچ از آب درآمد).

119- در آنجا که گرد آمده بودند، فرعون و فرعونیان شکست خوردند و از آنجا به شهر خوار و رسوا برگشتند.

120- و جادوگران به سجده افتادند و کرنش کردند.

121- گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.

122- پروردگار موسی و هارون. (یعنی به خدایی ایمان داریم که موسی و هارون به او ایمان دارند).

﴿قَالَ مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمۡۖ أَسِحۡرٌ هَٰذَا وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ ٧٧﴾ [يونس:77].

77- موسی گفت: آیا به حق که به سوی شما آمده است، سحر می‌گوئید؟ آیا این (معجزات) جادو است؟ (اگر جادو است من شما را به مبارزه می‌طلبم و از شما می‌خواهم که جادوگران را گرد آورید تا ثابت کنید که این جادو است). به هر حال جادوگران پیروز نمی‌شوند.

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ٧٩ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ ٨٠ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٨١ وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٨٢﴾ [يونس:79-82].

79- فرعون گفت همه جادوگران ماهر و زبردست را به پیش من بیاورید (تا کار این دو جادوگر را بسازید).

80- هنگامی که جادوگران گرد آمدند، موسی بدیشان گفت: (هرچه از فنون سحر می‌دانید به کار بندید و) آنچه می‌توانید بیندازید و بیفکنید (تا ببینیم).

81- هنگامی که (ریسمان‌ها وعصاهای خود را) انداختند، موسی گفت: آنچه ارائه دادید واقعاً جادو است. قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد (و جای شگفت نیست، چرا که) خداوند کار تبهکاران را (بقاء و دوام نمی‌بخشد و) شایسته و سودمند نمی‌گرداند.

82- خداوند با سخنان خود که بر انبیاء نازل می‌کند حق را پایدار و ماندگار می‌گرداند، هرچند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند.

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ ٦٥ قَالَ بَلۡ أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا تَسۡعَىٰ ٦٦ فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ ٦٧ قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٦٨ وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ٦٩﴾ [طه: 65-69].

65- (جادوگران باد به غبغب انداخته) گفتند: ای موسی! آیا تو اول (هنرنمائی خود را می‌کنی و عصای خود را) می‌اندازی. یا ما اول (دست به کار شویم و اسباب و ادوات جادوی خویش را) بیندازیم (و کار تو را یکسره سازیم؟).

66- (موسی) گفت: شما اول (شروع کنید و آنچه دارید جلو) بیندازید. (آنان طناب‌ها و عصاهای خود را انداختند. موسی) چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، بناگاه طناب‌ها وعصاهای آنان (مار شده‌اند و می‌خزند و) تند راه می‌روند.

67- در این هنگام موسی در درون خود، احساس اندکی هراس کرد.

68- گفتیم: مترس! حتماً تو برتری (و بر آنان چیره می‌شوی و کارهای باطلشان را شکست خواهی داد).

69- و چیزی را که در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته‌های (مزورانه و شعبدهبازی‌های مکارانه‌ی) ایشان را بسرعت ببلعد. چرا که کارهایی را که کرده‌اند، نیرنگ جادوگر است. و جادوگر هر کجا برود پیروز نمی‌شود.

﴿قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ ٤٣ فَأَلۡقَوۡاْ حِبَالَهُمۡ وَعِصِيَّهُمۡ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ٤٤ فَأَلۡقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ ٤٥ فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ٤٦ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٧ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٤٨﴾ [الشعراء: 43-48].

43- (در روز موعود و در میدان مبارزه، موسی) به جادوگران گفت: آنچه را می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید! (و هر چه در قدرت دارید بنمائید و به میدان آورید).

44- پس جادوگران (با غرور و نخوت) طناب‌ها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: به عزت فرعون سوگند که ما قطعاً چیره و پیروزیم!

45- موسی (مهلت نداد و) عصای خود را افکند، ناگهان (اژدهای بزرگی گردید و با سرعت) شروع به بلعیدن ابزارهای دروغین ایشان کرد (و آن‌ها را یکی بعد از دیگری در کام خود فرو برد).

46- جادوگران سجده کنان بر زمین فرو افتادند.

47- گفتند: به پروردگار عالمیان ایمان داریم.

48- به پروردگار موسی و هارون.

﴿ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ ١ وَإِن يَرَوۡاْ ءَايَةٗ يُعۡرِضُواْ وَيَقُولُواْ سِحۡرٞ مُّسۡتَمِرّٞ ٢﴾ [القمر: 1-2].

1- قیامت هرچه زودتر فرا می‌رسد، و در آن ماه به دو نیم می‌گردد.

2- و اگر مشرکان معجزه بزرگی را ببینند از آن رویگردان می‌گردند و بدان ایمان نمی‌آورند و می‌گویند: جادوی گذرا و ناپایداری است.

﴿فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٤٤ فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِ مَا مَكَرُواْۖ وَحَاقَ بِ‍َٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ ٤٥ ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ٤٦﴾ [غافر: 44-46].

44- بزودی آنچه من به شما می‌گویم بخاطر خواهید آورد (و به صدق گفتار من پی خواهید برد). من کار و بار خود را به خدا وامی گذارم و حوالت می‌دارم. خداوند بندگان را می‌بیند (و پندار و گفتار و کردارشان را می‌پاید).

45- خداوند (چنین بنده‌ی مومنی را تنها نگذاشت و) او را سوء توطئه‌ها و نیرنگ‌های ایشان محفوظ و مصون داشت، ولی عذاب بدی خاندان فرعون را در برگرفت.

46- و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می‌شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می‌شود (خدا به فرشتگان دستور می‌دهد) خاندان فرعون را به شدیدترین عذاب دچار سازید.

﴿قُلۡ مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّـجِبۡرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلۡبِكَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٩٧ مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبۡرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوّٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ ٩٨﴾ [البقرة: 97-98].

97- (بعضی از آنان می‌گویند که: چون جبرئیل، دشمن ایشان، قرآن را برای محمد می‌آورد، آنان با او دشمنی می‌ورزند و کتابش را قبول ندارند. ای پیغمبر! بدیشان) بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه اینکه خودسرانه د ست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتاب‌های آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مومنان است.

98- کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٦ تُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۖ وَتُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّۖ وَتَرۡزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٢٧ لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨ قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٩ يَوۡمَ تَجِدُ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ مِنۡ خَيۡرٖ مُّحۡضَرٗا وَمَا عَمِلَتۡ مِن سُوٓءٖ تَوَدُّ لَوۡ أَنَّ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَهُۥٓ أَمَدَۢا بَعِيدٗاۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٣٠ قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١ قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٢﴾ [آل عمران: 26-32].

26- بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارائی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارائی را بازپس می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزت و قدرت می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیز توانایی.

27- (بخشی از) شب را جزو روز می‌گردانی (و بدین سبب شب‌ها کوتاه و روزها دراز می‌گردند) و (بخشی از) روز را جزو شب می‌گردانی (و لذا روزها کوتاه و شب‌ها دراز می‌شوند) و زنده را از مرده پدید می‌آوری و مرده را از زنده، و به هر کس که بخواهی بدون حساب روزی می‌بخشی.

28- مومنان نباید مومنان را رها کنند و کافران را به جای ایشان به دوستی گیرند، و هر که چنین کند (رابطه‌ی او با خدا گسسته است و بهره‌ای) وی را در چیزی از (رحمت) خدا نیست -مگر آنکه (ناچار شوید و) خویشتن را از (اذیت و آزار) ایشان مصون دارید و (به خاطر حفظ جان خود تقیه کنید)- و خداوند شما را از (نافرمانی) خود برحذر می‌دارد و بازگشت (همگان) به سوی او است.

29- بگو: اگر آنچه را که در سینه‌هایتان دارید پنهان سازید یا آشکار کنید، خداوند آن را می‌داند و خداوند آگاه از هر چیزی است که در آسمان‌ها و زمین است، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

30- (کسانی که از فرمان پروردگارشان سرپیچی می‌کنند، بترسند از) روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می‌بیند (و مایه سرور او می‌شود) و دوست می‌دارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصله زیادی می‌بود (تا دیدار زشت آن را نبیند و به فرجام نامبارک آن، دچار عقاب و عذاب نشود)، و خداوند شما را از (نافرمانی) خودش برحذر می‌دارد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است (و با نافرمانی از او، رحمت را به زحمت و نعمت را به نقمت تبدیل نکنید).

31- بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشاید، و خداوند آمرزنده مهربان است.

32- بگو: از خدا و از پیغمبر اطاعت و فرمانبرداری کنید، و اگر سرپیچی کنند (ایشان به خدا و پیغمبر ایمان ندارند و کافرند و) خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.

﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ شَهِدۡنَا عَلَىٰٓ أَنفُسِنَاۖ وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ١٣٠﴾ [الأنعام: 130].

130- (در آن روز خداوند بدیشان می‌گوید:) ای جنیان و ای انسان‌ها! آیا پیغمبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند و آیات (کتاب‌های آسمانی) مرا برایتان بازگو نکردند و شما را از رسیدن بدین روز (و روبرو شدن در آن با خدا) بیم ندادند؟ (پس چگونه این روز را فراموش کردید و در تکذیب آن کوشیدید؟ در پاسخ) می‌گویند: ما علیه خود گواهی می‌دهیم (و اقرار می‌کنیم که پیغمبران آمدند و آئین خدا را تبلیغ کردند و ما را از قیامت ترساندند، ولی ما ایشان را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی را از سوی خود نفرستاده است و جز زندگی این جهان، زندگی دیگری وجود ندارد. آری) زندگی جهان، آنان را گول زد و (به خود مشغول داشت و امروز جز اعتراف چاره ای ندارند و) علیه خود گواهی می‌دهند (و می‌گویند) که ایشان کافر بوده‌اند (و مستحق عذاب جاویدان و خوفناک یزدانند).

﴿قَدِ ٱفۡتَرَيۡنَا عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا إِنۡ عُدۡنَا فِي مِلَّتِكُم بَعۡدَ إِذۡ نَجَّىٰنَا ٱللَّهُ مِنۡهَاۚ وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّنَاۚ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَاۚ رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ ٨٩﴾ [الأعراف: 89].

89- اگر ما به آئین شما درآییم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده است، مسلماً به خدا دروغ بسته‌ایم (و به گزاف خویشتن را پیروان آئین آسمانی نامیده‌ایم). ما را نسزد که به آن درآئیم، مگر اینکه خدا که پروردگار ما است بخواهد (که هرگز چنین چیزی را هم نخواهد خواست). علم پروردگار ما همه چیز را در برگرفته است (و او با مرحمت و محبتی که نسبت به مومنان دارد، ایمان ما را محفوظ می‌فرماید. لذا) ما تنها بر خدا توکل داشته (و هم بدو پشت می‌بندیم). پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری کن (حقی که سنت تو در داوری میان محقین مصلحین و مبطلین مفسدین، بر آن جاری است) و تو بهترین داورانی (چرا که بر همه چیز آگاه و بر هر چیز توانائی).

﴿وَٱتَّقُواْ فِتۡنَةٗ لَّا تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنكُمۡ خَآصَّةٗۖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢٥﴾ [الأنفال: 25].

25- خویشتن را از بلا و مصیبتی به دور دارید که تنها دامنگیر کسانی نمی‌گرد که ستم می‌کنند (بلکه اگر جلو ستمکاران گرفته نشود، خشک و تر به گناه آنان می‌سوزد) و بدانید که خداوند دارای کیفر سخت و مجازات شدید است.

﴿أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسۡتَعۡجِلُوهُۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ١ يُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ ٢ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ تَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣﴾ [النحل: 1-3].

1- (ای مشرکان! آنچه خدا به شما در روز قیامت وعده داده است، چون حتمی و قریب الوقوع است، انگار هم اینک برای وقوع آن) فرمان خدا در رسیده است، پس (مسخره کنان نگوئید که اگر راست می‌گوئید که قیامتی هست از خدا بخواهید هرچه زودتر عذاب آن را بنمایاند! استهزاء کنان) آن را به شتاب مخواهید. (خداوند جهان) منزه (از او صافی است که مشرکان درباره او بر زبان می‌رانند، و دو) و برتر از چیزهایی است که (آنان) انباز (خداوند تبارک و تعالی) می‌سازند.

2- خداوند به دستور خود، فرشتگان را همراه با وحی (آسمانی که حیات بخش انسان‌هاست) بر هر کس از بندگانش (به نام انبیاء) که خود بخواهد نازل می‌کند (تا به مردم بیاموزند) که جز من (که آفریننده جهان و جهانیانم) خدائی نیست؛ پس (با انجام حسنات و دوری از سیئات)، از (غضب و عذاب) من بپرهیزید.

3- آسمان‌ها و زمین را به مقتضای حق (و حکمت) آفریده است(نه بیهوده و به گزاف. خداوند) بالاتر از چیزهایی است که (آنان در تصرف امور یا پرستش) انباز (خدا) می‌سازند.

﴿وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا ٤٥ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا ٤٦ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ نَجۡوَىٰٓ إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ٤٧ ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَالَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ٤٨ وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدٗا ٤٩ ۞قُلۡ كُونُواْ حِجَارَةً أَوۡ حَدِيدًا ٥٠ أَوۡ خَلۡقٗا مِّمَّا يَكۡبُرُ فِي صُدُورِكُمۡۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَاۖ قُلِ ٱلَّذِي فَطَرَكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖۚ فَسَيُنۡغِضُونَ إِلَيۡكَ رُءُوسَهُمۡ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَۖ قُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَرِيبٗا ٥١ يَوۡمَ يَدۡعُوكُمۡ فَتَسۡتَجِيبُونَ بِحَمۡدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا ٥٢﴾ [الإسراء: 45-52].

45- (ای پیغمبر!) هنگامی که قرآن (ناطق به دلائل حق) راوی خوانی میان تو و آنان که قیامت باور ندارند (و پیوسته دشمن حق و از حقیقت گریزانند) حجاب ناپیدایی قرار می‌دهیم (تا نور قرآن به دل ایشان بر تو نیندازد و به آنان سودی نرساند).

46- و (چون در ستیزه جویی با حق پافشاری می‌کنند) بر قلب‌هایشان پرده ای قرار می‌دهیم تا قرآن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی ایجاد می‌کنیم (تا ندای هدایت قرآن را چنانکه باید نشوند و از آن سود نبرند و لذا) هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی (و خدایان پنداری ایشان را همراه او نام نمیبری) پشت کرده و می‌گریزند (تا صدای توحید را نشوند).

47- ما (از هر کس دیگری) بهتر می‌دانیم که آنان به چه منظوری در سخنان تو گوش فرا می‌دهند، هنگامی که پای سخافت می‌نشینند، و آن زمان که با هم در گوشی صحبت می‌کنند. آن زمان که ستمکاران (کفر پیشه؟؟؟) (که جادوگران در عقل و هوش او رخنه کرده و آن را مختل ساخته‌اند).

48- بنگر چگونه برای تو مثل‌ها می‌زنند و (گاه کاهن، گاه مجنون، وقتی شاعر، و زمانی ساحرت می‌گویند) از این رو آنان گمراه گشته و نمی‌توانند راهی (به سوی حق) پیدا کنند.

49- و (اینان و منکران دیگر رستاخیز) می‌گویند: آیا هنگامی که ما استخوانی (پوسیده) و تکه‌هایی خشکیده (و از هم پاشیده) شدیم مگر دیگر باره آفرینش تازه ای خواهیم یافت (و زندگی دوباره پیدا خواهیم کرد؟!)

50- بگو: شما سنگ باشید (که بهیچوجه قابلیت پذیرش حیات را ندارد) و یا آهن باشد (که از سنگ محکمتر است).

51- یا اینکه (جز آن دو) چیزی دیگر باشید که در نظرتان (از این هم) سخت تر است (و از قابلیت پذیرش حیات دورتر، باز خدا می‌تواند به پیکرتان جان بدمد و زندگی مجد بازگرداند. آنان شگفت زده خواهند گفت: چه کسی ما را باز می‌گرداند؟ بگو: آن خدایی که نخستین بار شما را آفرید پس از آن، سر را به سویت (به عنوان استمزاء) تکان می‌دهند ولی گویند: چه زمانی این (معاد) خواهد بود؟ بگو: شاید که نزدیک باشد.

52- (این بازگشت به حیات مجدد) روزی خواهد بود که خدا شما را از گورهایتان (برای گردهم آئی در محشر) فرا می‌خواند و شما (فرمان او را) با حمد و سپاسی پاسخ می‌گوئید و گمان می‌برید که در (دنیا) جز مدت اندکی ماندگار نبوده‌اید.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ ٧٣ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٧٤ وَمَا مِنۡ غَآئِبَةٖ فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٍ ٧٥﴾ [النمل: 73-75].

73- پروردگارت نسبت به مردم لطف و کرم دارد (و هرچه زودتر تازیانه عذاب را بر سرشان فرو می‌آورد، و بلکه کیفرشان را به تاخیر می‌اندازد) ولی بیشتر آنان سپاسگذاری نمی‌کنند (و الطاف و مراحم خدا را نادیده می‌گیرند).

74- پروردگارت محققاً آگاه است از چیزهایی که سینه‌هایشان در خود نهان می‌دارند، و از چیزهایی که ایشان آشکار می‌سازند.

75- هیچ نهفته‌ای در آسمان‌ها و زمین نیست مگر اینکه (خدا از آن آگاه است و ثبت و ضبط) در کتاب آشکاری است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾ [الأحزاب: 70-71].

70- ای مومنان از خدا بترسید (و خویشتن را با انجام خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها در عذاب او در امان دارید) و سخن حق و درست بگوئید.

71- در نتیجه خدا (توفیق خیرتان می‌دهد و) اعمالتان را؟؟؟؟ می‌کند و گناهانتان را می‌بخشاید، اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کند، قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی است می‌یابد.

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلٗا وَنَسِيَ خَلۡقَهُۥۖ قَالَ مَن يُحۡيِ ٱلۡعِظَٰمَ وَهِيَ رَمِيمٞ ٧٨ قُلۡ يُحۡيِيهَا ٱلَّذِيٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلۡقٍ عَلِيمٌ ٧٩ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلۡأَخۡضَرِ نَارٗا فَإِذَآ أَنتُم مِّنۡهُ تُوقِدُونَ ٨٠ أَوَ لَيۡسَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ٨١ إِنَّمَآ أَمۡرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيۡ‍ًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٨٢ فَسُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٣﴾ [يس: 78-83].

78- برای ما مثال می‌زند و آفرینش خود را (از خاک) فراموش می‌کند و می‌گوید: چه کسی می‌تواند این استخوان‌های را که پوسیده و فرسوده‌اند زنده گرداند؟!

79- بگو: کسی آن‌ها را زنده می‌گرداند که آن‌ها را نخستین بار (از نیستی به هستی آورده است و آن‌ها را بدون الگو و مدل) آفریده است، و او پس آگاه از (احوال و اوضاع) چگونگی و ویژگی همه آفریدگاه است.

80- آن کسی که از درخت سبز، برای شما آتش بیافریده است، و شما با آن آتش روشن می‌کنید. (او که قادر بر رستاخیز انرژی‌ها است، قادر بر برانگیختن مردگان و باز گرداندن به زندگی دوباره ایشان است.

81- آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد (انسان‌های خاک شده را دوباره) چگونه خودشان بیافریند؟ آری (می تواند چنین کند) چرا که او آفریدگار بس آگاه و داناست.

82- هرگاه خدا چیزی را بخواهد که بشود کار او تنها این است که خطاب بدان بگوید: بشو! آن هم می‌شود.

83- او پاک است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست او است، و شما به سوی او برگرداند می‌شود (و هب حساب و کتابتان رسیدگی می‌گردد).

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَنِيَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلۡ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ أَوۡ أَرَادَنِي بِرَحۡمَةٍ هَلۡ هُنَّ مُمۡسِكَٰتُ رَحۡمَتِهِۦۚ قُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُۖ عَلَيۡهِ يَتَوَكَّلُ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ٣٨ قُلۡ يَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَٰمِلٞۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣٩ مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيۡهِ عَذَابٞ مُّقِيمٌ ٤٠﴾ [الزمر: 38-40].

38- اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ خواهند گفت: خدا، بگو: آیا چیزهایی را که بجز خدا بفریاد می‌خوانید چنین می‌بینید که اگر خدا بخواهد زبان و گزندی به من برساند، آن‌ها بتوانند آن زیان و گزند خداوندی را برطرف سازند؟ و یا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتی در حق من روا دارد، آن‌ها بتوانند جلو لطف و مرحمتش را بگیرند و آن را باز دارد؟ بگو: خدا مرا بس است. توکل کنندگان تنها بر او تکیه و توکل می‌کنند و بس.

39- بگو: ای قوم من! شما بر موضع خود باشید و هرچه در تواندارید انجام دهید، من نیز در راه خود ثابت قدم هستم و به وظیفه خود عمل می‌کنم، اما خواهید دانست.

40- (خواهید دانست که) چه کسی عذاب خوارکننده (دنیا) به سراغ او خواهد آمد و خوار و رسوایش خواهد کرد، و (به دنبال آن) عذاب جاویدان (آخرت) گریبانگریش می‌گردد.

﴿وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ ٢٩ قَالُواْ يَٰقَوۡمَنَآ إِنَّا سَمِعۡنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٣٠ يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُجِرۡكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٣١ وَمَن لَّا يُجِبۡ دَاعِيَ ٱللَّهِ فَلَيۡسَ بِمُعۡجِزٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَيۡسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءُۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٣٢﴾

[الأحقاف: 29-32].

29- (ای پیغمبر! خاطرنشان ساز) زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند هنگامی که حاضر آمدند، به یکدیگر گفتند: خاموش باشید و گوش فرا دهید. هنگامی که تلاوت قرآن، به پایان آمد به عنوان مبلغان و دعوت کنندگان (همچنسان خود، به آئین آسمانی) به سوی قوم خود برگشتند.

30- اینان گفتند: ای قوم ما! ما به کتابی گوش فرا دادیم که بعد از موسی فرستاده شده است و کتاب‌های پیش از خود را تصدیق می‌کند (و هماهنگ با کتاب‌های آسمانی پیشین است) و به سوی حق رهنمود می‌کند و به راه راست راه می‌نماید.

31- ای قوم ما! سخنان فراخواننده الهی را بپذیرید و به او ایمان بیاورید. تا خدا گناهانتان را بیامرزد و شما را در پناه خویش (محفوظ و مصون از عذاب سخت آخرت) دارد.

32- هر کسی هم سخنان فراخواننده الهی را نپذیرد، نمی‌تواند خدای را از دستیابی به خود در زمین ناتوان کند (و خویشتن را از چنگال عذاب الهی پناه دهد و از دست انتقام او بگریزد)، و برای او جز خدا هیچ ولی و یاوری نیست. چنین کسانی در گمراهی آشکاری هستند.

﴿كُلُّ مَنۡ عَلَيۡهَا فَانٖ ٢٦ وَيَبۡقَىٰ وَجۡهُ رَبِّكَ ذُو ٱلۡجَلَٰلِ وَٱلۡإِكۡرَامِ ٢٧ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٨ يَسۡ‍َٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ ٢٩ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٠ سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ ٣١ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٢ يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ إِنِ ٱسۡتَطَعۡتُمۡ أَن تَنفُذُواْ مِنۡ أَقۡطَارِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ فَٱنفُذُواْۚ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلۡطَٰنٖ ٣٣ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٤ يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ ٣٥ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٦﴾ [الرحمن: 26-36].

26- همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می‌گردند.

27- و تنها ذات پروردگار باعظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس.

28- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید و انکار می‌نمائید؟!

29- همه چیزها و همه کسانی که در آسمان‌ها و زمینند (به زبان حال یا قال، روزی و نیاز خود را) از خدا درخواست می‌کنند. او پیوسته دست اندر کار کاری است.

30- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

31- ای پری‌ها و انسان‌ها! به حساب شما خواهیم پرداخت.

32- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را انکار و تکذیب می‌کنید؟!

33- ای گروه پری‌ها و انسان‌ها! اگر می‌توانید از نواحی آسمان و زمین گبذرید، و لیکن نمی‌توانید بگذرید مگر با قدرت عظیم (مادی و معنوی).

34- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

35- آتش بی‌دود و میس گداخته به سوی شما روانه می‌گردد و بر سر شما ریخته می‌شود، شما همدیگر را نمی‌توانید یاری بدهید.

36- پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ٢١ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٢٢ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٤﴾ [الحشر: 21-24].

21- اگر ما این قرآن را برای کوهی فرو می‌فرستادیم، کوه را از ترس خدا، کرنش کنان و شگافته می‌دیدی! ما این مثال‌ها را برای مردمان بیان می‌داریم، شاید که ایشان بیندیشند (و با دید بینا و بینش آگاه به آیات قرآنی بنگرند و دل سنگین خود را با برق قرآن منفجر و آن را به تکان و لرزه آورند).

22- خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست، آگاه از جهان نهان و آشکار است (ناپیدا و پیدا در برابر دانشش یکسان است) او دارای مرحمت عامه (در این جهان، در حق همگان) و دارای مرحمت خاصه (در آن جهان نسبت به مومنان) است.

23- خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزه، بی‌عیب و نقص، امان دهنده و؟؟؟ بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، بزرگوار و شکوهمند، والامقام و فرازمند است. خداوند دور و فرا از چیزهایی است که انباز او می‌کنند.

24- او خداوندی است که طراح هستی و آفریدگار آن از نیتی و صورتگر جهان است. دارای نام‌های نیک و زیبا است چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین هستند، تسبیح و تقدیس او می‌گویند، و او چیره کار بجا است.

﴿سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى ١ ٱلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ٢ وَٱلَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ٣ وَٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلۡمَرۡعَىٰ ٤ فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً أَحۡوَىٰ ٥ سَنُقۡرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ ٦ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ وَمَا يَخۡفَىٰ ٧ وَنُيَسِّرُكَ لِلۡيُسۡرَىٰ ٨ فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ ٩ سَيَذَّكَّرُ مَن يَخۡشَىٰ ١٠ وَيَتَجَنَّبُهَا ٱلۡأَشۡقَى ١١ ٱلَّذِي يَصۡلَى ٱلنَّارَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ١٢ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ ١٣ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ١٤ وَذَكَرَ ٱسۡمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ ١٥ بَلۡ تُؤۡثِرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ١٦ وَٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ١٧ إِنَّ هَٰذَا لَفِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ ١٨ صُحُفِ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ ١٩﴾ [الأعلى: 1-19].

1- تسبیح و تقدیس کن پروردگار والامقام خود را.

2- همان خداوندی که (چیزها را) می‌آفریند و پس (آن‌ها را هماهنگ می‌کند و) می‌آراید.

3- خداوندی که اندازه گیری می‌کند (هر چیزی را آنگونه که شایسته و بایسته است می‌آفریند، و آنگاه آن را به کاری) رهنمود می‌نماید (که باید بکند).

4- خداوندی که چراگاه را (برای تغذیه جانداران از زمین می‌رویاند و) و بیرون می‌آورد.

5- پس آن را خشک و سیاه می‌گرداند.

6- ما قرآن را بر تو خواهیم خواند و به تو خواهیم آموخت، و تو دیگر آن را فراموش نخواهی کرد.

7- مگر چیزی را که خدا بخواهد قطعاً او آشکارا و نهان را می‌داند (چنین خدایی نگاهبان قرآن است و آنچه مورد نیاز بشر بوده و هست از طریق وحی قرآن به تو می‌رساند، و چیزی را در این زمینه فروگذار نمی‌کند).

8- ما تو را برای شریعت ساده و آسان (آئین اسلام) آماده می‌سازیم (و کارهای خیری را برای تو آسان می‌نمائیم و در انجام آن‌ها توفیقت می‌دهیم).

9- اگر پند و اندرز سودمند باشد، و اندرز بده.

10- کسی که (احسان مسئولیت می‌کند و از خدا) می‌ترسد. پند و اندرز خواهد گرفت.

11- بدبخت‌ترین فرد (پند و اندرز را کنار خواهد گذاشت و) و از آن دوری خواهد گزید.

12- آن کسی که داخل عظیم‌ترین (و هولناک‌ترین) آتش خواهد شد و بدان خواهد سوخت.

13- سپس در آن آتش (برای همیشه می‌ماند و) می‌میرد (و آسوده می‌گردد) و نه زنده (بشمار می‌آید و حالتی که در آن است زندگی نامیده) می‌شود.

14- قطعاً رستگار می‌گردد کسی که خویشتن را (از کثافت کفر و معاصی) پاکیزه دارد.

15- و نام پروردگار خود را ببرد و نماز بگذارد و فروتنی کند.

16- بلکه (بنا به سرشت انسانی) زندگی دنیا را (که محسوس و نقد است، بر زندگی آخرت که نامحسوس و نسیه است) ترجیح می‌دهید و بر می‌گزینید.

17- در حالی که آخرت (از د نیا) بهتر و پاینده‌تر است (عاقل چرا باید فانی و گذرا بر باقی و پایان ترجیح دهد)؟

18- این (چیزها منحصر به این کتاب آسمانی نیست، بلکه) در کتابی پیشین (نیز آمده و) بوده است.

19- (از جمله در) کاب‌های ابراهیم و موسی.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ وَلَوۡ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِذۡ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ أَنَّ ٱلۡقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعَذَابِ ١٦٥ إِذۡ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ وَتَقَطَّعَتۡ بِهِمُ ٱلۡأَسۡبَابُ ١٦٦ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ لَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَتَبَرَّأَ مِنۡهُمۡ كَمَا تَبَرَّءُواْ مِنَّاۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡ حَسَرَٰتٍ عَلَيۡهِمۡۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ ١٦٧﴾ [البقرة: 165-167].

165- برخی از مردم هستند که غیر از خدا، خدا گونه‌هایی بر می‌گزینند و آنان را همچون خدا دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند (و بالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند). آنان که ستم می‌کنند اگر می‌شد عذابی را مشاهده نمایند که هنگام (رستاخیز) می‌بینند، (می فهمند که) قدرت و عظمت همه از آن خداست و خدا دارای عذاب سختی است.

166- در آن هنگام که (رستاخیز فرا می‌رسد و پیروان سرگشته از؟؟؟؟ گمراه کنند می‌خواهند که رستگارشان سازند و) رهبران از پیروان خود بیزاری می‌جویند (و نسبت به آن اظهار ناشناسی و بیگانگی می‌کنند) و عذاب را مشاهده می‌نمایند، و روابط (و پیوندهای مودت و محبتی که در دنیا میانشان بود) گسیخته می‌گردد (و دستشان از همه جا کوتاه می‌شود).

167- و (در این موقع) پیروان می‌گویند: کاش بازگشتی (به دنیا) می‌داشتیم تا از آنان بیزاری جوئیم همانگونه که آنان (امروزه) ما بیزاری جستند (و نا آشنایمان نامیدند. آری) این چنین خداوند کردارهایشان را بگونه حسرت زا و اندوهباری نشان ایشان می‌دهد، و آنان هرگز از آتش (دوزخ) بیرون نخواهند آمد.

﴿سَنُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗاۖ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلظَّٰلِمِينَ ١٥١﴾ [آل عمران: 151].

151- در دل‌های کافران رعب و هراس خواهیم انداخت، از آن رو که چیزهایی را انباز خدا ساخته‌اند که خداوند دلیل و برهانی (بر حقانیت آن‌ها) فرو نفرستاده است، و جایگاه آنان آتش (دوزخ) است. و جایگاه ستمکاران چه بد جایگاهی است.

﴿فَلَوۡلَآ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلَٰكِن قَسَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٤٣ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَبۡوَٰبَ كُلِّ شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُوٓاْ أَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ فَإِذَا هُم مُّبۡلِسُونَ ٤٤ فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْۚ وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٥﴾ [الأنعام: 43-45].

43- آنان چرا نباید هنگامی که به عذاب ما گرفتار می‌آیند، خشوع و خضوع کند (و بیدار شوند و اندرز گیرند و تضرع و زاری دست دعا به سوی باری بلند کنند و آمرزش خواهند؟) ولی دل‌هایشان سخت شده است و (نرود میخ آهنین بر سنگ! و علاوه از قساوت قلب) اهریمن (هم) اعمالی را که انجام می‌دهند برایشان آراسته و پیراسته است.

44- که هنگامی که آنان فراموش کردند آنچه را که بدان متذکر و متعظ شده بودند (و آزمون ناداری و بیماری کارگر نیفتاد (و آزمون دیگری جهت بیدار ایشان بکار بردیم و) درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به رویشان گشودیم تا آنگاه که (کاملاً در فراخی نعمت غوطه ور شدند و) بدانچه بدیشان داده شد شاد و مسرور گشتند (و باده ثروت و قدرت ایشان را گرفت و سرمست و مغرور شدند و ناشکری کردند و) ما بناگاه ایشان را بگرفتیم (و به عذاب خود مبتلا کردیم) و آنان مایوس و متحیر ماندند (و به سوی نجات راه نبردند).

45- (بدین ترتیب) نسل ستمکاران ریشه کن شد و ستایش تنها پروردگار جهانیان را سزاست (که با فقمت ونعمت مردمان را تربیت می‌کند، و روی زمین را از فساد ظالمان پاک می‌سازد).

﴿إِذۡ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمۡ فَثَبِّتُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ سَأُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ فَٱضۡرِبُواْ فَوۡقَ ٱلۡأَعۡنَاقِ وَٱضۡرِبُواْ مِنۡهُمۡ كُلَّ بَنَانٖ ١٢ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَمَن يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١٣ ذَٰلِكُمۡ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٤﴾ [الأنفال: 12-14].

12- (ای مومنان! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم پس مومنان را تقویت و ثابت قدم بدارید. (و من هم) به دل‌های کافران خوب و هراس خواهم انداخت. (به مومنان الهام کنید:) سرهای آنان را بزنید (و از هم بشکافید که بر گردن‌های ناپاکشان سنگینی می‌کند) و دست‌های ایشان را ببرید (پنچه‌هایشان را پی کنید).

13- این (پشتیبانی از مومنان و رسوا کردن کافران) بدان خاطر است که کافران با خدا و پیغمبرش بستیزد (او در خور عذاب است و هرچه زودتر خدا او را گرفتار مجازات دردناک در دنیا و آخرت خواهد کرد) چه خدا دارای عقاب شدید است (همانگونه که دارای رحمت وسیع است).

14- این (عذاب و عقاب دنیوی، بعضی شکست و گریز در برابر مومنان) را بچشید و (بدانید که) عذاب دوزخ برای کافران (بجای خود باقی) است.

﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعۡمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمۡ لِيَوۡمٖ تَشۡخَصُ فِيهِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٤٢ مُهۡطِعِينَ مُقۡنِعِي رُءُوسِهِمۡ لَا يَرۡتَدُّ إِلَيۡهِمۡ طَرۡفُهُمۡۖ وَأَفۡ‍ِٔدَتُهُمۡ هَوَآءٞ ٤٣﴾ [إبراهيم: 42-43].

42- (ای پیغمبر!) گمان مبر که خدا از کارهایی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است (نه، بلکه مجازات) آنان را به روزی حواله می‌کند که چشم‌ها در آن (از خوف و هراس چیزهایی که می‌بیند) باز می‌نماید.

43- (ستمگران همچون اسیران، از هراس) سرهای خود را بالا گرفته و یک راست (به سوی ندا دهنده) می‌شتابند و چشمانشان (از مشاهده این همه عذاب هراسناک) فروبسته نمی‌شود و دل‌هایشان (فرو می‌تپد از عقل و فهم و اندیشه) تهی می‌گردد.

﴿وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِغَيۡظِهِمۡ لَمۡ يَنَالُواْ خَيۡرٗاۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلۡقِتَالَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزٗا ٢٥ وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمۡ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَ فَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ وَتَأۡسِرُونَ فَرِيقٗا ٢٦ وَأَوۡرَثَكُمۡ أَرۡضَهُمۡ وَدِيَٰرَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُمۡ وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَ‍ُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢٧﴾ [الأحزاب: 25-27].

25- خداوند کافران را با دلی لبریز از خشمو غم بازگرداند. در حالی که به هیچ یک از نتائجی که در نظر (داشتند نرسیده) بودند. خداوند (در این میدان) مومنان را (با طوفان باد و ارسال فرشتگان) از جنگ بی‌نیاز ساخت و خداوند نیرومند و چیره است.

26- خداوند کسانی از اهل کتاب (بنی قریظه) را که احزاب را پشتیبانی کرده بودند از؟؟؟ هایشان پایین کشید، و به دل‌هایشان ترس و هراس انداخت (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را کشتند و گروهی را اسیر کردند.

27- و زمین‌ها و خانه‌هایشان و دارائی آنان، همچنین زمینی را که هرگز بدان گام ننهده بودید، به چنگ شما انداخت، بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است.

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ فَزِعُواْ فَلَا فَوۡتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ ٥١ وَقَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِهِۦ وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ مِن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ٥٢ وَقَدۡ كَفَرُواْ بِهِۦ مِن قَبۡلُۖ وَيَقۡذِفُونَ بِٱلۡغَيۡبِ مِن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ٥٣ وَحِيلَ بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ مَا يَشۡتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشۡيَاعِهِم مِّن قَبۡلُۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ فِي شَكّٖ مُّرِيبِۢ ٥٤﴾ [سبأ: 51-54].

51- اگر برایت ممکن بود ببینی (حال ستمگران را) در آن دم که به وحشت می‌افتند و راه گریزی ندارند و اصلاً مهلتی بدیشان داده نمی‌شود، و از مکان و نزدیکی گرفتار (و روانه آتش) می‌گردند (صحنه هراس انگیزی را خواهی دید که انسان را از آن بر خورد می‌لرزد و بیتاب می‌شود).

52- و (به هنگام گرفتار شدن در چنگال مجازات الهی) خواهند گفت: به (حق) ایمان داریم، آنان چگونه می‌توانند از فاصله دور (از جهان که جای پذیرش ایمان و مزرعه آخرت بود) سهل و ساده حق را فراچنگ آورند (و از مزایای ایمان بدان برخوردار شوند؟)

53- و حال اینکه قبلاً (در زمان حیات که از عقل و اختیار و اراده برخوردار بوده‌اند) حق را نپذیرفته‌اند، و بلکه دورا دور به همان غیب نسبتهای ناروایی زده‌اند (و نبوت و قیامت و بهشت و دوزخ بالاخره جهان ماوراء طبیعت را به تمسخر گرفته‌اند).

54- میان ایشان و آنچه آرزو دارند (که پذیرش ایمان ایشان و نجات از عذاب است) جدایی افکنده می‌شود همانگونه که با گروه‌های همسان و همکیش آنان قبلاً چنین عمل شده است آخر ایشان (در جهان) سراپا در شک بوده‌اند. (و زندگی را پیوسته باطن و گمان به سر برده‌اند و اینک چنین سرنوشتی باید داشته باشند).

﴿يسٓ ١ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡحَكِيمِ ٢ إِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٣ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٤ تَنزِيلَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ٥ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمۡ فَهُمۡ غَٰفِلُونَ ٦ لَقَدۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَىٰٓ أَكۡثَرِهِمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٧ إِنَّا جَعَلۡنَا فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ أَغۡلَٰلٗا فَهِيَ إِلَى ٱلۡأَذۡقَانِ فَهُم مُّقۡمَحُونَ ٨ وَجَعَلۡنَا مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ سَدّٗا وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ سَدّٗا فَأَغۡشَيۡنَٰهُمۡ فَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ٩ وَسَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٠ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ ١١ إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ مُّبِينٖ ١٢﴾ [يس: 1-12].

1- یا، سین.

2- سوگند به قرآن حکیم.

3- قطعاً تو از زمره فرستادگان (یزدان) هستی.

4- و بر راه راست (خداشناسی) قرار دادی (که دین اسلام است).

5- (این قرآن را) فرو فرستاده است خداوند چیره و مهربان.

6- (آن را برای تو فرو فرستاده است) تا قومی را بیم دهی که پدران و نیاکان (نزدیک) ایشان (توسط پیغمبران) بیم داده نشده‌اند. و به همین علت است که غافل و بی‌خبر (از قانون آسمانی نسبت به خدا و خود و مردمان) هستند.

7- (ایشان مستحق عذاب گشته‌اند و) سخت (خدا مبنی بر پرکران جهنم از چنین افرادی) درباره بیشتر آنان به حقیقت پیوسته است، و آنان دیگر ایمان نمی‌آورند.

8- ما به گردن‌هایشان غلهایی می‌اندازیم که تا چانه‌هایشان می‌رسد و سرهای ایشان (بر اثر آن) رو به بالا نگاه داشته می‌شود (و نه می‌توانند به زیر پاهای خود بنگرند، و نه می‌توانند سرهایشان را بدین سو و آن سو حرکت دهند).

9- ما در پیش روی آنان سدی، در پشت سر ایشان سدی قرار داده‌ایم (و لذا به کسانی می‌مانند که در میان دو سد، گیر کرده باشند، و پیش رو و پشت سر خود را مشاهده نکنند) و بدین وسیله جلو چشمان ایشان را گرفته‌ایم و دیگر نمی‌بینند.

10- چه آنان را بترسانی و چه ایشان را نترسانی، برایشان یکسان است ایمان نمی‌آورند.

11- تو تنها کسی را می‌ترسانی (و یا بیم دادند بدو سود می‌رسانی) که از قرآن پیروی کند و پنهانی از (خداوند) مهربان هراس داشته باشد. چنین کسی را به گذشت و پاداش ارشمنید مژده بده.

12- ما خودمان مردگان را زنده می‌گردانیم و چیزهایی را که (در دنیا) پیشاپیش فرستاده‌اند و (کارهایی را که کرده‌اند، و همچنین) چیزهایی را که (در آن) بر جای نهاده‌اند (و کارهایی را که نکرده‌اند، ثبت و ضبط می‌کنیم و) می‌نویسیم، و ما همه چیز را در کتاب آشکار (لوح محفوظ) سرشماری می‌نماییم و می‌نگاریم.

﴿يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ ٦ تَتۡبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ ٧ قُلُوبٞ يَوۡمَئِذٖ وَاجِفَةٌ ٨ أَبۡصَٰرُهَا خَٰشِعَةٞ ٩ يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرۡدُودُونَ فِي ٱلۡحَافِرَةِ ١٠ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا نَّخِرَةٗ ١١ قَالُواْ تِلۡكَ إِذٗا كَرَّةٌ خَاسِرَةٞ ١٢ فَإِنَّمَا هِيَ زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ ١٣ فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ ١٤﴾ [النازعات: 6-14].

6- (رستاخیز و قیامت برپا گردد) در آن روزی که (نفخه اول در صور دمیده می‌شود و) زلزله‌ای در می‌گیرد (و دنیا خراب می‌گردد و همگان می‌میرند).

7- پس (نفخه دوم، در صور دمیده می‌شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به به دنبال خواهد داشت (که مردگان زنده می‌گردند و رستاخیز و قیامت آغاز می‌شود و جهان ابدی آغاز می‌گردد).

8- دل‌هایی در آن روز تپان و پریشان می‌گردند.

9- و چشمانشان فرو افتاده و فروخفته می‌گردد.

10- (اینان در دنیا) می‌گفتند: آیا ما دوباره (زنده می‌گردیم) و به زندگی بازگردانده می‌شویم؟!

11- آیا وقتی که استخوان‌های پوسیده و فرسوده‌ای خواهیم شد (به زندگی بازگردانده می‌شویم؟)

12- (تمسخرکنان) می‌گفتند: این (بازگشت به زندگی دوباره، اگر انجام پذیر گردد) در این صورت بازگشت زیانبار و زیان بخش خواهد بود! (و ما هرگز از این زیان‌ها نخواهیم کرد، چنین کاری ممکن نیست).

13- (بازگشت آنان چندان مشکل نیست) تنها صدایی (از صور) بر می‌خیزد و بازگشت انجام می‌پذیرد.

14- ناگهان همگان (به پا می‌خیزند و) در دشت پهناور و سفید محشر آماده می‌شوند.

﴿كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ٤٦﴾ [النازعات: 46].

46- روزی که آنان برپایی رستاخیز را می‌بینند (چنین احساس می‌کنند که در جهان) گوئی جز شامگاهی یا چاشتگاهی از آن درنگ نکرده‌اند و بسر نبرده‌اند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا سَوۡفَ نُصۡلِيهِمۡ نَارٗا كُلَّمَا نَضِجَتۡ جُلُودُهُم بَدَّلۡنَٰهُمۡ جُلُودًا غَيۡرَهَا لِيَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمٗا ٥٦﴾ [النساء: 56].

56- بی‌گمان کسانی که آیات و دلائل ما را انکار کرده و انبیاء ما را تکذیب نموده‌اند، بالاخره ایشان را به آتش شگفتی وارد می‌گردانیم و بدان می‌سوازیم. هر زمان که پوست‌های (بدن) آنان بریان و سوخته شود. پوست‌های دیگری بجای آن قرار می‌دهیم تا (چشش درد، مستمر باشد و) مزه عذاب را بچشند. خداوند، توانا (بر عذاب منکران و کافران و) حکیم است (و از روی حکمت کیفر می‌دهد).

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ قَدۡ ضَلُّواْ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ١٦٧ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَظَلَمُواْ لَمۡ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ طَرِيقًا ١٦٨﴾ [النساء: 167-168].

167- بی‌گمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته‌اند و(دیگران را با تهدید یا تبلیغ) از راه خدا باز داشته‌اند (و نافع دخول مردم به دین خدا شده‌اند، فرسنگ‌ها از حق دور گشته‌اند و) بسیار گمراه شده‌اند.

168- بی‌گمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته‌اند و ستم ورزیده‌اند (مادام که بر کفر ماندگار باشند) خداوند ایشان را نمی‌بخشد و آنان را به راهی (که راه نجات و بهشت باشد) هدایت نخواهد کرد.

﴿إِنَّمَا جَزَٰٓؤُاْ ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسۡعَوۡنَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓاْ أَوۡ يُصَلَّبُوٓاْ أَوۡ تُقَطَّعَ أَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم مِّنۡ خِلَٰفٍ أَوۡ يُنفَوۡاْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِۚ ذَٰلِكَ لَهُمۡ خِزۡيٞ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٣٣ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِن قَبۡلِ أَن تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهِمۡۖ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣٤ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُواْ فِي سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣٥ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفۡتَدُواْ بِهِۦ مِنۡ عَذَابِ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنۡهُمۡۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٣٦ يُرِيدُونَ أَن يَخۡرُجُواْ مِنَ ٱلنَّارِ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنۡهَاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّقِيمٞ ٣٧﴾ [المائدة: 33-37].

33- کیفر کسانی که (بر حکومت اسلامی می‌شورند و بر احکام شریعت می‌تازند و بدین وسیله) با خدا و پیغمبرش می‌جنگند، و در روی زمین (به تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسان‌ها، مثلاً از راه راهزنی و غارت کاروان‌ها) دست به فساد می‌زنند، این است که (در برابر کشتن مردم) کشته شوند، یا (در برابر کشتن مردم و غصب اموال) بدار زده شوند، یا (در برابر راهزنی و غصب اموال، تنها) دست و پای آن در جهت عکس یکدیگر بریده شود و یا اینکه (در برابر قطع طریق و تمدید، تنها) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوایی آنان در دنیا است. و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.

34- مگر کسانی (از این محاربین با حکومت اسلامی و راهزنان و مفسدانی) که پیش از دست یافتن شما بر آنان از کرده خود پشیمان شوند و توبه کنند (که مجازات مذکور یزدان از آنان سلب، ولی حقوق مردمان بجای خود باقی می‌ماند). چه بدانید که خداوند دارای مغفرت و رحمت فراوان است (و توبه کاران را می‌بخشد و بدیشان رحم می‌کند).

35- ای مومنان از خدا بترسید و (از اوامر او اطاعت کنید و از نواهی او اجتناب ورزید) و برای تقرب به خدا وسیله بجوئید. (که عبارت از طاعت و عبادت و اعمال شایسته و بایسته است) و در راه او جهاد کنید تا اینکه رستگار شوید.

36- بی‌گمان اگر همه آنچه در زمین است و همانند آن مال کافران باشد و (یکایک آنان در آخرت) آن را برای نجات خود از عذاب روز قیامت بپردازند و بخواهند خویشتن را بدان بازخرید کنند، از ایشان پذیرفته نمی‌گردد (و راهی برای نجاتشان وجود ندارد) و دارای عذاب دردناکی می‌باشند.

37- آنان پیوسته می‌خواهند از آتش دوزخ بیرون بیایند، ولی ایشان نمی‌توانند از آن بیرون بیایند، و دارای عذاب دائم و مستمرند.

﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ سُرَادِقُهَاۚ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا ٢٩﴾ [الكهف: 29].

29- بگو: حق (همان چیزی است که) از سوی پروردگارتان (آمده) است (و من آن را با خود آورده‌ام و برنامه من و همه مومنان است) پس هر کس که می‌خواهد (بدان) ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد (بدان) کافر شود. ما برای ستمگران آتشی را آماده کرده‌ایم (از هر طرف ایشان را احاطه می‌کند و) سرا پرده آنان را در بر می‌گیرد، و اگر (در آن آتش سوزان) فریاد برآورند (که آب) با آبی همچون فلز گداخته به فریادشان رسند که چهره‌ها را بریان می‌کند! چه بد نوشابه ای! و چه زشت منزلی!

﴿وَعَرَضۡنَا جَهَنَّمَ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡكَٰفِرِينَ عَرۡضًا ١٠٠ ٱلَّذِينَ كَانَتۡ أَعۡيُنُهُمۡ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكۡرِي وَكَانُواْ لَا يَسۡتَطِيعُونَ سَمۡعًا ١٠١ أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن يَتَّخِذُواْ عِبَادِي مِن دُونِيٓ أَوۡلِيَآءَۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا جَهَنَّمَ لِلۡكَٰفِرِينَ نُزُلٗا ١٠٢ قُلۡ هَلۡ نُنَبِّئُكُم بِٱلۡأَخۡسَرِينَ أَعۡمَٰلًا ١٠٣ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعۡيُهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ يُحۡسِنُونَ صُنۡعًا ١٠٤ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فَلَا نُقِيمُ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَزۡنٗا ١٠٥ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمۡ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُواْ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ١٠٦﴾ [الكهف: 100-106].

100- و در آن روز، دوزخ را به طرز شگفتی به کافران نشان می‌دهیم (و ایشان را در آن گرد می‌آوریم).

101- کافرانی که چشمانشان از (دیدن) آیات (خواندنی و دیدنی) من در پرده بوده و توان شنیدن (فرمان یزدان) را نداشته‌اند (و از نیروی بینایی و شنوایی برای درک حقائق و رسیدن به سعادت استفاده نکرده‌اند).

102- آیا کافران گمان می‌برند که بجز من، بندگان مرا (نیز اگر) سرور و سرپرست خود گیرند (و معبود و مسجود خویش دانند، بدیشان سود می‌رسانند؟) ما دوزخ را برای پذیرایی از کافران آماده کرده‌ایم.

103- (ای پیغمبر! به کافران) بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازیم؟

104- آنان کسانیند که تلاش و تکاپوشان (به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر می‌رود (و بی‌سود می‌شود) و خود گمان می‌برند که به بهترین وجه کار نیک می‌کنند (و طاعت و عبادت شرک آلودشان موجب رستگاریشان می‌شود).

105- آنان کسانیند که به آیات (قرآنی و دلائل قدرت) پروردگارشان و ملاقات او (در جهان دیگر، برای حساب و کتاب) بی‌باور و کافرند، و در نتیجه اعمالشان باطل و هدر می‌رود، و و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قائل نمی‌شویم (و قدر منزلتی در پیشگاه ما نخواهند داشت)

106- (حال و احوال ایشان) همانگونه است (که بیان کردیم)، و به سبب کفر ورزیدنشان به خاطر مسخره کردن آیاتم و پیغمبرانم توسط ایشان، سزای آنان دوزخ است.

﴿۞هَٰذَانِ خَصۡمَانِ ٱخۡتَصَمُواْ فِي رَبِّهِمۡۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتۡ لَهُمۡ ثِيَابٞ مِّن نَّارٖ يُصَبُّ مِن فَوۡقِ رُءُوسِهِمُ ٱلۡحَمِيمُ ١٩ يُصۡهَرُ بِهِۦ مَا فِي بُطُونِهِمۡ وَٱلۡجُلُودُ ٢٠ وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنۡ حَدِيدٖ ٢١ كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا مِنۡ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٢٢﴾

[الحج: 19-22].

19- اینان که دو دسته مقابل هم (مردمان به نام مومنان و کافران) می‌باشند. (در آیه‌های متعدد ذکری از ایشان رفته است) درباره (ذات و صفات) خدا به جدال پرداخته‌اند و به کشمکش نشسته‌اند، کسانی که کافرند، خداوند برایشان آتش دوزخ را تهیه دیده، و انگار آتش آن) جامه‌هایی (است که به تن آنان چسبیده بوده و) و برای آنان از آتش بریده (و دوخته) شده است. (علاوه بر آن) از بالای سرهایشان (بر آنان) آب بسیار گرم و سوزان ریخته می‌شود.

20- (این آب جوشان آن چنان در بدنشان نفوذ می‌کند که) آنچه در درونشان است بدان گداخته و ذوب می‌گردد، و هم پوست‌هایشان.

21- و تازیانه‌هایی از آهن برای (زدن و سرکوبی) ایشان (آماده شده) است.

22- هر زمانی که دوزخیان بخواهند خویشتن را از غم و اندوه عظیم آتش برهانند بدان برگردانده شوند (آمرانه بدیشان گفته می‌شود) بچشید عذاب سوزان را.

﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ رَبِّ ٱرۡجِعُونِ ٩٩ لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُۚ كَلَّآۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَاۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرۡزَخٌ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ١٠٠ فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ ١٠١ فَمَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٢ وَمَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فِي جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ١٠٣ تَلۡفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمۡ فِيهَا كَٰلِحُونَ ١٠٤ أَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٥ قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتۡ عَلَيۡنَا شِقۡوَتُنَا وَكُنَّا قَوۡمٗا ضَآلِّينَ ١٠٦ رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡهَا فَإِنۡ عُدۡنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ ١٠٧ قَالَ ٱخۡسَ‍ُٔواْ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ١٠٨ إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩ فَٱتَّخَذۡتُمُوهُمۡ سِخۡرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوۡكُمۡ ذِكۡرِي وَكُنتُم مِّنۡهُمۡ تَضۡحَكُونَ ١١٠ إِنِّي جَزَيۡتُهُمُ ٱلۡيَوۡمَ بِمَا صَبَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ١١١ قَٰلَ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ عَدَدَ سِنِينَ ١١٢ قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖ فَسۡ‍َٔلِ ٱلۡعَآدِّينَ ١١٣ قَٰلَ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗاۖ لَّوۡ أَنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١١٤ أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ١١٦ وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١١٧ وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١١٨﴾ [المؤمنون: 97-118].

97- (در عین حال خود را به خدا بسپار) و بگو: پروردگارا! خویشتن را از وسوسه‌های اهریمنان (و تحریکات ایشان به انجام گناهان) در پناه تومی دارم.

98- و خویشتن را در پناه تو می‌دارم از اینکه با من (در اعمال و اقوال و سایر احوال) گرد آیند (و مرا از تو غافل نمایند).

99- (کافران به راه غلط خود ادامه می‌دهند) و زمانی که مرگ یک یاز آنان فرا می‌رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) بازگردانید.

100- تا اینکه کار شایسته‌ای بکنم و فرصت‌هایی را که از دست داده‌ام جبران نمایم، نه! (هرگز راه بازگشتی وجود ندارد). این سخنی است که او بر زبان می‌راند (و اگر به فرض به زندگی دنیا برگردد، باز به همان برنامه و روش خود ادامه می‌دهد). در پیش روی ایشان جهان برزخ است تا روزی که برانگیخته می‌شوند (و دوباره زنده می‌گردند و برای سعادت سرمدی یا شقاوت ابدی به صحرای محشر گسیل می‌شوند).

101- هنگامی که (برای بار دوم) در صور دمیده شود. هیچگونه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی‌ماند (چرا که هر کس در اندیشه نجات خویشتن است) و در آن روز از همدیگر نمی‌پرسند (زیرا در جهان دیگر انتساب به فلان شخص یا طایفه و قبیله کارگشا نیست و در آن دم همه از یکدیگر گریزانند.

102- کسانی که سنجیده‌ها (اعمال و اقوال دنیوی) ایشان، سنگین و ارزشمند شود (و در ترازوی خدا وزن و اجری داشته باشد)، اینان قطعاً رستگارند.

103- و کسانیکه سنجیده‌های (اعمال و اقوال دنیوی) ایشان، سبک و بی‌ارزش باشد اینان (عمر خود را باخته و) خویشتن را زیانمند نموده‌اند و در دوزخ جاودانه خواهند ماند.

104- شعله‌های آتش دوزخ صورت‌های ایشان را فرا می‌گیرد و آنان در میان آن چهره در هم کشیده (پریشان و نادان) بسر می‌برند.

105- (خداوند خطاب بدیشان می‌گوید:) مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آن‌ها را دروغ می‌نامیدید؟!

106- در پاسخ می‌گویند: پروردگارا! بدبختی ما (که ناشی از انجام معاصی بود) بر ما چیره گشته بود، ما مردمان گمراهی بودیم.

107- پروردگارا! ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور، و اگر (بعد از این، به کفر و عصیان و انجام گناهان) برگشتیم، ما ستمگر خواهیم بود (و مستحق هرگونه عذابی).

108- (خداوند بدیشان) می‌گوید: بتمرگید در آن! و با من سخن مگوئید.

109- (مگر فراموش کرده‌اید، در دنیا) گروهی از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ایمان آورده‌ایم، پس ما را ببخش و بر ما رحم فرما، و تو بهترین رحم کنندگان هستی.

110- شما ایشان را به باد تمسخر می‌گرفتید، تا آنجا که سرگرم شدن به تمسخر ایشان، ذکر و عبادت مرا از یادتان برده بود، و کارتان همیشه خندیدن بدانان بود و بس.

111- من امروز به خاطر صبری که کرده‌اند و پایمردی و استقامتی که (در برابر آن همه استهزاء) نشان داده‌اند، پاداششان داده‌ام (و در بهشت جایگزینشان کرده‌ام) و آنان به مقصود رسیدگان و رستگارانند.

112- (خداوند بدیشان) می‌گوید: چند در روی زمین زیسته و ماندگار بوده‌اید؟!

113- می‌گویند: روزی یا بخشی از روزی! (ما که سخت گرفتار عذابیم، پاسخ درستی نمی‌توانیم بدهیم) پس از کسانی بپرسی که قادر به شمارش هستند.

114- (خداوند بدیشان) می‌گوید: جز مدت کمی (در زمین) ماندگار نبوده‌اید. اگر شما کم‌ترین آگاهی ودانش می‌داشتید (در دنیا متوجه این می‌شدید).

115- آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و (حکمت و فلسفه‌ای در آفرینش شما نیست، این است که به فساد پرداخته‌اید؟ و چنین انگاشته‌اید که) به سوی ما (برای حساب و کتاب) برگردانده نمی‌شوید.

116- خداوندی که فرمانروای راستین است و هیچ معبودی جز او نیست و صاحب عرش عظیم است، برتر از آن است (که جهان هستی را بیهوده و بی‌هدف آفریده باشد).

117- هر کس که با خدا، معبود دیگری را به فریاد خواند و مسلماً هیچ دلیلی بر حقانیت آن نخواهد داشت حساب او با خداست قطعاً کافران رستگار نمی‌گردند، (و بلکه مومنان رستگار می‌شوند).

118- بگو: پروردگارا! (گناهانم را) ببخشای و (به من مرحمت فرمای، چرا که تو بهترین مهربانانی).

﴿أَفَمَن كَانَ مُؤۡمِنٗا كَمَن كَانَ فَاسِقٗاۚ لَّا يَسۡتَوُۥنَ ١٨ أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡمَأۡوَىٰ نُزُلَۢا بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٩ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُواْ فَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَآ أُعِيدُواْ فِيهَا وَقِيلَ لَهُمۡ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢٠﴾ [السجدة: 18-20].

18- آیا کسی که مومن بوده است، همچون کسی است که فاسق بوده است؟! (نه، هرگز! این دو برابر نیستند).

19- اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، باغ‌های بهشت که جای زندگی است، از آن ایشان خواهد بود، به عنوان محل پذیرائی (خدا از ایشان) در برابر کارهائی که (در دنیا) انجام می‌داده‌اند.

20- و اما کسانی که (از فرمان خدا و اطاعت از او) بدر رفته (و راه کفر در پیش گرفته‌اند) جایگاه ایشان آتش دوزخ است. هر زمان که بخواهند از آن برد آیند. ایشان بدانجا بازگردانده می‌شوند و بدیشان گفته می‌شود: بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌پنداشتید!

﴿وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا ١ فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرٗا ٢ فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكۡرًا ٣ إِنَّ إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ ٤ رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَرَبُّ ٱلۡمَشَٰرِقِ ٥ إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِزِينَةٍ ٱلۡكَوَاكِبِ ٦ وَحِفۡظٗا مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ ٧ لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰ وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٖ ٨ دُحُورٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ وَاصِبٌ ٩ إِلَّا مَنۡ خَطِفَ ٱلۡخَطۡفَةَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ ثَاقِبٞ ١٠ فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَهُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَم مَّنۡ خَلَقۡنَآۚ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّن طِينٖ لَّازِبِۢ ١١﴾ [الصافات: 1-11].

1- قسم به آنان که (در مقام عبودیت و افقیاد) محکم صف کشیده‌اند!

2- و قسم به آنان که سخت باز می‌دارند!

3- و قسم به آنان که پیاپی (آیات خدا) را تلاوت می‌کنند!

4- قطعاً معبود شما یکی است (نه بیشتر.

5- آن کسی که خداوند آسمان‌ها و زمین و همه چیزهایی است که در میان آن دو قرار دارد. و خداوند مشرق‌ها است.

6- ما نزدیک‌ترین (به شما) را با زینت ستارگان آراسته‌ایم.

7- ما آن را از هر شیطان متمردی، کاملاً حفظ کرده‌ایم.

8- آنان نمی‌توانند به گروه والامقام (و صدرنشینان عالم را ملکوت، که فرشتگان کبارند) دزدکی گوش فرادهند (و اسرار غیب را بشنوند) چر اکه از هر سو به سویشان (تیرهای شهاب) نشانه می‌رود.

9- آنان سخت (به عقب رانده می‌شوند و از صحنه آسمان) طرد می‌گردند. و عذاب به تمام و کمالی (در دنیا) و دائمی و سرمدی (در آخرت) دارند.

10- و اما از آنان هر که با سرعت استراق سمعی کند، فوراً آذرخش سوراخ کننده (جو آسمان و بدن آن شیطان) بدنبال او روان می‌گردد (وی را می‌سوزاند و نابودش می‌گرداند).

11- (به منکران بعث و قیامت بگو و) از ایشان پرس و جو کن که آیا آفرینش (دوباره) ایشان سخت‌تر و دشوارتر است یا آفرینش (آسمان‌ها و زمین و فرشتگان و سایر) چیزهایی که آفریده‌ایم؟ ما که ایشان را از گل چسبنده ناچیزی (در؟؟؟ خلقت) آفریده‌ایم (و بر آفرینش آنان توانا بوده‌ایم لذا سهل و ساده ایشان را باز آفرینش می‌کنیم و مشکلی در این امر نمی‌بینیم).

﴿إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ٧٤ لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ وَهُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ ٧٥ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُواْ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٧٦ وَنَادَوۡاْ يَٰمَٰلِكُ لِيَقۡضِ عَلَيۡنَا رَبُّكَۖ قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ ٧٧ لَقَدۡ جِئۡنَٰكُم بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَكُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ ٧٨ أَمۡ أَبۡرَمُوٓاْ أَمۡرٗا فَإِنَّا مُبۡرِمُونَ ٧٩ أَمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّا لَا نَسۡمَعُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيۡهِمۡ يَكۡتُبُونَ ٨٠﴾ [الزخرف: 74-80].

74- بزهکارانه، جاودانه در عذاب دوزخ می‌مانند.

75- عذابشان کاسته نمی‌گردد و سبک نمی‌شود، و آنان در میان عذاب، اندوهناک و نومید و خاموش می‌ماند.

76- ما بدیشان ستم نکرده‌ایم (که آنان را بدین عذاب گرفتار ساخته‌ایم) و لیکن خودشان به خویشتن ستم کرده‌اند.

77- آنان فریاد می‌زنند: أی مالک (از فرشتگان آتش) پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند (تا بیش از این رنج نبریم و از این عذاب دردناک آسوده شدیم. او بدیشان) می‌گوید: شما (اینجا) می‌مانید (و مرگ و میر و نیستی و نابودی در کار نیست).

78- (خداوند بدیشان پیام می‌دهد که) ما حق را برای شما آوردیم (و توسط پیغمبران برایتان فرو فرستادیم) ولی اکثر شما حق را نپسندیدند و آن را دشمن داشتید.

79- بلکه، آنان تصمیم محکمی (بر توطئه قتل محمد) گرفتند و ما نیز اراده محکم و تغییر ناپذیری گرفتیم (درباره مجازات سخت و کیفر دادنشان در دنیا و آخرت).

80- آیا گمان می‌برند که ما اسرار پنهانی و سخنان در گوشی آنان را نمی‌شنویم؟! آری (ما آگاه از راز و رمز ایشان و شنوای نجوای آنان بوده و) گذشته از این فرشتگان مامور ما در کنارشان حاضر و بر اعمالشان ناظرند (همه کردار و گفتارشان را) می‌نویسند و ثبت و ضبط می‌کنند.

﴿حمٓ ١ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢ إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ٣ فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ ٤ أَمۡرٗا مِّنۡ عِندِنَآۚ إِنَّا كُنَّا مُرۡسِلِينَ ٥ رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ٧ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٨ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ يَلۡعَبُونَ ٩ فَٱرۡتَقِبۡ يَوۡمَ تَأۡتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٖ مُّبِينٖ ١٠ يَغۡشَى ٱلنَّاسَۖ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٞ ١١ رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ ١٢ أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ وَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مُّبِينٞ ١٣ ثُمَّ تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَقَالُواْ مُعَلَّمٞ مَّجۡنُونٌ ١٤ إِنَّا كَاشِفُواْ ٱلۡعَذَابِ قَلِيلًاۚ إِنَّكُمۡ عَآئِدُونَ ١٥ يَوۡمَ نَبۡطِشُ ٱلۡبَطۡشَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ١٦﴾ [الدخان: 1-16].

1- حا. میم.

2- سوگند به قرآن! که روشن و روشنگر است.

3- ما قرآن را در شب پر خیر و برکتی فرو فرستاده‌ایم. ما همواره بیم دهنده (کافران و مشرکان و ظالمان، با ارسال پیغمبر به سویشان) بوده‌ایم (و کتابی برایشان فرو فرستاده‌ایم. این قرآن هم آخرین حلقه از این سلسله است).

4- در این شب مبارک، هرگونه کار حکیمانه‌ای (که انسان را به حقیقت آشنا و به سعادت برساند، و او از باطل و شقاوت دور گرداند، از سوی خدا) بیان و مقرر گشته است.

5- کار و باری که از سوی ما صادر و بدان دستور داده شده است (و در قرآن برای انسان‌ها روانه گشته است و) ما فرستنده (محمد و همه انبیاء و قرآن و همه کتاب‌های آسمانی) بوده‌ایم.

6- (این کار) به خاطر رحمتی از سوی پروردگارت (در حق انسان‌ها) است خدا شنوا و آگاه است.

7- (پروردگار تو) که پروردگار آسمان‌ها و زمین و همه چیزهایی است که در میان آن دو است. اگر شما طالب یقین و باورید (به این که خدا آفریدگار شما روزی رسان بندگان، و به زیر فرمان کشانده خورشید و ماه است).

8- جز او خدایی نیست. و او است که زنده می‌گرداند و می‌میراند. و پروردگار شما و پروردگار پدران و نیاکان پیشین شما است.

9- اصلاً مشرکان (درباره رسالت و دعوت آسمانی) در شک و تردیدند و (آن را و کلاً زندگی را به بازی می‌گیرند).

10- منتظر روزی باش که آسمان زود آشکار را پدیدار می‌کند.

11- دودی که تمام مردم را فرا می‌گیرد، این همان عذاب دردناک عظیم است.

12- (مردم رو به درگاه خدا می‌کنند و می‌گویند:) پروردگارا! عذاب را از ما برطرف گردان، ما ایمان آورده‌ایم (و به اشتباهات خود پی برده‌ایم).

13- کی بیداری برای آنان فایده‌ای دارد؟ قبلاً که پیغمبری (یا رسالتی روشن و معجزاتی دال بر صداقتش، و زبان گویا و) بیانگر (قوانین سرنوشت ساز و سعادت بخش) به پیش آنان آمده بوده است.

14- سپس از او رویگردان شدند و گفتند: او دیوانه‌ای (است این مطلب توسط دیگران بدو) آموخته شده است.

15- اگر مدت اندکی عذاب را از شما بدور داریم (و به دنیا برگردانیم) قطعاً شما (به کفر و شرک و فسق و فجور خود) بر می‌گردید.

16- روزی سخت بر آنان می‌تازیم (و با چنین یورش تندی) آنان را به مجازات می‌رسانیم.

﴿إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ٤٣ طَعَامُ ٱلۡأَثِيمِ ٤٤ كَٱلۡمُهۡلِ يَغۡلِي فِي ٱلۡبُطُونِ ٤٥ كَغَلۡيِ ٱلۡحَمِيمِ ٤٦ خُذُوهُ فَٱعۡتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ ٤٧ ثُمَّ صُبُّواْ فَوۡقَ رَأۡسِهِۦ مِنۡ عَذَابِ ٱلۡحَمِيمِ ٤٨ ذُقۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡكَرِيمُ ٤٩ إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمۡتَرُونَ ٥٠﴾ [الدخان: 43-50].

43 و 44- قطعاً درخت زقوم، خوراک گناهکاران است.

45- همچون فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد.

46- جوششی همچون آب گرم و داغ.

47- (به ماموران دوزخ فرمان داده می‌شود:) این کافر فاجر را بگیرد و به میان دوزخ پرتابش کنید.

48- سپس بر سر او آب جوشان بریزید (تا بر عذاب او دردش افزوده گردد).

49- بچش که تو زوردار و بزرگواری!

50- این (عذابی که هم اینک می‌بینید و لمسش می‌کنید) همان چیزی است که پیوسته درباره آن شک و تردید می‌کردید.

﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٧ يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٨ وَإِذَا عَلِمَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا شَيۡ‍ًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٩ مِّن وَرَآئِهِمۡ جَهَنَّمُۖ وَلَا يُغۡنِي عَنۡهُم مَّا كَسَبُواْ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا مَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠﴾ [الجاثية: 7-10].

7- وای بر هر کسی که دروغپرداز و بدهکار باشد!

8- آن کسی که پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او خوانده می‌شود (و از وعده و وعید، بیم دادن و امید دادن، امر و نهی، و پند و اندرز، صحبت می‌دارد، اما او) پس از آن از روی تکبر (بر کفر و مخالفت با حق انعام گناه) اصرار می‌ورزد؛ انگار آیه‌های خدا را نشنیده است! (حال که چنین است) پس او را به عذاب بس دردناکی مژده بده.

9- هنگامی که چیزی از آیات ما را فرا می‌گیرد آن را به تمسخر می‌گیرد و مایه استهزاء می‌گرداند! این چنین کسانی عذاب بزرگ و خوار کننده‌ای دارند.

10- رویاروی آنان دوزخ است، آنچه (از مال وجاه دنیا) بدست آورده‌اند و کسانی که سوای خداوند بعنوان اولیاء برگزیده‌اند، اصلاً به حالشان سودی نمی‌رساند (و از دوزخ نمی‌رهاند) و عذاب بس بزرگی دارند.

﴿وَقَالَ قَرِينُهُۥ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ٢٣ أَلۡقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٖ ٢٤ مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٖ مُّرِيبٍ ٢٥ ٱلَّذِي جَعَلَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَأَلۡقِيَاهُ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلشَّدِيدِ ٢٦ ۞قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطۡغَيۡتُهُۥ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَٰلِۢ بَعِيدٖ ٢٧ قَالَ لَا تَخۡتَصِمُواْ لَدَيَّ وَقَدۡ قَدَّمۡتُ إِلَيۡكُم بِٱلۡوَعِيدِ ٢٨ مَا يُبَدَّلُ ٱلۡقَوۡلُ لَدَيَّ وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٢٩ يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ ٣٠﴾ [ق: 23-30].

23- فرشته همدم او می‌گوید، این‌ها چیزهایی است که در پیش من آماده است (و من آن‌ها را ثبت و ضبط کرده‌ام. پروردگارا! خود دانی که برابر این‌ها در حق او چکار می‌کنی).

24- (خدا به دو فرشته مامور ثبت و ضبط اعمال دستور می‌دهد:) هر کافر سرکش و کینه توزی را به دوزخ بیندازید!

25- آن کسی را که سخت از انجام کارهای نیک دست بازداشت (و دیگران را) نیز از انجام خوبی‌ها بازداشته است و متجاوز (از حدود احکام الهی) و متعدی (به حقوق دیگران) بوده است، و (در دین خود) شک داشته است (و دیگران را نیز؟؟؟ به دین) به شک انداخته است و بدبین کرده است.

26- آن کسی که با خدا، معبود دیگری را برگزیده است. پس او را به عذاب سخت (دوزخ) بیندازید.

27- (شیطانی که در دنیا پیوسته) همدم او (بوده است) می‌گوید: پروردگارا! من او را به طغیان و سرکش (از فرمان یزدان) و افراشته‌ام، بلکه او خود در گمراهی ژرف (و دور از ساحل نجاتی) بوده است.

28- خدا می‌فرماید: در پیشگاه من ستیزه مکنید. من پیش از این شما را (از این سرنوشت شوم) بیم داده بودم.

29- سخن من (مبنی بر عذاب دادن کافران و نعمت رساندن به مومنان) تغییرناپذیر است و دگرگون نمی‌شود. و من کم‌ترین ستمی به بندگان نمی‌کنم.

30- روزی به دوزخ خواهیم گفت: آیا پر شده‌ای؟ (قطعاً که پر شده‌ای و ما به وعده خود وفا کرده‌ایم). و دوزخ می‌گوید: مگر افزون بر این هم هست؟!

﴿أَكُفَّارُكُمۡ خَيۡرٞ مِّنۡ أُوْلَٰٓئِكُمۡ أَمۡ لَكُم بَرَآءَةٞ فِي ٱلزُّبُرِ ٤٣ أَمۡ يَقُولُونَ نَحۡنُ جَمِيعٞ مُّنتَصِرٞ ٤٤ سَيُهۡزَمُ ٱلۡجَمۡعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ٤٥ بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوۡعِدُهُمۡ وَٱلسَّاعَةُ أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ ٤٦ إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٖ ٤٧ يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ ٤٨ إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ٤٩ وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۢ بِٱلۡبَصَرِ ٥٠ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَآ أَشۡيَاعَكُمۡ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٥١ وَكُلُّ شَيۡءٖ فَعَلُوهُ فِي ٱلزُّبُرِ ٥٢ وَكُلُّ صَغِيرٖ وَكَبِيرٖ مُّسۡتَطَرٌ ٥٣﴾ [القمر:43-53].

43- (ای قریشیان!) آیا کافران شما بهتر از آنانی هستند که برایتان روایت کردیم، (مثل قوم نوح، عاد، ثمود، لوط، فرعون!) یا اینکه برای شما امان نامه‌ای در کتاب‌ها (از سوی خدا) نازل شده است (مبنی بر اینکه کافرانتان را عذاب نمی‌رسانیم).

44- یا اینکه می‌گویند: ما جمعیت متحد و نیرومند شکست نپاذیری هستیم و همدیگر را یاری می‌دهیم و از دشمنان خود انتقام می‌گیریم.

45- جمعیت ایشان بزودی شکست می‌خورد و پشت می‌کنند و می‌گریزند.

46- بلکه موعدشان قیامت است، و قیامت بدان آن عظیمت‌تر و تلخ‌تر (از کشتن و اسارت این جهانی برایشان) است.

47- قطعاً گناهکاران، گمراه و دیوانه و گرفتار آتشند.

48- روزی داخل آتش، بر رخساره روی زمین کشیده می‌شوند (و بدیشان گفته می‌شود:) بچشید لمس و پسوده دوزخ را.

49- ما هر چیزی را به اندازه لازم و از روی حساب ونظام آفریده‌ایم.

﴿وَإِذۡ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحۡدَى ٱلطَّآئِفَتَيۡنِ أَنَّهَا لَكُمۡ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيۡرَ ذَاتِ ٱلشَّوۡكَةِ تَكُونُ لَكُمۡ وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَيَقۡطَعَ دَابِرَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧ لِيُحِقَّ ٱلۡحَقَّ وَيُبۡطِلَ ٱلۡبَٰطِلَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٨﴾ [الأنفال: 7-8].

7- (ای مومنان! به یادآورید) آنگاه را که خداوند پیروزی بر یکی از دو دسته را به شما وعده داد (پیروزی بر کاروان تجاری قریش به سرپرستی ابوسفیان برای نجات کاروان آمده بود). شما دوست می‌داشتید دسته‌ای نصیب شما گردد که از قدرت و قوت چندانی برخوردار نیست (که کاروان بود) ولی خدا می‌خواست حق را با سخنان خود (که بیانگر اراده و قدرت یزدانند، برای مردم) ظاهر و استوار گرداند و کافران را (از سرزمین عرب با پیروزی مومنان) ریشه کن کند (لذا شما را با لشکر قریش درگیر کرد).

8- تا بدینوسیله حق را (که اسلام است) پابرجا و باطل را (که شرک است) تباه گرداند هرچند که بزهکاران (کافر و طغیانگر، آن را) نپسندند.

﴿وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا ٨١﴾ [الإسراء: 81].

81- و (مشرکان را بترسان و بدیشان) بگو: حق فرا رسیده است (که یکتاپرستی و آئین آسمانی و دادگری است) و باطل از میان رفته و نابود گشته است (که چند تا پرستی و آئین قباه و ستمگری است) اصولاً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است (و سرانجام پیروزی از آن حق و حقیقت بوده و هست).

﴿بَلۡ نَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَى ٱلۡبَٰطِلِ فَيَدۡمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٞۚ وَلَكُمُ ٱلۡوَيۡلُ مِمَّا تَصِفُونَ ١٨﴾ [الأنبياء: 18].

18- بلکه (ما چنین نمی‌خواهیم و) حق را به جان باطل می‌اندازیم، حق مغز سر باطل را از هم می‌باشد و باطل هرچه زودتر محو و نابود می‌شود، وای بر شما (ای کافران) به سبب توصیفی که می‌کنند (از بی‌هدفی جهان و از افترائی که بر خدا و فرستاده یزدان می‌بندید).

﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا ٢٣﴾ [الفرقان: 23].

23- ما به سراغ تمام اعمالی که (به ظاهر نیک بوده و در دنیا) آنان انجام داده‌اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می‌سازیم و (ایشان را از اجر و پاداش آن محروم می‌کنیم. چرا که نوشتن ایمان، موجب محو و نابودی احسان، و بی‌اعتبار شدن اعمال خوب انسان می‌گردد).

﴿قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ٤٨ قُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَمَا يُبۡدِئُ ٱلۡبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ ٤٩﴾ [سبأ: 48-49].

48- بگو: پروردگار من، حق را آشکارا بیان می‌دارد (و با آن باطل را از میان بر می‌دارد... او) دانای به غیب و کاملاً آگاه از پنهانی‌ها است.

49- بگو: حق به میان آمد باطل (در پرتو نور حق، اثری از آن نماند و مرده و لذا) نه کار تازه‌ای را می‌تواند انجام دهد، و نه کار گذشته‌ای را می‌تواند از سر گیرد.

50- (نه تنها اعمال ما از روی حکمت است، بلکه توام با نهایت قدرت است چرا که) فرمان فرمانی پیش نیست و (و چنان با سرعت انجام می‌گیرد که انگار همان با یک جشم بر هم زدن و) همانند یک نگاه سریع باعجله است.

51- ما اشخاص همچون شما را (در روزگاران پیشین) نابود و هلاک ساخته‌ایم. آیا پند پذیرنده عبرت گیرنده‌ای هست؟!

52- هر کاری را کرده‌اید، در کتاب‌ها و نامه‌های اعمال (با دست فرشتگان مامور ثبت و ضبط و) موجود است.

53- هر کار کوچک و بزرگی (که در دنیا کرده‌اند، در دفاتر مخصوص) نوشته شده است.

﴿وَلَقَدۡ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَجَعَلۡنَٰهَا رُجُومٗا لِّلشَّيَٰطِينِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابَ ٱلسَّعِيرِ ٥ وَلِلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٦ إِذَآ أُلۡقُواْ فِيهَا سَمِعُواْ لَهَا شَهِيقٗا وَهِيَ تَفُورُ ٧ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۖ كُلَّمَآ أُلۡقِيَ فِيهَا فَوۡجٞ سَأَلَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَذِيرٞ ٨ قَالُواْ بَلَىٰ قَدۡ جَآءَنَا نَذِيرٞ فَكَذَّبۡنَا وَقُلۡنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ كَبِيرٖ ٩ وَقَالُواْ لَوۡ كُنَّا نَسۡمَعُ أَوۡ نَعۡقِلُ مَا كُنَّا فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ١٠ فَٱعۡتَرَفُواْ بِذَنۢبِهِمۡ فَسُحۡقٗا لِّأَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ١١﴾ [الملك: 5-11].

5- ما آسمان نزدیک (به شما) را با چراغ‌هایی (به نام ستارگان) آراسته‌ایم، و آن‌ها را وسیله راندن اهریمنان ساخته‌ایم، و برای ایشان عذاب آتش سوزانی را آماده کرده‌ایم.

6- کسانی که به پروردگار خود ایمان نداشته باشند. عذاب دوزخ دارند، و چه بدجایگاهی است!

7- هر زمان که به دوزخ انداخته شدند، تندر می‌زند و غرش از آن می‌شنوند.

8- دوزخ از شدت خشم (برایشان) نزدیک است بترکد و پاره پاره شود. هر زمانی که گروهی بدان انداخته می‌شوند، دوزخبانان از آنان می‌پرسند آیا پیغمبر بیم دهنده‌ای به میان شما نیامده است (تا شما را از چنین روزی و وضعی بترساند؟!)

9- می‌گویند آری! پیغمبران بیم دهنده‌ای به میان ما آمدند و ما دوغگویشان نامیدیم و گفتیم: خداوند بهیچوجه چیزی را (به نام وحی، برای کسی) نفرستاده است، و شما دچار گمراهی بزرگی هستید.

10- و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا می‌داشتیم، و یا عقل خود را بکار می‌گرفتیم، هرگز از زمره دوزخیان نمی‌گشتیم.

11- اینجا است که به گناه خود اعتراف می‌کنند. پس دوری (از رحمت خدا) بعمره دوزخیان باد!

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۗ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثٗا ٨٧﴾ [النساء: 87].

87- جز خدا، خدایی نیست، حتماً شما را (بعد از مرگ زنده می‌گرداند و) در روزی که شکی در (وقوع) آن نیست گرد می‌آورد (خداست که این را می‌گوید) و چه کسی از خدا راستگوتر است؟!

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمّٗىۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٦٠﴾ [الأنعام: 60].

60- خدا است که در شب شما را می‌میراند و در روز شما را بر میانگیزاند و او می‌داند که در روز (که زمان عمده جنب و جوش و تلاش و کوشش است) چه می‌کنید و چه فراچنگ می‌آورید (و این مرگ و زندگی خواب و بیداری نام، پیوسته ادامه دارد) تا مهلت معین (زندگی هر کس با فرا رسیدن مرگ او) بسر آید سپس (در روز رستاخیز همگان) به سوی خدا بر می‌گردید و آنگاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنیا) می‌کردید با خبر می‌گرداند (و پاداش اعمال را به صاحبان آن‌ها می‌رساند).

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٥٠ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٥١﴾ [الأنفال: 50-51].

50- اگر ببینی (ای پیغمبر! هول و هراس و عذاب و عقابی را که به کافران دست می‌دهد) بدانگاه که فرشتگان جان کافران را می‌گیرند و سر و صورت و پشت و روی آنان را (از هر سو) می‌زنند و (بدیشان می‌گویند:) عذاب سوزان (اعمال بد خود) را بچشید، (از مشاهده این همه درد و رنج و ترس و خوف دچار شگفت خواهی شد و به حال آنان تاسف خواهی خورد).

51- این به خاطر کارهایی است که از پیش می‌کرده‌اید و می‌فرستاده‌اید و خداوند به بندگان هرگز کم‌ترین ستمی روا نمی‌دارد.

﴿۞قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ١١﴾ [السجدة:11].

11- بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است. به سراغتان می‌آید و جان شما را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.

﴿وَلِكُلّٖ وِجۡهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَاۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٤٨﴾ [البقرة: 148].

..... أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٤٨

هرجا که باشید خدا همگی شما را گرد می‌آورد خدا بر هر چیزی توانا است.

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۗ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثٗا ٨٧﴾ [النساء: 87].

87- جز خدا خدایی نیست، حتماً شما را بعد (بعد از مرگ زنده می‌گرداند و) در روزی که شکی در (وقوع) آن نیست گرد می‌آورید. (خدا است که این را می‌گوید) چه کسی از خدا راستگوتر است؟!

﴿۞وَتَرَكۡنَا بَعۡضَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ يَمُوجُ فِي بَعۡضٖۖ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَجَمَعۡنَٰهُمۡ جَمۡعٗا ٩٩﴾ [الكهف: 99].

99- در آن روز (که جهان پایان می‌گردد و وعده آخرت فرا می‌رسد). ما آنان را رها می‌سازیم تا برخی در برخی (فرو روند و در همدیگر) موج زنند، و (آنگاه برای دومین بار) در صور دمیده می‌شود و ما ایشان را بگونه شگفتی (برای حسا ب و کتاب در یکجا) گرد می‌آوریم.

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحۡشُرَنَّهُمۡ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ لَنُحۡضِرَنَّهُمۡ حَوۡلَ جَهَنَّمَ جِثِيّٗا ٦٨ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمۡ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا ٦٩ ثُمَّ لَنَحۡنُ أَعۡلَمُ بِٱلَّذِينَ هُمۡ أَوۡلَىٰ بِهَا صِلِيّٗا ٧٠ وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا ٧١ ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيّٗا ٧٢﴾ [مريم: 68-72].

68- سوگند به پروردگارت، هر آینه کافران را همراه با شیاطین گرد می‌آوریم و پس ایشان را گرداگرد دوزخ به زانو در افتاد و ذلیلانه حاضر می‌سازیم.

69- سپس از میان هر گروهی افرادی را بیرون می‌کشیم (و پیش از دیگران به دوزخ می‌اندازیم) که سرکش تر از همه در برابر خداوند مهربان بوده‌اند.

70- بعد از آن ما از کسانی که برای سوختن در آتش اولویت دارند، به خوبی آگاهیم (و دقیقاً افراد گستاخ را انتخاب می‌کنیم و در این گزینش هیچگونه اشتباهی رخ نخواهد داد).

71- همه شما (انسان‌ها بدون استثناء) وارد دوزخ می‌شوید (مومنان برای عبود و دیدن کافران برای دخول ماندن). این امر حتمی و فرمانی است قطعی از پروردگارتان.

72- سپس پرهیزگاران را نجات می‌دهیم، و ستمگران را ذلیلانه در آن رها می‌سازیم.

﴿إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣٠ أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ٣١﴾ [النمل: 30-31].

30- این نامه از سوی سلیمان آمده است و (سرآغاز) آن چنین است: به نام خداوند بخشنده مهربان

31- برای این (نامه را فرستاده‌ام) تا برتری جویی در برابر من نکنید و تسلیم شده به سوی من آئید.

﴿يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ ١٦﴾ [لقمان: 16].

16- پسر عزیزم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (عمل نیک یا بد انجام گرفته) باشد در دل سنگی، یا در آسمان‌ها، و یا اینکه در میان زمین باشد، خدا آن را حاضر می‌آورد (و به حساب و کتاب آن رسیدگی می‌کند). چرا که خداوند بس دقیق و آگاه است.

﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ٣١ وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ٣٢﴾ [يس: 31-32].

31- مگر نمی‌دانند که در روزگاران پیش از ایشان چه ملت‌های فراوانی را (به گناهانشان گرفته‌ایم و) نابودشان نموده‌ایم، که هرگز به سوییشان باز نمی‌گردند (و دیگر به دنیا گام نمی‌گذارند؟!)

32- همه آنان (بدون استثناء در روز قیامت) نزد ما گرد می‌آیند و حاضر می‌گردند.

﴿وَقَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا هَٰذَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ٢٠ هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢١ ۞ٱحۡشُرُواْ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَأَزۡوَٰجَهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٢٢ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَٱهۡدُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡجَحِيمِ ٢٣ وَقِفُوهُمۡۖ إِنَّهُم مَّسۡ‍ُٔولُونَ ٢٤ مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ ٢٥ بَلۡ هُمُ ٱلۡيَوۡمَ مُسۡتَسۡلِمُونَ ٢٦﴾ [الصافات: 20-26].

20- و خواهند گفت: ای وای بر ما! این، روز جزا است؟

21- (و بدیشان پاسخ داده می‌شود:) این روز داوری و حسابرسی است. همان روزی که در دنیا دروغش می‌نامیدید.

22- (ای فرشتگان من!) کسانی را که (با کفر و زندقه) به خود ستم کرده‌اند همراه با همسفران (کفر پیشه) آنان به همراه آنچه می‌پرستیده‌اید، جمع آوری کنید.

23- غیر از خدا (هرچه را پرستش می‌کرده‌اید، همه را یکجا گرد آورید و) آنگاه آنان را به راه دوزخ راهنمایی کنید (تا بدان در آیند).

24- آنان را نگاه دارید که باید بازپرسی شوند (و از عقائد و اعمالشان پرسیده شود).

25- (ای مشرکان!) شما چرا همدیگر را یاری نمی‌دهد (و در نجات هم نمی‌کوشید؟)

26- بلکه آنان امروز کاملاً مطیع و تسلیمند.

﴿وَجَعَلُواْ بَيۡنَهُۥ وَبَيۡنَ ٱلۡجِنَّةِ نَسَبٗاۚ وَلَقَدۡ عَلِمَتِ ٱلۡجِنَّةُ إِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ١٥٨﴾ [الصافات:158].

158- آنان معقتد به خویشاوندی و نزدیکی میان خدا و جنیان هستند. در صورتی که جنیان می‌دانند که مشرکان (و هم خودشان اگر شرک بورزند، در میان دوزخ) حاضر آورده می‌شوند.

﴿وَقَالُواْ لِجُلُودِهِمۡ لِمَ شَهِدتُّمۡ عَلَيۡنَاۖ قَالُوٓاْ أَنطَقَنَا ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنطَقَ كُلَّ شَيۡءٖۚ وَهُوَ خَلَقَكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢١﴾ [فصلت: 21].

21- آنان به پوست‌های خود می‌گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ پاسخ می‌دهند: خداوندی ما را به گفتار در آورده است که همه چیز را گویا نموده است، و همو در آغاز شما را (از عدم) آفریده است و (در پایان زندگی بعد از ممات، دوباره جامه حیات به تنتان کرده و برای حساب و کتاب) به سوی او برگردانده شده‌اید.

﴿فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ مِّثۡلَ مَآ أَنَّكُمۡ تَنطِقُونَ ٢٣﴾ [الذاريات: 23].

23- به خدای آسمان و زمین سوگند که این (مطلب، یعنی وقوع رستاخیز حساب و کتاب، جزا و سزا، بهشت برای دینداران و دوزخ برای بی‌دینان) حق است، درست همانگونه که شما سخن می‌گوئید (و سخن گفتن کاملاً برایتان محسوس و درباره آن شک و تردیدی ندارید).

﴿هَٰذَا يَوۡمُ لَا يَنطِقُونَ ٣٥ وَلَا يُؤۡذَنُ لَهُمۡ فَيَعۡتَذِرُونَ ٣٦﴾ [المرسلات: 35-36].

35- امروز، روزی است که (تکذیب کنندگان آیات الهی، دم نمی‌زنند و) سخن نمی‌گویند (چرا که خداوند بر دهنشان مهر سکوت می‌نهد).

36- و بدیشان اجازه داده نمی‌شود تا پوزش بطلبند و عذرخواهی بکنند.

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٞ مَّا هُمۡ فِيهِ وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٣٩﴾ [الأعراف: 139].

139- اینان (را که می‌بینید به بت پرستی مشغولند) کارشان (مایه) هلاک و نابودی (خودشان و معبودهایشان) است و آنچه می‌سازند و می‌کنند پوچ و نادرست است.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗاۖ فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخۡتِمۡ عَلَىٰ قَلۡبِكَۗ وَيَمۡحُ ٱللَّهُ ٱلۡبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٢٤﴾ [الشورى: 24].

24- آیا می‌گویند: (محمد) بر خدا دروغ و افتراء بسته است و (خدا بدو چیزی وحی نکرده است و زائیده اندیشه خود را به او نسبت داده است؟) اگر خدا بخواهد بر تو مهر می‌نهد (و قدرت حفظ آیات خود را از تو می‌گیرد). خداوند با سخنان (قرآنی) خود باطل را از میان برمی دارد و حق را پابرجا می‌دارد مسلماً او بسیار آگاه از همه چیزهایی است که در درون سینه‌ها است.

﴿إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ١ وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا ٢ وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا ٣ يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا ٤ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوۡحَىٰ لَهَا ٥ يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٦ فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ٨﴾ [الزلزلة:1-8].

1- هنگامی که زمین سخت به لرزه در انداخته می‌شود.

2- و زمین (از هم می‌شکافد و گدازه‌های درونی و دفینه‌ها و مرده‌ها، و همه) سنگینی‌ها و بارهای خود بیرون می‌اندازد (و بگونه دیگری در می‌آید).

3- و انسان می‌گوید: زمین را چه شده است؟

4- در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای خود را بازگو می‌کند (و به زمان قال یا حال خواهد گفت که چیزهایی بر آن گذشته است).

5- (این احوال و اقوال زمین) بدان سبب است که پروردگار تو بدو پیام می‌دهد (که چه بشود و چه بگوید).

6- در آن روز مردمان (از گورهای خود) دسته دسته و پراکنده بیرون می‌آیند (و رهسپار صحرای محشر می‌شوند) تا کارهایشان بدیشان نموده شود و (نتیجه اعمالشان را ببینند).

7- پس هر کس به اندازه ذره غباری کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و پاداشش را خواهد گرفت).

8- و هر کسی به اندازه ذره غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید).

﴿قُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ مِنۡهَا جَمِيعٗاۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٣٨﴾ [البقرة: 38].

38- گفتیم: همگی از آنجا (به زمین) فرود آئید و چنانچه هدایتی از طرف من برای شما آمد (که حتماً خواهد آمد) کسانی که از من پیروی کنند، نه ترس بر آنان خواهد بود و نه غمگین خواهند شد.

﴿وَإِذۡ قَتَلۡتُمۡ نَفۡسٗا فَٱدَّٰرَٰٔتُمۡ فِيهَاۖ وَٱللَّهُ مُخۡرِجٞ مَّا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ ٧٢﴾ [البقرة: 72].

72- به یاد (بیاورید) آنگاه را که کسی را کشتید و درباره آن به نزاع برخاستید و یکدیگر را بدان متهم کردید، و خدا حقیقت امر را می‌دانست و آنچه را که پنهان می‌کردید، آشکار و نمایان می‌نمود.

﴿قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ٣٤ وَإِنَّ عَلَيۡكَ ٱللَّعۡنَةَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٣٥﴾ [الحجر:34-35].

34- (خدا) گفت: (چون از فرمان سرپیچی کردی) پس از بهشت بیرون شو، چرا که تو (از زحمت من) مطرود (و از منزلت کرامت رانده) هستی.

35- و تا روز جزا (که در آن تو پیروان تو به عذاب سرمدی من گرفتار می‌آئید) بر تو نفرین باد.

﴿وَجَآءَ رَجُلٞ مِّنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ ٱلۡمَلَأَ يَأۡتَمِرُونَ بِكَ لِيَقۡتُلُوكَ فَٱخۡرُجۡ إِنِّي لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ٢٠﴾ [القصص: 20].

20- (وقتی که خبر کشته شدن قبطی پراکنده شد) مردی (که از خانواده فرعون بود ایمان آورده بود از نقطه دوردست شهر شتابان آمد و گفت: ای موسی! درباریان و بزرگان قوم برای کشتن تو به رایزنی نشسته‌اند، پس (هرچه زودتر از شهر) بیرون برو. مسلماً من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم.

﴿وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مَخۡرَجٗا ٢ وَيَرۡزُقۡهُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُۚ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَٰلِغُ أَمۡرِهِۦۚ قَدۡ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَيۡءٖ قَدۡرٗا ٣﴾ [الطلاق: 2-3].

2- هر کس هم از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خدا راه نجات (از هر تنگنائی) را برای او فراهم می‌سازد.

3- و به او از جایی که تصورش نمی‌کند روزی می‌رساند. هر کس بر خداوند توکل کند (و کار و بار خود را بدو واگذارد) خدا او را بسنده است، خداوند فرمان خویش را به انجام می‌رساند هرچه را بخواهد بدان دسترسی پیدا می‌کند. خدا برای هر چیزی زمان و اندازه‌ای را قرار داده است.

﴿فَخَرَجَ مِنۡهَا خَآئِفٗا يَتَرَقَّبُۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢١﴾ [القصص: 21].

21- موسی از شهر خارج شده در حالی که ترسان و چشم به راه بود (که هر لحظه حادثه‌ای رخ دهد و فرعونیان او را دستگیر کنند. خدا را به فریاد خواند و) گفت: پروردگارا! مرا از مردمان ستمگر رهائی بخش.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسۡتَحۡيِۦٓ أَن يَضۡرِبَ مَثَلٗا مَّا بَعُوضَةٗ فَمَا فَوۡقَهَاۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا وَيَهۡدِي بِهِۦ كَثِيرٗاۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٦﴾ [البقرة: 26].

26- خداوند شرم ندارد از اینکه مثال بزند به (کوچکترین موجودات) پشه‌ای یا کم‌تر از آن. کسانی که اهل ایمانند می‌دانند (هدف از این تمتیل چیست و) این صحیح و درست است و از جانب خدایشان می‌باشد. و اما کسانی که راه کفر و انکار برگزیده‌اند، می‌گویند: خواست خدا از این مثل چیست؟ (باید بدانند) خدا با بیان این نوع مثل، بسیاری را سرگردان و ویران می‌سازد، و بس را (به سوی حق) راهنمائی می‌نماید. و اما خدا جز کجروان و منحرفان را با آن گمراه و حیران نمی‌گرداند.

﴿وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ إِنَّ ءَايَةَ مُلۡكِهِۦٓ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَبَقِيَّةٞ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ تَحۡمِلُهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٢٤٨﴾ [البقرة: 248].

248- و پیغمبرشان به آنان گفت: نشانه حکومت او این است که صندوق (عهد) به سوی شما خواهد آمد (همان صندوق عهدی که دلگرمی و) آرامش از سوی پروردگارتان و یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن است، و فرشتگان آن را حمل می‌کند، در این کار بی‌گمان نشانه‌ای بر شما است (و چنین رهنمودی شما را بر آن می‌دارد که) اگر مومن هستید و (بدو بگروید و بدنبال حق روان شوید).

﴿وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٥٠﴾ [البقرة: 250].

250- و هنگامی که در برابر حالات و سپاهیان او قرار گرفتند (و لشکریان فراوان و ساز و برگ مجهز جنگی ایشان را دیدند، به آفریدگار خویش پناه بردند و) گفتند: پروردگارا! (بر دل‌هایمان آب) صبر و شکیبایی بریز و گاه کام‌هایمان را ثابت و استوار بدار ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثۡبِيتٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ كَمَثَلِ جَنَّةِۢ بِرَبۡوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٞ فَ‍َٔاتَتۡ أُكُلَهَا ضِعۡفَيۡنِ فَإِن لَّمۡ يُصِبۡهَا وَابِلٞ فَطَلّٞۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٦٥﴾ [البقرة: 265].

265- مثل کسانی که دارائی خود را برای خوشنودی خدا و استوار کردن جان‌ها خود (بر ایمان و احسان) صرف می‌کنند. همچون مثل باغی است که روی پشه‌ای باشد (و از هوای آزاد و نور آفتاب به حد کافی بهره گیرد) و باران شدیدی بر آن ببارد و در نتیجه چندین برابر میوه دهد، و اگر هم باران شدیدی بر آن نبارد، باران خفیفی بر آن ببارد (به سبب خاک خوب و آفتاب مناسب و هوای آزاد، باز هم ببار نشیند) و آنچه را انجام می‌دهید خدا می‌بیند.

﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦۗ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ١٢٦﴾ [آل عمران: 126].

126- و خداوند آن (یاری با فرشتگان) را جزء مژده ای برای (پیروزی) شما ساخت، و برای آن کرد که دل‌های شما بدان آرام گیرد، و پیروزی جز از جانب خداوند توانای دانا نیست.

﴿۞وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِي ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣﴾ [الأنعام: 13].

13- و از آن اوست آنچه در شب و روز قرار دارد (یعنی همانگونه که هرچه در هر مکانی است از آن خدا است، هرچه در هر زمانی هم که باشد متعلق بدو است) و از شنوا و آگاه (از همه موجودات) است.

﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ وَلِتَطۡمَئِنَّ بِهِۦ قُلُوبُكُمۡۚ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ١٠ إِذۡ يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ أَمَنَةٗ مِّنۡهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ لِّيُطَهِّرَكُم بِهِۦ وَيُذۡهِبَ عَنكُمۡ رِجۡزَ ٱلشَّيۡطَٰنِ وَلِيَرۡبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمۡ وَيُثَبِّتَ بِهِ ٱلۡأَقۡدَامَ ١١﴾ [الأنفال:10-11].

10- خداوند این (امداد، فرشتگان) را تنها برای مژده دادن (پیروزی) به شما و آرامش پیدا کردن دل شما بدان کرد وگرنه پیروزی جز از سوی خدا نیست (و اراده و مشیت او بالاتر از همه این اسباب ظاهری و باطنی است). بی‌گمان خداوند (بر هر کاری) توانا (و کارهایش) از روی حکمت است.

11- (ای مومنان! به یاد آورید) زمانی را که (از دشمنان و کم آبی به هراس افتادید و خداوند) خواب سبکی بر شما افکند تا مایه آرامش و امنیت (روح و جسم شما) از ناحیه خدا گردد و از آسمان آب بر شما باراند تا بدان شما را (از پلیدی جسمانی) پاکیزه دارد و کثافت (وسوسه‌های) شیطانی را از شما به دور سازد، و (با این نعمت) دل‌هایتان را ثابت (و به یاری خدا واتق نماید، و گام‌ها را (در شنزارهای بدر) استوار دارد (و روحیه شما را تقویت و بر میزان استقامت شما بیفزاید).

﴿وَكُلّٗا نَّقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِۦ فُؤَادَكَۚ وَجَآءَكَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَقُّ وَمَوۡعِظَةٞ وَذِكۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ١٢٠﴾ [هود: 120].

120- این همه از اخبار پیغمبران بر تو فرو می‌خوانیم، کلاً برای این است که بدان دلت را بر جای استوار بداریم (و در برابر مشکلات تبلیغ رسالت، آن را تقویت نمائیم). برای تو در ضمن این (سوره اخبار مذکور در آن، بیان) حق آمده است (همان حقی که پیغمبران دیگران را بدان می‌خواندند) و برای مومنان پند و یادآوری مهمی ذکر شده است (که می‌تواند همچون ایمانداران پیشین از آن سودجویند و راه سعادت پویند).

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨﴾ [الرعد:28].

28- آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرند (و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای یزدان اطمینان پیدا می‌کنند).

﴿أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا كَلِمَةٗ طَيِّبَةٗ كَشَجَرَةٖ طَيِّبَةٍ أَصۡلُهَا ثَابِتٞ وَفَرۡعُهَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٢٤﴾ [إبراهيم: 24].

24- بنگر که خدا چگونه مثل می‌زند: سخن خوب به درخت خوبی می‌ماند که تنه آن (در زمین) استوار و شاخه‌هایش در فضا (پراکنده) باشد.

﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَۚ وَيَفۡعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ٢٧﴾ [إبراهيم: 27].

27- خداوند مومنان را به خاطر گفتار استوار (و عقیده پایدارشان) هم در این جهان (در برابر رزق و برق مادیات و بیم هراس مشکلات محفوظ و مصون می‌نماید) هم در آن جهان (ایشان را در نعمت‌های فراوان وعطایای بی‌پایان، جاویدان و) ماندگار می‌دارد، و کافران را (در دنیا و آخرت) گمراه و سرگشته می‌سازد، و خداوند هرچه بخواهد انجام می‌دهد.

﴿قُلۡ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلۡقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّ لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ١٠٢﴾ [النحل: 102].

102- بگو: قرآن را جبرئیل از سوی پروردگارت به حق نازل کرده است تا مومنان را (در مسیر خود) ثابت قدم گرداند و هدایت و بشارت برای مسلمانان باشد.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلۡقُرۡءَانُ جُمۡلَةٗ وَٰحِدَةٗۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا ٣٢﴾ [الفرقان: 32].

32- کافران می‌گویند: چرا قرآن یکجا نازل نمی‌شود؟ (و چرا آیات آن تدریجاً با فواصل مختلف زمانی نازل می‌گردد؟) همین گونه (ما قرآن را به صورت آیات جداگانه و بخش بخش می‌فرستیم) تا دل تو را (با انس بدان و حفظ آن) پابرجا و استوار بداریم، و آن را قسمت به قسمت و آرام آرام (توسط جبریل، بر تو) فرد می‌خوانیم (تا آن را به دقت بیاموزی و کم کم به خاطر سپاری).

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ ٧﴾ [محمد: 7].

7- ای مومنان اگر (دین) خدا را یاری کنید خدا شما را یاری می‌کند (و بر دشمنانتان پیروز می‌گرداند) و گام‌هایتان را استوار می‌دارد (و کار و بارتان را استقرار می‌بخشد).

﴿وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا أَعۡجَمِيّٗا لَّقَالُواْ لَوۡلَا فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥٓۖ ءَا۬عۡجَمِيّٞ وَعَرَبِيّٞۗ قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞۚ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٞ وَهُوَ عَلَيۡهِمۡ عَمًىۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُنَادَوۡنَ مِن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ٤٤ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَٱخۡتُلِفَ فِيهِۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ٤٥ مَّنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٤٦﴾ [فصلت: 44-46].

44- چنانکه قرآن را به زبانی جز زبان عربی فرو می‌فرستادیم حتماً می‌گفتند: اگر آیات آن (به عربی) توضیح و تبین می‌گردید (چه می‌شد؟ در این صورت ما آن را روشن و گویا فهم می‌کردیم، می‌گفتند:) آیا (کتاب) غیرعربی و (پیغمبر) عربی؟ بگو: قرآن برای مومنان مایه راهنمایی و بهبودی است. (ایشان را از راه‌های گمراهی و سرگشتگی می‌رهاند، و از بیماری‌ها شک و گمان نجات می‌بخشد) و اما برای غیر مومنان، کری گوش‌ها ایشان و کوری (چشمان) آنان است. (انگار) آنان کسانیند که از دور صدا زده می‌شوند.

45- ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم و در آن (از طرف بنی اسرائیل) اختلاف گردید (و دسته دسته و پراکنده شدند. این هم سنت همیشگی در میان همه ادیان و اقوام است. قوم تو نیز از این قاعده مستثنی نیست) اگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود (که عذاب کافران و مجازات شدید مبطلان تا روز رستاخیز به تاخیر انداخته شود) در میان (قوم تو نیز با نابودگران کافران و برجای داشتن مومنان) ایشان؟؟؟ می‌گردید. چرا که آنان درباره قرآن به شک و تردید شگفتی گرفتار آمده‌اند (و از حقیقت فرسنگ‌ها به دور افتاده‌اند).

46- هر کسی که کار نیک بکند به نفع خود می‌کند، و هر کسی که کار بد بکند به زیان خود می‌کند، و پروردگار تو کم‌ترین ستمی به بندگان نمی‌کند.

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يَمۡسَسۡكَ بِخَيۡرٖ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧ وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ١٨﴾ [الأنعام: 17-18].

17- اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچکس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد، و اگر خیری به تو برساند (هیچکس نمی‌تواند از آن جلوگیری کند)، چرا که او بر هر چیزی توانا است.

18- او بر سر بندگان خود مسلط است و او حکیم (است و کارهایش را از روی حکمت انجام می‌دهد، و از احوال و اوضاع) بس آگاه است.

﴿قَٰتِلُوهُمۡ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ بِأَيۡدِيكُمۡ وَيُخۡزِهِمۡ وَيَنصُرۡكُمۡ عَلَيۡهِمۡ وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ ١٤ وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٥﴾ [التوبة:14-15].

14- (ای مومنان!) با آنان کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و خوارشان داردو شما را برایشان پیروز گرداند و (با فتح و پیروزی مومنان بر کافران) سینه‌های اهل ایمان را شفا بخشد (و بر دل‌های زخمی ایشان مرهم نهد و درد دیرینه اذیت و آزار کفار را از درون آنان بزداید.)

15- و کینه را از دل‌هایشان بردارد (و شادی پیروزی جایگزین آن گرداند، همه باید بدانید که) خداوند توبه هر کسی را بخواهد (و شایسته‌اش بداند) می‌پذیرد (و لذا کافران می‌توانند تا دیر نشده است از کفر دست بکشند و به سوی خدا برگرداند و اسلام بپذیرند). خداوند آگاه (از کار و بار بندگان، و در قانونگذاری‌ها) دارای حکمت فراوان است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٧﴾ [يونس: 57].

57- مردمان از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی (جهت رهنمود زندگی) و درمانی برای چیزهایی که در سینه‌ها است (همچون کفر و نفاق و کینه و ستم و دشمنی با حق و حقیقت) آمده است (که قرآن نام دارد) و هدایت و رحمت برای مومنان است.

﴿وَأَوۡحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحۡلِ أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعۡرِشُونَ ٦٨ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗاۚ يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٦٩﴾ [النحل: 68-69].

68- پروردگارت به زنبوران عسل (راه زندگی و طرز معیشت را) الهام کرد (و بدانگونه که تنها خود می‌داند به دلشان انداخت) که از کوه‌ها و درخت‌ها و داربست‌هایی که مردمان می‌سازند، خانه‌هایی برگزینند.

69- پس (ما به آن‌ها الهام کردیم که) از همه میوه‌ها بخورید و راه‌هایی را بپیمائید که خدا برای شما تعیین کرده است و کاملاً (دقیق و) در اختیارند. از درون زنبور عسل، مایعی بیرون می‌تراود که رنگ‌های مختلفی دارد. در این (مایع رنگارنگ) بهبودی مردمان نهفته است. بی‌گمان در این (برنامه‌ی زندگی زنبوران عسل و ارمغانی که آن‌ها به انسان‌ها تقدیم می‌دارند که هم غذا و هم شفا است) نشانه روشنی (از عظمت و قدرت پروردگار) است برای کسانی که (درباره‌ی پدیده‌ها) می‌اندیشند (و رازها و رمزهای زندگی آفریدگان از جمله جانوران را پیش چشم می‌دارند).

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ٨٢﴾ [الإسراء: 82].

82- (حق چگونه نیرومند و پیروز نمی‌گردد؟ وقتی که) ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه‌ی بهبودی (دل‌ها از بیماری‌های نادانی و گمراهی و پاکسازی درون‌ها از کثافات هوی و هوس و تنگ چشمی و آزمندی و تباهی) و رحمت مومنان (به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پرخیر و برکت یزدان) است ولی بر ستمگران (کافر به سبب ستیز با نور حق و داشتن روح طغیان جز زیان نمی‌افزاید.

﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ٨٠﴾ [الشعراء: 80].

80- و هنگامی که بیمار شوم او است که مرا شفا می‌دهد.

﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢﴾ [النمل: 62].

62- (آیا بت‌ها بهترند) یا کسیکه به فریاد درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هرگاه او را به کمک طلبد و شما (انسان‌ها) را (برابر قانون حیات دائماً به طور متناوب) جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد (و هر دم اقدامی را بر این کره‌ی خاکی مسلط و مستقر می‌گرداند. حال با توجه به این امور) آیا معبودی با خدا است؟ واقعاً شما بسیار کم اندرز می‌گیرید.

﴿مَّا يَفۡتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحۡمَةٖ فَلَا مُمۡسِكَ لَهَاۖ وَمَا يُمۡسِكۡ فَلَا مُرۡسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢﴾ [فاطر: 2].

2- خداوند (در قرائن) هر رحمتی را برای مردم بگشاید. کسی نمی‌تواند (آن را ببندد و) از آن جلوگیری نماید. و خداوند هر چیزی را که باز دارد و از آن جلوگیری کند، کسی جز او نمی‌تواند آن را رها و روان سازد و او توانا و کار بجا است (لذا نه در کاری در می‌ماند و نه کاری را بدون فلسفه انجام می‌دهد).

﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٣٩﴾ [آل عمران: 139].

139- و (از جهاد در راه خدا به سبب آنچه بر سرتان می‌آید) سست و زبون نشوید و (برای کشتگان) غمگین و افسرده نگردید و شما (با تاییدات خداونید و قوه‌ی ایمان راستین و نیروی حقی که از آن دفاع می‌کنید) برتر (از دیگران) هستید (و پیروزی و بهروزی از آن شما است) اگر که براستی مومن باشید (و بر ایمان دوام داشته باشید).

﴿ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنۢ بَعۡدِ ٱلۡغَمِّ أَمَنَةٗ نُّعَاسٗا يَغۡشَىٰ طَآئِفَةٗ مِّنكُمۡۖ وَطَآئِفَةٞ قَدۡ أَهَمَّتۡهُمۡ أَنفُسُهُمۡ يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ ظَنَّ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ مِن شَيۡءٖۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡأَمۡرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِۗ يُخۡفُونَ فِيٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبۡدُونَ لَكَۖ يَقُولُونَ لَوۡ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٞ مَّا قُتِلۡنَا هَٰهُنَاۗ قُل لَّوۡ كُنتُمۡ فِي بُيُوتِكُمۡ لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَتۡلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمۡۖ وَلِيَبۡتَلِيَ ٱللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمۡ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ١٥٤﴾ [آل عمران: 154].

154- سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی بگونه‌ی خراب سبکی بر شما چیره کرد که گروهی از (مومنان راستین) شما را فراگرفت، و گروه دیگری تنها در بند خود بودند و درباره‌ی خدا پندارهای نادرستی چون پندارهای زمان جاهلیت داشتند (و بر سبیل انکار) می‌گفتند آیا چیزی از کار (پیروزی و نصرتی که پیغمبر به ما وعده داده بود) نصیب ما می‌شود؟ بگو همه‌ی کارها (اعم از پیروزی و شکست) در دست خدا است. (آنان در حین گفتن این سخن) در دل خود چیزهایی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند (به خود) می‌گویند: اگر کار به دست ما بود (و یا اگر برابر وعده‌ی محمد، سهمی از پیروزی داشتیم) در اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو اگر (برای جنگ بیرون نمی‌آمدید و) در خانه‌های خود هم بودید، آنان که کشته شدن در سرنوشتشان بود به قتلگاه خود می‌آمدند و (در مسلخ مرگ کشته می‌شدند. آنچه خدا خواست بنا به مصلحتی که خود می‌دانست - در جنگ احد شد) تا خداوند آنچه را که در سینه‌ها دارید بیازماید و تا آنچه را که در دل‌ها دارید خالص و سره گرداند و خداوند بدانچه در سینه‌ها (از اسرار و رازها) است آگاه است.

﴿فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِۖ وَمَن يُرِدۡ أَن يُضِلَّهُۥ يَجۡعَلۡ صَدۡرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجٗا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِۚ كَذَٰلِكَ يَجۡعَلُ ٱللَّهُ ٱلرِّجۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٢٥﴾ [الأنعام: 125].

125- آن کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را (با پرتو نور ایمان باز و) گشاده برای (پذیرش) اسلام می‌سازد، و آن کسی را که خدا بخواهد گمراه و سرگشته کند، سینه‌اش را بگونه‌ای تنگ می‌سازد که گویی به سوی آسمان صعود می‌کند (و به سبب رقیق شدن هوا و کمبود اکسیژن، تنفس کردن هر لحظه مشکل و مشکل‌تر می‌شود. کافر لجوج با پیروی از تقالید پوسیده، هر دم بیش از پیش از هدایت آسمانی دورتر و کینه‌اش نسبت به حق و حقیقت بیشتر و پذیرش اسلام برای وی دشوارتر می‌شود). بدین منوال خداوند عذاب را بهره‌ی کسانی می‌سازند که ایمان نمی‌آورند.

﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٦٣﴾ [يونس: 62-63].

62- هان! بی‌گمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و(بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است).

63- (دوستان خداوند) کسانیند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند.

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيۡنَا نُنجِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٣﴾ [يونس: 103].

103- پس از آن (که بلا و عذاب گریبانگیر کافران گردید) پیغمبران خود و مومنان را می‌رهانیم (این هم اختصاص به اقوام گذشته و پیغمبران و مومنان پیشین ندارد بلکه) همین طور ایمان آورندگان (به تو) را (نیز) نجات خواهیم داد و این حقی است بر ما (حق مسلم و تخلف ناپذیر).

﴿قَالَ إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٦﴾ [يوسف: 86].

86- گفت شکایت و پریشان حالی و اندوه خود را تنها و تنها به (درگاه) خدا می‌برم (و فقط به آستان خدا می‌نالم و حل مشکل خود را از او می‌خواهم) و من از سوی خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

﴿قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢٥ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ٢٨﴾ [طه: 25-28].

25- (موسی خاشعانه به دعا پرداخت و) گفت پروردگارا سینه ام را فراخ و گشاده دار (تا در پرتو شرح صدر، خشم و کین از دل برخیزد، و با آرامش تمام رسالت آسمانی را به جای آورید).

26- و کار (رسالت) مرا بر من آسمان گردان (تا آن را بگونه آراسته و پیراسته، به گوش فرعون و فرعونیان برسانم).

27- وگ ره از زبانم بگشاش (تا روشن و گویا آن را بیان دارم).

28- تا اینکه سخنان مرا بفهمند (و دقیقاً متوجه مقصود من شوند).

﴿وَنُوحًا إِذۡ نَادَىٰ مِن قَبۡلُ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ٧٦﴾ [الأنبياء: 76].

76- (خوب است در اینجا یاد کن) نوح را، هنگامی که پیشتر (از اینان که اشاره‌ی گذرائی بدیشان شد ما را به فریاد خواند) (و گفت پروردگارا مرا دریاب که من شکست خورده ام و روی زمین را از وجود کافران پاک گردان) و ما هم دعای وی را پذیرفتیم و او (و پیروان) و خاندانش را از (اندوه فراوان و) غم بزرگ (کافران موذی و طوفان وحشتناک) رهانیدیم.

﴿۞وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٨٣ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ ٨٤﴾ [الأنبياء: 83-84].

83- ایوب را (یاد کن) بدانگاه که (بیماری او را از پای در آورده بود و در این وقت) پروردگار خود را به فریاد خواند (و عاجزانه گفت پروردگارا! بیماری به من روی آورده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی (پس بدین بنده‌ی ضعیف رحم فرما).

84- دعای او را پذیرفتیم و بیماری وی را برطرف ساختیم و (بجای) اولاد (و اموالی که از دست داده بود) دو چندان بدو دادیم، محض مرحمتمان (در حق ایوب) و تذکاری (از صبر و شکیبایی) برای پرستندگان (یزدان سبحان، تا همچون ایوب شکیبا و امیدوار به لطف و فضل خدا باشند).

﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُ‍ۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٨﴾ [الأنبياء: 87-88].

87- (یاد کن داستان یونس ملقب به) ذوالنون را در آن هنگام که بر قوم نافرمان خود خشم گرفت و ایشان را به عذاب خدا تهدید کرد (و بدون دریافت پیام آسمانی، از میانشان) خشمناک بیرون رفت و گمان برد که (با زندانی کردن و دیگر چیزها) بر او سخت و تنگ نمی‌گیریم. (سوار کشتی شد و کشتی به تلاطم افتاد و به قید قرعه مسافران و کشتیبانان او را به دریا انداختند و نهنگی او را بلعید) در میان تاریکی‌ها (ی سه گانه شب و دریا و شکم نهنگ فریاد بر آورد که (کریما و ریحما) پروردگاری جز تو نیست و تو پاک و منزهی (از هرگونه کم و کاستی و فراتر از هر آن چیزی که نسبت به تو بر دلمان می‌گذرد تصور می‌کنیم. خداوندا بر اثر مبادرت به کوچ بدون اجازه‌ی حضرت باری) من از جمله‌ی ستمکاران شده‌ام (مرا دریاب).

88- دعای او را پذیرفتیم و وی را از غم رها کردیم، و ما همین گونه مومنان را نجات می‌دهیم او در برابر دعای خالصانه، آنان را از گرفتاری‌ها می‌رهانیم.

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِهِۦۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا ٥٨﴾ [الفرقان: 58].

58- و (در همه‌ی امور) بر خداوندی تکیه کن که همیشه زنده است و هرگز نمی‌میرد و حمد و ثنای او را به جای آور (و بدان تو عهده دار ایمان یا کفر مردمان نیستی و خدا همگان را می‌پاید) و همین کافی است که خداوند از گناهان بندگانش آگاه است (و هیچگونه گناهی از دید او مخفی نمی‌ماند).

﴿وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ شَكُورٌ ٣٤﴾ [فاطر: 34].

34- و خواهند گفت: سپاس خداوندی را سزا است که غم و اندوه ما را از ما زدود. بی‌گمان پروردگار ما آمرزنده‌ی (گناهان بندگان و) سپاسگذار (کارهای نیک ایشان) است.

﴿وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١١٤ وَنَجَّيۡنَٰهُمَا وَقَوۡمَهُمَا مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ١١٥﴾ [الصافات: 114-115].

114- ما به موسی و هارون و اقعاً نعمت‌های گرانبهای بخشیدیم.

115- آنان و قوم ایشان را از غم و اندوه بزرگ (اذیت و آزار فرعون و فرعونیان) نجات دادیم.

﴿أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٖ مِّن رَّبِّهِۦۚ فَوَيۡلٞ لِّلۡقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٢٢ ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحۡسَنَ ٱلۡحَدِيثِ كِتَٰبٗا مُّتَشَٰبِهٗا مَّثَانِيَ تَقۡشَعِرُّ مِنۡهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمۡ وَقُلُوبُهُمۡ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٍ ٢٣﴾ [الزمر: 22-23].

22- آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاده و فراخ ساخته است و دارای (بینشی روشن از) نور پروردگارش می‌باشد (و در پرتو آن، راه را از چاه تشخیص می‌دهد، همچون کسی است که هدایت الهی در سایه‌ی اسلام پرتوی به دل او نیفکنده است و درونش با ایمان تابان نشده است؟) وای بر کسانی که دل‌های سنگینی دارند و یاد خدا بدانها راه نمی‌یابد (و قرآن یزدا ن در آن‌ها اثر نمی‌گذارد). آنان واقعاً به گمراهی و سرگشتگی آشکاری دچارند.

23- خداوند بهترین سخن را (به نام قرآن) فروفرستاده است. کتابی را که (از لحاظ کاربرد و گیرایی الفاظ، و والایی و همآوایی معانی، در اعجاز) همگون و (مطالبی چون مواعظ و براهین و قصص و مسایل مقابل و مختلفی همانند ایمان و کفر، حق و باطل، هدایت و ضلالت، خیر و شر، حسنات و سیئات، بهشت و دوزخ. البته هر بار به شکلی تازه و به شیوه‌ای نو، در آن) مکرر است.

از (شنیدن آیات) آن لرزه بر اندام کسانی می‌افتد که از پروردگار خود می‌ترسند و از آن پس پوست‌هایشان و دل‌هایشان (و همه‌ی وجودشان نرم و آماده‌ی پذیرش قرآن خدا می‌گردد (و آن را تصدیق و بدان عمل می‌کنند) این کتاب مشتمل بر رهنمود الهی است و خدا هر که را بخواهد در پرتو آن راهیاب می‌سازد و خدا هر که را گمراه سازد، اصلاً راهنما و راهبری نخواهد داشت.

﴿وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦١﴾ [الزمر: 61].

61- خداوند کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند رهایی می‌بخشد و به مقصودشان می‌رساند. هیچگونه بدی و بلایی بدیشان نمی‌رسد و غمگین و اندوهگین نمی‌گردند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١٣﴾ [الأحقاف:13].

13- کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها یزدان است، پس (بر این توحید و یکتاپرستی) ماندگار می‌مانند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می‌گردند.

﴿لِيُنفِقۡ ذُو سَعَةٖ مِّن سَعَتِهِۦۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيۡهِ رِزۡقُهُۥ فَلۡيُنفِقۡ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ سَيَجۡعَلُ ٱللَّهُ بَعۡدَ عُسۡرٖ يُسۡرٗا ٧﴾ [الطلاق: 7].

7- آنان که دارا هستند از دارائی خود (برای زن شیردهنده به اندازه‌ی توان خود) خرج کنند و آنان که تنگدست هستند از چیزی که خدا بدیشان داده است خرج کنند، خداوند هیچ کس را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلف نمی‌سازد. خدا بعد از سخن و ناخوشی، گشایش و خوشی پیش می‌آورد.

﴿أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ ١ وَوَضَعۡنَا عَنكَ وِزۡرَكَ ٢ ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهۡرَكَ ٣ وَرَفَعۡنَا لَكَ ذِكۡرَكَ ٤ فَإِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ٥ إِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرٗا ٦ فَإِذَا فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ ٧ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب ٨﴾ [الشرح: 1-8].

1- آیا ما سینه تو را نگشودیم (و دلت را از بند غم و حیرت رها نساختیم، و تاب تحمل نابسامانی‌ها محیط جاهلیت و سختی‌ها مسولیت بزرگ نبوت را به تو عطا نکردیم؟)

2- و بار سنگین (تلاش فراوان، برای هدایت مردمان) را از (دوش) تو برنداشتیم؟

3- همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود؟

4- و آواز تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم؟

5- چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

6- مسلماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

7- هرگاه (از کار مهمی) بپرداختی، بدنبال آن (به کار مهم دیگری بپرداز و در آن بکوش و) رنج ببر (و فرجام کاری را آغاز کار دیگری کن).

8- و یکسره به سوی پروردگارت روی آر (و تنها بدو دل و امید ببند، و جز به او خود را مشغول مساز).

﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا ٣﴾ [النصر: 1-3].

1- هنگامی که یاری خدا و پیروزی (فتح مکه) فرا می‌رسد.

2- و مردم را می‌بینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین خدا می‌شوند (و به اسلام ایمان می‌آورند)

3- پروردگارت خود را سپاس و ستایش کن، و از او آمرزش (خود و یاران خویش را از شتابگری در فرا رسیدن فتح وقوع پیروزی و اظهار دلتنگی و گلایه از زندگی) بخواه، خدا بسیار توبه پذیر است.

﴿وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۖ وَيُرۡسِلُ عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ تَوَفَّتۡهُ رُسُلُنَا وَهُمۡ لَا يُفَرِّطُونَ ٦١﴾ [الأنعام: 61].

61- خداوند بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی (از فرشتگان را برای حسابرسی و نگارش اعمال شما) بر شما می‌فرستد و می‌گمارد (و آنان به کار خود با دقت تمام تا دم مرگ یکایک، شما مشغول می‌گردند) و چون مرگ یکی از شما فرا رسید فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می‌آیند و) جان او را می‌گیرند و (فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هیچکدام در ماموریت خود) کوتاهی نمی‌کند.

﴿قُلِ ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنۡهَا وَمِن كُلِّ كَرۡبٖ ثُمَّ أَنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ٦٤﴾ [الأنعام: 64].

64- بگو: خدا شما را از آن (احوال و شدائد) و از هر غم و اندوهی می‌رهاند. سپس (با این وجود برای او) شما شریک و انباز می‌سازید! (شریک و انبازی که می‌دانید کاری از دست آن‌ها ساخته نیست).

﴿لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٢٨ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ١٢٩﴾ [التوبة: 128-129].

128- بیگمان، پیغمبری (محمد نام) از خود شما (انسان‌ها) به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج بلا و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت و گران می‌آید، به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مومنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است.

129- اگر آنان (از ایمان به تو) روی بگردانند (باکی نداشته باش و) بگو: خدا مرا کافی و بسنده است. جز او معبودی نیست به او دلبسته‌ام و کارهایم را بدو واگذار کرده‌ام، و او صاحب پادشاهی بزرگ (جهان و ملکوت آسمان) است.

﴿فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظٗاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٦٤﴾ [يوسف: 64].

64- خدا بهترین حافظ و نگهدار است و از همه مهربانان مهربان‌تر است.

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾ [الحجر: 9].

9- ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم).

﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٣٠﴾ [العنكبوت: 30].

30- (لوط از آستانه خدا کمک طلبید و) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم تباه پیشه پیروز گردان.

﴿وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ١٠ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ١٢﴾

[الإنفطار:10-12].

10- بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند.

11- نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می‌نویسند.

﴿إِن كُلُّ نَفۡسٖ لَّمَّا عَلَيۡهَا حَافِظٞ ٤﴾ [الطارق: 4].

4- روزی است که مردمان همچون پروانگان پراکنده (در اینجا و آنجا حیران و سگردان) می‌گردند.

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦﴾ [الكافرون: 1-6].

1- بگو: ای کافران

2- آنچه را که شما به جز (خدا) می‌پرستید، من نمی‌پرستم.

3- و شما نیز نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم.

4- همچنین نه من بگونه شما پرستش را انجام می‌دهم.

5- و نه شما بگونه من پرستش را انجام می‌دهید.

6- آئین خودتان برای خودتان و آئین خودم برای خودم.

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الإخلاص: 1-4].

1- بگو: خدا یگانه یکتا است.

2- خدا، سُرورِ والای برآورنده امیدها و برطرف کننده نیازمندی‌ها است.

3- نه زاده است و زاده نشده است.

4- و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾ [الفلق: 1-5].

1- بگو پناه می‌برم به خداوندگار سپیده دم.

2- از شر هر آنچه خداوند آفریده است.

3- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).

4- و از شر کسانی که در گره‌ها می‌دمند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی می‌کند).

5- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾ [الناس: 1-6].

1- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردمان.

2- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

3- به معبود (به حق) مردمان.

4- از شر وسوسه گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره شدن بر او، از خدا کمک بخواهی و خویشتن را در پناهش داری).

5- وسوسه گری است که در سینه‌های مردمان وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند).

6- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

مداوا کردن (مریض) با آب، سِدر (درخت کنار)، روغن و عسل

شفابخش بودن آب، سدر، روغن و عسل

امروزه اینگونه متداول شده که برخی رقاه (تعویذگران) در کنار آیات و ادعیه‌ای که بر مریض می‌خوانند بدانها پیشنهاد می‌کنند که از نوشیدنی‌ها یا خوردنی‌هایی که در احادیث نبوی به شفابخشی و خاصیت‌های درمانی آن‌ها اشاره شده نیز مستفیذ گردند.

در ذیل به ذکر مصادیقی چند از این موارد می‌پردازیم. آن‌ها عبارتند از:

1. تداوی (و درمان) با آب پاکی که چندی از آیات قرآن بر آن تلاوت شده است، به ویژه آب زمزم که خود نیز به تنهایی شفابخش است و وقتی با آیات قرآن عجین گردد بر شفابخشی آن افزوده می‌شود.
2. شیوه‌ای دیگر از آب درمانی توسط رقاه بدین ترتیب است که ابتدا صحات یا برگ‌هایی را که آیاتی از قرآن با مرکبی طاهر و قابل خوردن مثل زعفران بر آن نوشته شده در مقداری آب مخلوط می‌کنند و آنگاه از مریض می‌خواهند که آن آب را بخورد یا با آن غسل نماید.[[103]](#footnote-103) (این شیوه مداوا کردن نزد رقاه (عزیمه) نامیده می‌شود).
3. مداوا کردن به وسیله روغن زیتون و روغن سیاه دانه، به این ترتیب که شخص راقی به مریض پیشنهاد می‌کند مقداری از روغن زیتون یا روغن سیاه دانه را بخورد یا اعضایی از بدنش را بدان آغشته سازد.[[104]](#footnote-104) البته اگر بر این دو نوع روغن آیاتی از قرآن نیز خوانده شود مسلماً بر خاصیت درمانی آن‌ها خواهد افزود.
4. از جمله چیزهایی که رقاه بیماران خویش را به خوردن آن تشویق می‌کنند همانا عسل است. عسل از جمله خوردنی‌های شفابخش است که اگر آیاتی از قرآن نیز بر آن خوانده شود بر شفابخش آن خواهد افزود.

چگونگی مداوا کردن مریض به وسیله آب (پاک)

پیش از این در مورد آب درمانی به طور مختصر توضیح دادیم. در اینجا به طور مفصل به چگونگی مداوا کردن مریض به وسیله آب می‌پردازیم. برای این کار ابتدا مقداری آب که حسب مورد برای خوردن یا غُسل کردن (مریض) کافی باشد را فراهم می‌کنیم و البته اگر مقدور باشد آب زمزم بهتر خواهد بود، زیرا این آب به خودی خود شفابخش است. آنگاه شخص راقی بر آب فراهم آمده آیاتی از قرآن را تلاوت کرده و بر آن می‌دُمُد. شیوه‌ی دیگر از آب درمانی به این ترتیب است که آیاتی مشخص از قرآن که در مباحث آتی به ذکر آن خواهیم پرداخت را با مرکبی پاک (و قابل خوردن مثل زعفران) و بر روی برگه یا صفحه‌ای پاک می‌نویسند و سپس برگ یا صفحه‌ی مکتوب را در آب غوطه‌ور می‌کنند و آنقدر آن را جا به جا می‌کنند که آیات نوشته شده از روی برگ محو می‌شود و در آب مخلوط می‌گردد. بدیهی است اگر راقی بین این دو روش جمع نماید یعنی هم آیاتی از قرآن را خوانده و بر آب بدمد و هم آیات را بر اوراقی نوشته و در آب غوطه ور سازد هیچ اشکالی نخواهد داشت. سرانجام مریض حسب مورد از آب حاصله می‌نوشد و یا در مکانی پاک به غسل کردن با آن می‌پردازد. لازم به ذکر است آب مستعملی که از غسل کردن مریض حاصل می‌شود نباید در اماکنی پاک مثل کشتزار و غیره ریخته شود یا مورد استفاده (برای آبیاری) قرار گیرد. همچنین پس از اینکه آیات قرآن از برگ‌ها یا صفحات مکتوب که در آب غوطه ور کردیم محو گردیده و سپس خشک شد باید که سوزانیده شود.

این کار (درمان با آب به هر یک از دو شیوه با به صورت تلفیقی) حداقل باید تا هفت روز یا تا زمانی که مریض به طور کامل بهبود یابد بایستی ادامه پیدا کند. شیوه‌ای دیگر از (آب درمانی) به این ترتیب است که ابتدا هفت برگ از درخت سِدر (کنار) را تکه تکه کرده و کاری می‌کنیم که تقریباً به صورت معجونی در‌اید. آنگاه این معجون یا ریزه‌های برگ را در آبی که (به دو شیوه‌ی قبلی) فراهم آورده‌ایم اضافه می‌کنیم. سپس به مریض پیشنهاد می‌کنیم حداقل به مدت هفت روز و یا تا زمانی که به طور کامل بهبود یابد هر از چندی کمی از آب مذکور را بنوشد و یا با آن غسل نماید.[[105]](#footnote-105)

چگونگی مداوا کردن مریض با روغن زیتون و روغن سیاه دانه

شیوه مداوا کردن مریض با روغن زیتون یا روغن سیاه دانه به این ترتیب است که راقی به مریض پیشنهاد می‌کند مقداری از روغن مذکور را بخورد یا حسب مورد تمام یا اعضایی مشخص از بدنش را بدان آغشته سازد. البته چنانچه قبل از اینکه روغن مذکور مورد استفاده مریض قرار گیرد آیاتی چند از قرآن نیز بر آن خوانده شود بر شفابخشی آن خواهد افزود. بدیهی است (در زندگی متداول امروزی) روغن زیتون به مراتب کاربرد بیشتری نسبت به روغن سیاه دانه دارد.

چگونگی مداوا کردن مریض با عسل

برای درمان و مداوای بیمار به وسیله عسل راقی به او پیشنهاد می‌کند که صبحگاهان قبل از اینکه چیزی دیگر بخورد حسب نیاز خود مقداری از عسل میل نماید. البته چنانچه کسی رغبت به خوردن عسل به طور خالص را نداشته باشد می‌تواند آن را در مقداری آب به ویژه آب زمزم یا مقداری شیر مخلوط کند و آنگاه آن را میل نماید. بی‌تردید اگر آیاتی از قرآن نیز بر عسل یا مایع حاوی آن خوانده شود بر شفابخشی آن خواهد افزود.

آیات پیشنهادی برای نوشتن، یا دمیدن بر آب

در مباحث گذشته به چگونگی مداوا کردن با آب (و غیره) پرداختیم و اشاره کردیم که چنانچه آیاتی خاص از قرآن بر آب (یا عسل و غیره) خوانده شود و یا بر صفحاتی نوشته شده و سپس در آب غوطه ور گردد بر شفابخشی آن‌ها خواهد افزود. اکنون به ذکر این آیات که سعی شده بر اساس ترتیب سور قرآنی نوشته شود می‌پردازیم. آن‌ها عبارتند از:

1. سوره حمد (فاتحه).
2. آیات (1- 5) سوره بقره.
3. آیات (103 و 102) سوره بقره.
4. آیه (109) سوره بقره.
5. آیه (255) سوره بقره.
6. آیه (54) سوره نساء.
7. آیات (117- 122) سوره اعراف.
8. آیات (80- 82) سوره یونس.
9. قسمت اخیر آیه‌ی (64) سوره یوسف ﴿...فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظٗاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٦٤﴾.
10. آیه (67) سوره یوسف.
11. آیه (39) سوره کهف.
12. آیات (65 – 70) سوره طه.
13. آیات (51- 52) سوره قلم.
14. سوره کافرون.
15. سوره اخلاص (توحید).
16. سوره فلق.
17. سوره ناس.

شخص راقی مختار است که تمامی این آیات را به طور کامل بنویسد یا تنها به چندی از آن‌ها اکتفا کند.

چگونگی مهیا کردن مرکب پاک (و قابل خوردن) برای نوشتن آیات

برای آماده کردن مرکب پاک (و قابل خوردن) ابتدا حدود 8 میلی گرم از زعفران را با مقدار کمی آب (50 ملم) در ظرفی مخلوط می‌کنیم و به دمت 24 ساعت آن را رها می‌کنیم تا به خوبی زعفران در آب حل گردد. آنگاه مرکب به دست آمده را جرم گیری می‌کنیم تا ناخالصی‌ها و ذرات جامد از آن جدا شود. اکنون مرکب ما آماده است و می‌توانیم (بانی و غیره) از آن برای نوشتن کار گیریم. همچنین می‌توانیم مرکب حاصله را در خودنویسی عاری از هرگونه مرکب (که دارای مواد شیمیایی و غیرخوردنی است) بریزیم و به راحتی از آن استفاده نماییم. بهتر است آیات با همان رسم الخط قرآنی بر روی برگه‌ای پاک کتابت گردد. نگارنده پیرامون اینگونه کارها برای درمان بیماری (های روحی و روانی) که در میان علما و رقاه به (عزیمه) معروف است از شیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین سوال کردم. ایشان پاسخ دادند: (نقل شده که ابن عباس (رض) پیرامون این مساله روایت کرده است که (همانا در 37 موضع (آیه) از قرآن عبارت (لا اله الا الله) تکرار شده که چنانچه این موارد با مرکب حاصل از زعفران نوشته شود و سپس با آب زمزم یا آب باران شسته گردد (به نحوی که نوشته‌ها به طور کلی در آب حل گردد) هر آینه موجب درمان مریض خواهد شد و چنانچه (جن زده باشد یا) جادوگری وی را افسون کرده باشد نیز بهبود خواهد یافت و اثر سحر در او از بین خواهد رفت). [[106]](#footnote-106)

ما نیز برای درمان مریض چنین کارهایی می‌کردیم، به این ترتیب که آیاتی از قرآن را با زعفران و با خطی جذاب می‌نوشتیم و سپس اوراق نوشته شده را آنقدر در آب غوطه ور می‌ساختیم که به طور کامل نوشته‌ها از آن محو می‌شد ودر آب مخلوط می‌گردید. سپس از مریض می‌خواستیم آن آب را بخورد و آنگاه اوراق مکتوبی را که خوب در آب شسته بودیم جمع آوری کرده و در جایی می‌گذاردیم تا خشک شود و در نهایت آن را بر گدازه ای از آتش قرار می‌دادیم تا از آن دود بلند شود. ناگفته نماند بزرگواران و مشایخی چون (شیخ عبدالعزیز بن مرشد) و (شیخ عبدالرحمن بن فریان) و (شیخ احمد بن منصور) نیز اینگونه تعویذنویس را تایید کرده و انجام می‌دادند و هیچ یک از دانشمندان معاصر آن‌ها نیز بر آن‌ها اعتراض نکرده است. به این ترتیب اینجانب (عبدالله بن جبرین) نیز مانعی برای این کار نمی‌بینم و معتقدم این کار در درمان بیمار موثر خواهد بود. البته به نظر من بهتر است آیات با قلم‌های مرغوب و به صورت فشرده در دو طرف ورق نوشته شود تا آیات بیشتری را بتوان در یک برگه جای داد. (و خداوند بر همه کار آگاهتر است).[[107]](#footnote-107)

ادعیه و اذکار یومیه

(مجموعه‌ای از اذکار و دعاها که به وسیله آن‌ها انسان از گزند شیاطین، جادوگران و سایر بلاها در امان می‌ماند).

چگونه در طول شبانه روز از گزند شیطان در امان بمانیم

در حدیثی صحیح نقل شده که رسول گرامی اسلام فرموده است: «إن الشيطان يجري من الإنسان مجري الدم».[[108]](#footnote-108) «همانا شیطان همچون خون در تمامی اعضای انسان (نفوذ و) جریان پیدا می‌کند». بنابراین شرع مقدس تدابیری اندیشیده تا شخص مسلمان از گزند مکاید شیطانی (و سایر بلایا) مصون بماند. از جمله تدابیر شرع مقدس آن است که به مسلمان توصیه نموده صبحگاهان و شامگاهان و در هنگام خواب و هنگام دخول و خروج از منزل و حتی هنگام داخل شدن در دستشویی اذکار و ادعیه‌ای را ورد خویش سازد و تمامی کارهایش را با نام و یاد خداوند آغاز کند. بی‌تردید وقتی مسلمان این اذکار را ورد خویش سازد خداوندگار نیز وی را از گزند شیطان در امان خواهد داشت ولی چنانچه غفلت ورزد و سهل انگاری کند هر آینه شیطان به راحتی وی را شکار خواهد کرد (و به او آسیب خواهد رساند). (پناه می‌بریم به خدا از شر شیطان)

به این ترتیب ضروری است انسان مسلمان برای صیانت از خویش آنچه از دستورات و وظایف را که خداوند بر عهده او گذارده تا سر حد توان به انجام برساند.

از جمله وظایف یک مسلمان عبارتند از:

1. خدای را به یگانگی پرستش کند و موحدی مخلص باشد.
2. تقوای الهی پیشه سازد و آنچه خداوند به او دستور فرموده را (بی‌چون و چرا) انجام دهد و از نواهی وی پرهیز نماید.
3. متمسک به سنت رسول خدا باشد و آن حضرت را مقتدای خویش دانسته از هرگونه بدعت و نوآوری در دین پرهیز کند. همچنین از پیروان و یاوران شیطان که همانا اهل هوی و هوس‌اند اجتناب کند و به مخالفت با آنان برخیزد.
4. همواره با قلبی خاشع و خالصانه به ذکر خداوند مشغول باشد.[[109]](#footnote-109)

اذکار و ادعیه‌ای را که مقرر شده در اوقات و مکان‌های خاصی خوانده شود تا شخص مسلمان **به وسیله‌ی آن‌ها از گزند شیاطین در امان بماند به شرح ذیل است:**

اذکار و ادعیه (مسنون در) صبحگاهان و شامگاهان:[[110]](#footnote-110)

1- (بقره 255)

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ [البقرة: 255].

خدایی جز الله وجود ندارد و او زنده پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است. کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه‌ی او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است. چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در برگرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

2- (سوره توحید)

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الإخلاص: 1-4].

1- بگو: خدا، یگانه یکتاست.

2- خدا، سرور والای برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌هاست.

3- نه زاده است و زاده نشده است.

4- و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

(سوره فلق)

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾ [الفلق: 1-5].

1- بگو: پناه می‌برم به خداوندگار سپیده دم.

2- از شر هر آنچه خداوند آفریده است.

3- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).

4- و از شر کسانی که در گره‌ها می‌دمند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود، اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها و پیوندها را سست می‌نماید و فساد و تباهی می‌کنند).

5- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.

(سوره ناس)

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾ [الناس: 1-6].

1- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردمان.

2- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

3- به معبود (به حق) مردمان.

4- از شر وسوسهگری که واپس می‌رود.

5- وسوسه گری است که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند).

6- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

**(هر یک از سه سوره فوق بایستی سه مرتبه خوانده شود).** [[111]](#footnote-111)

3- «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير». (عشر مرات) أو (مئه مرات).[[112]](#footnote-112)

هیچ خدایی جز الله وجود ندارد. او تنهاست و شریکی ندارد. پادشاهی (هر دو جهان) از آن اوست و بر همه چیز قادر و تواناست.

**(این دعا ده متربه یا 100 متربه بایستی تکرار کردد).**

4- «سبحان الله وبحمده، عدد خلقه ورضا نفسه، وزنه عشرة ومداد كلماته». (ثلاث مرات).[[113]](#footnote-113)

تسبیح (تنزیه) و ستایش می‌گویم خداوندگار را به تعداد مخلوقات او و آنقدر که رضایتش را جلب کند[[114]](#footnote-114) و (همچنین تسبیح و ثنا می‌گویم ذات مقدسش را) به میزان وزن عرش او و به تعداد کلمات او (که نامعدود است).

5- «سبحان الله وبحمده». (مئه مره)[[115]](#footnote-115)

تسبیح و ستایش می‌کنم خدای را (که منزه است و ستایش او را سزاست) این ذکر بایستی 10 مرتبه تکرار شود.

6- «اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد. اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم في العالمين إنك حميد مجيد».[[116]](#footnote-116)

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست آنگونه که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالی مرتبه هستی، بار خدایا! محمد و آل محمد را بزرگی و کرامت عنایت کن آنگونه در میان جهانیان ابراهیم و آل ابراهیم را (برکت و بزرگی) عنایت فرمودی. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالی مقام هستی.

7- «اللهم أنت ربي لا إله إلا أنت خلقتني وأنا عبدك وأنا على عهدك ووعدك ما استطعت، أعوذ بك من شر ما صنعت، أبوء لك بنعمتك على وأبوء لك بذنبي، فأغفرلي فإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت».[[117]](#footnote-117)

بار خدایا! تو پروردگارم هستی و جز تو معبودی (لایق پرستش) وجود ندارد. تو مرا آفریده‌ای و من بنده‌ی تو هستم. (الهی!) عهدی را که (در روز؟؟؟) با تو بسته‌ام (و پیمانی را که با ایمان آوردن به تو بدان ملزم شده‌ام) وفادارم. از شر کردار (و پرداخته‌های) خویش به تو پناه می‌برم. خود اقرار دارم که تو (به کثرت) مرا نعمت ارزانی داشته‌ای و به گناهان خویش نیز معترفم. (خداوندگارا!) گناهانم بیامرز که جز تو آمرزنده‌ای نیست.

8- «استغفر الله وأتوب إليه». (سبعين أو مئة مرة).[[118]](#footnote-118)

از خداوند طلب مغفرت می‌کنم و به (درگاه) او توبه (رجوع) می‌کنم.

**این دعا هفتاد یا 100 مرتبه بایستی خوانده شود.**

9- «اللهم بك أصحبنا وبك أمسننا وبك نحيا وبك نموت وإليك النشور. (وإذا أمسي فليقل) اللهم بك أمسينا وبك أصبحنا وبك نحيا وبك نموت وإليك المصير».[[119]](#footnote-119)

بار خدایا! در سایه‌ی لطف و عنایت تو صبح می‌کنیم و (سپس) روزمان را به پایان می‌رسانیم، (الهی!) مرگ و حیات ما به دست توست و همگان (در روز حشر برای حسابرسی) به محضر تو خواهیم شتافت.

شامگاهان همان دعای فوق را می‌خوانیم اما به جای «وإليك النشور» عبارت «وإليك المصير» (سرنوشت همه به تو منتهی می‌شود) را اضافه می‌کنیم و در ابتدای دعا نیز به جای «أصبحنا» واژه «أمسينا» را به کار می‌بریم).[[120]](#footnote-120)

10- «اللهم فاطر السموات والأرض، عالم الغيب والشهادة لا إله إلا أنت رب كل شيء ومليكه، أعوذ بك من شر نفسي ومن شر الشيطان وشركه وان أقترف على نفسي سوءاً أو أجره إلى مسلم».[[121]](#footnote-121)

بار خدایا! ای پدیدآرنده آسمان‌ها و زمین! (همانا) تو بر پنهان و آشکار (ظاهر و باطن هر چیز) آگاه هستی و جز تو که پروردگار و مالک هر چیز هستی معبودی (لایق پرستش) وجود ندارد. (خداوندا!) از شر نفس (سرکش) خویش و از شر شیطان و (تلاش‌هایی که برای سوق دادن مردم به سوی) شرک (انجام می‌دهد) و همچنین از اینکه برخویشتن یا (برادر) مسلمانی بدی (یا ظلمی) روا دارم به تو پناه می‌برم.

11- «اللهم إني سالك العافية في الدنيا والأخره، اللهم إني أسالك العفو والعافية في ديني ودنياي وأهلي ومالي. اللهم أشتر عوراتي وآمن روعاتي. اللهم أحفظني من بين يدي ومن خلقي، وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي وأعوذ بعظمتك أن أغتال من تحتي».[[122]](#footnote-122)

بار خدایا ! در دنیا و آخرت عافیت را نصیبتم کن، خداوندگارا! از تو عفو و عافیت را در مورد (امور) دین و دنیا و اهل و مالم مسالت می‌داریم، خدایا! عیوبم بپوشان و آرامش نصیبم کن. خداوندا! من را (به طور کامل) از جلو و عقب و راست و چپ و از بالا و پایین (از گزند حوادث) حفاظت کن و از اینکه به بلایی ناگهانی مبتلا شوم (خسف شوم) به عظمت تو پناه می‌برم.

12- «أصبحنا وأصبح (أمسننا وأمسي). «الملك لله والحمد لله إلا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير».

«پادشاهی از آن خداست و حمد و ثنا او را سزاست. اوست یگانه یکتا که معبودی جز او (لایق پرستش) نیست. پادشاهی از آن اوست و حمد و ستایش او را سزاست که بر هر چیز قادر و تواناست».

(چنانچه صبحگاهان این دعا را بخواند قبل از آن عبارت «أصبحنا وأصبح» را اضافه کند و اگر شامگاهان به این دعا می‌پردازد عبارت «أمسينا وأمسي» به آن بیفزاید).

شامگاه می‌تواند این عبارت را نیز بدان بیفزاید «رب أسالك خير ما في هذه الليلة وخير ما بعدها وأعوذ بك من شر ما في هذه الليلة وشر ما بعدها».[[123]](#footnote-123)

«پروردگارا از تو می‌خواهم که خیر این شب (را اعم از عبادات نافعی که در آن انجام می‌پذیرد و سایر خیرهایی که طی آن به انسان‌ها ارزانی می‌شود) و خیر سایر شب‌های آتی را به من عنایت کنی. (الهی!) به تو پناه می‌برم از شر (آنچه از ضررها و موجودات مضری که در) این شب (وجود دارد) و از شر (آنچه در) شب‌های آینده (ممکن است عایدم گردد».

13- «أصحبنا (أمسننا) على فطره الإسلام، وعلى كلمة الإخلاص وعلى دين نبينا محمد وعلى ملة أبينا إبراهيم حنيفا مسلما وما كان من المشركين».[[124]](#footnote-124)

«سپاس خداوند را که توفیق داد) در حالی صبح کردیم که بر فطرت اسلام باقی و گوینده کلمه اخلاص بودیم و همچنان بر دین پیامبرمان محمد (مصطفی) و ملت پدرمان ابراهیم که یکتاپرستی اختیار کرد و از جمله مشرکین نشد پایدار بودیم».

14- «أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق».[[125]](#footnote-125)

«پناه می‌برم به کلمات تامه الهی از شر آنچه (در عالم هستی) خلق نمود».

15- «بسم الله الذي لا يضر مع أسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم».[[126]](#footnote-126) (ثلاث مرات).

«به نام خداوندگاری که هیچ موجودی را در زمین و آسمان یارای ضرر رسانیدن به گوینده نام او (که نام مبارکش ورد خویش ساخته و کارهایش را با نام او آغاز می‌کند) نیست و او شنوای داناست). (این دعا سه مرتبه خوانده شود».

16- «رضيت بالله رباً وبالإسلام ديناً وبمحمد نبياً». (ثلاث مرات).[[127]](#footnote-127)

«از اینکه الله پروردگارم و اسلام (مبین) دینم و محمد (مصطفی) پیامبرم هست (بسیار) خرسندم».

**(این دعا بایستی سه مرتبه تکرار گردد).**

اذکار و ادعیه مسنون به هنگام خوابیدن

برای اینکه انسان مسلمان به هنگام خواب از گزند بلایا و آفات در امان باشد شرع مقدس به وی توصیه نموده که آیات و دعاهای ذیل را قبل از خواب زمزمه کند. اما چگونگی آن به شرح ذیل است. ابتدا شخص وضو گرفته چند رکعت نماز نفل می‌خواند و آنگاه خود را بر سمت راست خویش تکیه داده آیات و اذکار ذیل را می‌خواند:

1. (البقرة، آیه 255) (آية الکرسی).[[128]](#footnote-128) [[129]](#footnote-129)

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ [البقرة: 255].

1. آیات پایانی سوره مبارکه بقره (آیه 284- 286).[[130]](#footnote-130) [[131]](#footnote-131)

﴿لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢٨٤ ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾

[البقرة: 284-286].

1. (سوره کافرون). [[132]](#footnote-132) [[133]](#footnote-133)
2. ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦﴾ [الكافرون: 1-6].
3. در وهله‌ی چهارم و وقتی آیات مذکور را تلاوت کرد کف دست‌ها را کنار هم قرار داده در آن‌ها می‌دمد و آنگاه در حالی که همچنان دست‌ها را جمع کرده و روبه روی خود قرار داده است سوره‌های ذیل را تلاوت می‌کند. این سوره‌ها عبارتند از:

الف: (سوره اخلاص) (توحید).

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الإخلاص: 1-4].

ب: (سوره فلق).

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾ [الفلق: 1-5].

ج: (سوره ناس).[[134]](#footnote-134)

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾ [الناس: 1-6].

پس از خواندن این سه سوره با دست‌ها تمامی بدنش را از سر تا پا مسح (لمس) می‌کند. (و این کار بایستی سه مرتبه تکرار گردد). [[135]](#footnote-135)

1. وقتی تلاوت آیات مذکور را به پایان رسانید سی و سه مرتبه (سبحان الله)، سی و سه مرتبه «الحمد لله» و سی چهار مرتبه «الله أكبر» بگوید. [[136]](#footnote-136)
2. این دعا را بخواند: «اللهم بإسمك أحيا وبإسمك أموت».[[137]](#footnote-137)

«بار خدایا! با نام و یاد تو بیدار می‌شوم و می‌خوابم».[[138]](#footnote-138)

البته اگر خواست می‌تواند عبارات زیر را نیز بدان بیفزاید! «بإسمك رب وضعت جنبي وبك أرفعه، إن أمسكت نفس فأرحمها وإن أرسلتها فإحفظها بما تحفظ به عبادك الصالحين».[[139]](#footnote-139)

«پروردگارا! با یاد تو سر بر بالین می‌نهم و با نام و یاد تو سر از بالین بر می‌دارم. (خداوندا!) چنانچه جانم (در خواب) بگرفتی (و زندگی را بر من پایان بخشیدی) پس بر من رحم کن (و از عذاب خویش نجاتم بخش) اما اگر به من فرصت حیات و زندگی دادی پس آنگونه که بندگان صالح خویش را (از لغزش و گناه و سایر بلایا) محفوظ می‌داری من را نیز حفاظت کن».

1. در پایان این دعا را بخواند: «اللهم أسلمت نفسي إليك وفوضت أمري إليك ووجهت وجهي إليك والجات ظهري إليك رغبة ورهبة إليك لا ملجا ولا منجا منك إلا إليك، آمنت بكتابك الذي أنزلت وبنبيك الذي أرسلت».[[140]](#footnote-140)

«بار خدایا! خویشتن به تو تسلیم کردم و کار خویش را به تو واگذار نمودم. به تو روی آوردم و تو را پشتوانه خویش قرار دادم چرا که هم به (دریای بیکران رحمت) تو امیدوارم و هم از (خشم و عذاب) تو بیم دارم. (از ترس عذاب و عقاب تو) جز تو پناهگاهی ندارم (و) به کتابی که نازل کردی (قرآن) و پیامبری که مبعوث نمودی (محمد مصطفی) ایمان دارم».

اذکار و ادعیه مسنون هنگام دخول و خروج از منزل

هنگام داخل شدن در منزل این دعا را بخواند:

«اللهم إني أسالك خير المولج وخير المخرج، بسم الله ولجنا وبسم الله خرجنا وعلى الله ربنا توكلنا ثم ليسلم على أهله».[[141]](#footnote-141)

«بار خدایا ! بهترین مکان‌ها[[142]](#footnote-142) را برای ورود و خروجم از تو مسالت می‌دارم. با نام و یاد خداوند داخل شدیم و خارج شدیم و بر او که پروردگار ماست توکل کردیم. (پس از خواندن این دعا صاحبخانه) بر اهل خویش (وارد شده به آن‌ها) سلوم می‌کند».

هنگام خارج شدن از منزل ادعیه ذیل را بخواند:

1. «بسم الله توكلت على الله، لا حول ولا قوة إلا بالله».[[143]](#footnote-143)

«با نام و یاد خداوند بر او توکل می‌کنم که هر تغییر و تحول و هر نیرو و حرکتی تنها از او نشات می‌گیرد». (هرگاه شخص هنگام خروج از خانه این دعا را بخواند، خطاب به وی گفته می‌شود هدایت شدی و کفایت کارهایت شد و از گزند بالایا محفوظ گردیدی و شیطان نیز از آزار رساندن به او صرف نظر می‌کند).

1. «اللهم إني أعوذ بك أن أضل أو أضل أو أزل أو أزل أو أظلم أو أظلم، أو أجهل أو يجهل علي».[[144]](#footnote-144)

«خداوندگارا! از اینکه گمراه شوم یا دیگری موجب گمراهی من شود و از اینکه لغزشی انجام دهم یا دیگری لغزشی را در مورد من انجام دهد و (همچنین) از اینکه ظلم کنم یا مورد ظلم واقع شوم یا کاری را از روی نادانی انجام دهم یا دیگری کاری را از روی جهالت نسبت به من انجام دهد به تو پناه می‌برم».

دعای مسنون قبل از وارد شدن به دستشویی

**قبل از داخل شدن در دستشویی این دعا را بخواند:**

«اللهم إني أعوذ بك من الخبث والخبائث».[[145]](#footnote-145)

«بار خدایا! پناه می‌برم به تو از (شر) شیاطین (و جنیات) مذکر و مونث».

فوائد (بسم الله) گفتن در اول هر کار

از جمله مواردی که موجب می‌شود همواره انسان مسلمان از گزند آفات و بلایا در امان باشد این است که تمام کارهایش را با نام خدا آغاز کند و قبل از هر کار «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید. هنگام غذا خوردن و آب نوشیدن و همچنین هنگام همبستری این کار ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

جابربن عبدالله می‌گوید: از رسول خدا شنیدم که فرمود: «إذا دخل الرجل بيته فذكر الله عز وجل عند دخوله وعند طعامه قال الشيطان: لا مبيت لكم ولا عشاء وإذا دخل فلم يذكر الله عند دخوله، قال الشيطان: أدركتم المبيت وإذا لم يذكر الله عند طعامه، قال: أدركتم المبيت والعشاء».[[146]](#footnote-146)

«هرگاه کسی در منزل خویش وارد شود و در بدو دخول به منزل و هنگام شروع غذا خوردن خداوند را یاد کند (و بسم الله گوید) در این صورت شیطان (به دار و دسته خویش) می‌گوید: (با بسم الله گفتن این فرد) نه خانه‌ای برای (من و) شما باقی ماند و نه غذایی! اما چنانچه (فرد مذکور) در خانه (ی خویش) وارد شود و بسم الله نگوید، شیطان (خطاب به دار و دسته خویش) می‌گوید: (راحت باشید که) خانه (و محل سکونتی) برای شما پیدا شد. هنگام (شروع کردن به) غذا خوردن نیز اگر (فرد مذکور) بسم الله نگوید، شیطان (به اطرافیان خود) می‌گوید: (اکنون) خانه و غذایتان مهیا گردید.

پیرامون همین موضوع ابن عباس نیز روایتی را نقل می‌کند که به شرح ذیل است. او می‌گوید: او رسول خدا شنیدم که فرمود: «لو أن أحدهم إذا أراد أن يأتي أهله قال: بسم الله، اللهم جنبنا الشيطان وجنب الشيطان ما رزقنا؛ فإنه أن يقدر بينهما ولد في ذلك لم يضره شيطان أبداً».[[147]](#footnote-147)

«هرگاه کسی اراده همبستری با همرش نمود و (این دعا را) خواند: به نام خدا؛ بار خدایا ما را از گزند شیطان مصون بدار و از آنچه ما را برخوردار کرده‌ای (همبستری) او محروم کن. در این صورت اگر خداوند مقدر کند که حاصل این همبستری فرزندی باشد آن فرزند همواره از زیان‌های شیطان مصون خواهد ماند».

آشنایی با آسیب‌های ناشی از: جادو، مس و چشم زخم

آسیب شناسی جادو، مس و چشم زخم:

آسیب‌های ناشی از سحر، مس و چشم زخم تا حدودی به هم شبیه است و به همین خاطر هم تفکیک عامل اصلی هر یک از این، آسیب‌ها دشوار و شاید ناممکن است. باید توجه داشت که حتماً لازم نیست تمام آسیب‌ها و آفات (موارد فوق) در یک مریض مشاهده گردد بلکه گاه آثاری اندک نیز در او حاکی از سحرزدگی، چشم زخم یا مس شیطانی خواهد بود. لازم به ذکر است برخی از این آسیب‌ها و آفات صرفاً نوعی بیماری جسمی یا روانی هستند که هیچ رابطه‌ای با سحر، مس یا چشم زخم ندارند و این نکته بایستی حتماً مورد ملاحظه قرار گیرد.

در ادامه به ذکر پاره ای از آسیب‌ها و آفات ناشی از جادو، مس و چشم زخم می‌پردازیم. البته متذکر می‌شویم که برخی از این آسیب‌ها و حالات قبل از تعویذ (خواندن بر مریض) وجود دارد اما برخی دیگر تنها هنگامی ظهور می‌یابد که راقی بر مریض تعویذ می‌خواند (یا اجرا می‌کند).

اکنون به تفصیل به این موارد می‌پردازیم.

1- حالات و آسیب‌هایی که قبل از تعویذ در بیمار ظهور می‌یابد:

یک سری حالات و آسیب‌ها قبل از اینکه در مورد شخص جن زده و... تعویذی خوانده شود در وی ظهور می‌یابد. آن‌ها عبارتند از:

1. اینکه شخص به طور ناگهانی از چیزی که شدیداً بدان عشق می‌ورزیده نفرت پیدا می‌کند و یا به چیزی که شدیداً از آن نفرت داشته علاقه پیدا می‌کند.
2. به بیماری‌های گوناگون بسیاری مبتلا می‌شود و علم طب (نیز با همه پیشرفت خود) هیچ دلیل یا عاملی را برای اینگونه بیماری‌ها تشخیص نمی‌دهد.
3. (در طول شبانه روز) به خصوص بعد از نماز عصر و مغرب افسردگی شدیدی را احساس می‌کند (و به تعبیری دلش می‌گیرد).
4. از کار کردن و ظاهر شدن در محیط‌های اجتماعی (و کاری) مثل مدرسه، دانشگاه و غیره نفرت پیدا کرده عزلت و گوشه نشینی را اختیار می‌کند.
5. خیالی می‌شود و گاهاً تصور می‌کند کارهایی را انجام داده که واقعاً آن را انجام نداده است.
6. رنگ پریده می‌شود یا رنگ صورتش به زردی می‌گراید و همچنین گاه لکه‌ها و داغ و نشانه‌هایی گندمگون یا مایل به رنگ آبی در صورتش هویدا می‌گردد و هیچ عاملی (پوستی یا داخلی) نیز توسط پزشکان برای این بیماری تشخیص داده نمی‌شود.
7. هر از چندگاهی دچار سردرد می‌شود و یا به طور ناگهانی تب می‌کند.
8. جنجال‌ها و مشاجراتی که بین زن و مرد یا دیگر اعضای خانواده به خاطر مسائل بسیار اندک و پیش پا افتاده صورت می‌گیرد می‌تواند یکی از حالا و آفت‌های سحر، مس یا چشم زخم باشد.
9. فرد در حالیکه بیدار است، گویی در عالم رویا به سر می‌برد و دچار وهم و گمان می‌شود.
10. مدام کسل است و احساس می‌کند کار و تلاش زیادی را انجام داده (در حالی که هیچ کاری نکرده است). همچنین اشت‌های او برای غذا خوردن کم می‌شود.
11. وقتی که راه می‌رود احساس می‌کند (روی هوا راه می‌رود و) وزنی ندارد.
12. همواره احساس می‌کند صدایی در یک یا هر دو گوش او طنین انداز می‌شود.
13. بیمار اگر زن باشد در حالت‌های مختلف و به خصوص هنگامی که دوره پریود را سپری می‌کند در ناحیه‌ی رحم خویش احساس درد می‌کند یا مکرر استحاضه می‌شود.
14. به خاطر اندک چیزی شدیداً عصبانی می‌شود.
15. همواره دوست دارد بخوابد و از خواب‌های سنگینی که بیدار شدن از آن‌ها بسیار مشکل است رنج می‌برد.
16. احساس می‌کند کسی او را صدا می‌زند ولی هرچه به اطراف می‌نگرد کسی را نمی‌بیند.
17. درد شدید و مداومی در ناحیه پایین یا وسط پشت و یا بین دو کتف او حادث می‌شود.
18. دچار نوعی حساسیت پوستی شده خارش شدیدی را در بدنش احساس می‌کند و احیاناً بدنش ورم می‌کند یا دانه‌هایی در بدن او ظهور می‌یابد.
19. مکرر دچار اسهال یا نفخ شدید شکم می‌شود و گاهی نیز ترش کرده یا درون خویش احساس سوزش می‌کند. یبوست مزمن از دیگر نشانه‌ها (ی این بیماری) می‌باشد.
20. دچار ضعف بینایی می‌شود و احساس می‌کند پرده‌ای جلوی چشمان او را گرفته است.
21. همواره احساس رنج و اندوه می‌کند و پریشان و آشفته می‌شود. همچنین وحشت زده و مضطرب است و انگار شدیداً از چیزی می‌ترسد.
22. شدیداً وسواسی می‌شود به نحوی که مدام انجام کاری را تکرار می‌کند و بر آنچه قبلاً برای وی مسلم و بدیهی بود، شک و تردید می‌کند. این حالات بیانگر نوعی بیماری است که در زبان عربی بدان، الوسواس القهری می‌گویند و در نهایت نیز به مرگ منتهی می‌شود.
23. مدام دچار آشفتگی ذهنی می‌شود و بسیار فراموشکار می‌گردد.
24. از ذکر و یاد خداوند روی گردان شده از عبادت الهی بدش میآید.
25. بویی ناخوشایند و غیرطبیعی از بیمار تراوش می‌کند که بسیار گزنده است اما جز مریض کسی آن بو را احساس نمی‌کند. به علاوه مریض به مقداری زیاد عرق می‌کند و یا مدام نیاز پیدا می‌کند که به دستشویی برود.
26. قدرت همبستر شدن با همسرش را از دست می‌دهد و به طور کلی نسبت به همسرش بی‌رغبت شده و خواسته‌هایش را برآورده نمی‌کند.
27. مدام کابوس می‌بیند. از جمله مواردی که بیمار در خواب می‌بیند عبارتند از: 1- اژدهاهایی سیاهرنگ، 2- سگ‌ها و گربه‌ها (یی که به او حمله می‌کنند)، 3- شتر (های افسار گسیخته که به سوی او شتابان در حرکتند و...)، 4- قبرستان، 5- زباله دان‌ها، 6- پرت شدن از ارتفاعی بسیار بلند، 7- غرق شدن در آب و غیره.
28. سخن گفتن زیاد در اثنای خواب و همچنین صدایی که در اثر برخورد دندان‌ها و اصکاکشان ایجاد می‌شود و آه و ناله کردن شخص در خواب از دیگر علایم بیماری است.
29. احساس می‌کند چیزی سنگین در هنگام خواب بر روی سینه او گذاشته شده است.
30. راه رفتن در اثنای خواب و بیدار شدن مکرر از خواب و همچنین بیدار شدن از خواب در حالیکه ترس وجود او را فرا گرفته از دیگر علایم بیماری به شمار می‌آید که نشان می‌دهد بیمار جن زده است یا از چشم زخم آسیب دیده است.

2- آسیب‌ها و حالاتی که در اثنای تعویذ در بیمار ظهور می‌یابد:

حالات و آسیب‌هایی که در اثنای تعوذی خواندن توسط راقی در بیمار ظهور می‌یابد عبارتند از:

1. سردرد و تشنج.
2. سینه تنگی (و افسردگی).
3. تحرک و تکان خوردن بیش از اندازه مژه‌ها.
4. بلند فریاد زدن
5. احساس درد در ناحیه شکم و نفخ شکم و همچنین ایجاد صداهای ناهنجار در ناحیه روده‌ها و شکم بیمار.
6. تغییر کردن صدای بیمار و صدور صداهای عجیب و غریب توسط او.
7. ورم کردن یکی از شاهرگ‌های گردن مریض.[[148]](#footnote-148)
8. غلبه کردن خواب یا چرت بر مریض.
9. خندیدن یا گریه کردن بی‌موقع.
10. سرگیجه، حالت تهوع و استفراغ چیزهای غیرطبیعی در اشکال و رنگ‌های مختلف.
11. سردرد شدید.
12. احساس سنگینی از اطراف خویش و (در نهایت) بیهوشی و همچنین تب بسیار یا سرد شدن بیش از حد بدن.
13. احساس اینکه انگار چیزی به سرعت از کنار او می‌گذرد.
14. احساس انواع درد در قسمت‌های مختلف بدن به نحوی که انگار درد در بدن او جا به جا می‌شود.
15. تکان خوردن برخی از اعضای او (بدون اراده).
16. زیاده گشتن بلغم (در دهان و گلو).
17. انحراف ظاهری در چشم (و کم شدن بینایی).
18. بیهوده سخن گفتن (و گفتن چیزهایی که از ذهن فعال و دانا سرچشمه نگرفته است).
19. زیاده عرق کردن به خصوص در ناحیه پشت.
20. خون بینی شدن ناگهانی که عواملی چون سرماخوردگی و غیره عامل آن نباشد.
21. خمیازه‌های مداوم یا آه سرد کشیدن.
22. خارش یا سرخ شدن پوشت و یا ظاهر شدن دانه‌هایی روی پوست.
23. احساس ناراحتی شدید و بی‌طاقتی در اثنای تعویذ و رغبت نداشتن به تکمیل شدن تعویذ.
24. لرزش شدید در سایر قسمت‌های بدن.
25. تنگی نفس (به نحوی که نفس کشیدن به سختی و با صدایی بلند انجام گیرد) و از هوش رفتن.
26. سیاه شدن چهره و شاداب شدن و سفیدی آن پس از اینکه مریض استفراغ کرد.
27. تراوش بویی بسیار کریه و ناخوشایند از معده و دهان.
28. طپش شدید دل و زیاد شدن آن در اثنای تعویذ.
29. خیره شدن یا بسته شدن چشم‌های بیمار.
30. احساس تلخی در دهان به هنگام نوشیدن آبی که بر آن آیاتی از قرآن خوانده شده است.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

1. - نک؛ ترجمه المنجد (فرهنگ جامع نوین) و مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی. ذیل ماده‌ی (ر ق ی). [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان، ذیل ماده‌ی (عین). [↑](#footnote-ref-2)
3. - همان، ذیل ماده‌ی (مس). [↑](#footnote-ref-3)
4. - روایات فراوانی حاکی از آن است که (الحنان) از اسمای باری تعالی است (نک؛ مسند احمد 3/158 و 3/230 و مستدرک الحاکم (1/17) و غیره. بدیهی است علی رغم وجود این روایات در برخی کتب حدیثی دانشمندان علوم اسلامی در اینکه آیا (الحنان) از اسمای الهی است یا خیر اختلاف کرده‌اند. البته برخی در سند روایات حاکی از وجود اسمی با عنوان (الحنان) برای خداوندگار نیز خدشه‌هایی وارد نموده‌اند که در نتیجه‌ی این اختلاف سه ایده پیرامون (الحنان) بوجود آمده است که آن‌ها عبارتند از:

   الف- امامان مالک و خطابی صراحتاً (الحنان) را از اسمای الهی ندانسته‌اند. (نک؛ مجموع الفتاوی (10/285) و المعجم المناهی اللفظیه، ص 241. گروهی دیگر از دانشمندان نیز همین ایده را پذیرفته‌اند.

   ب- امام بیهقی و چندی دیگر از دانشمندان آن را از اسمای باری تعالی دانسته‌اند. (نک؛ الاسماء و الصفات، ص 74-75)

   ج- برخی دیگر از علما نیز در این مورد سکوت کرده و قضاوت پیرامون آن را موکول به وجود حدیثی صحیح در مورد آن کرده‌اند. از این جمله می‌توان به گفته های شیخ ابن عیثمین در (المجموع الثمین، .3/57-58) اشاره کرد. خداوند به حقیقت امر آگاهتر است. [↑](#footnote-ref-4)
5. - گویند (خرافه) نام مردی جن زده بوده که هر آنچه را می‌دیده نقل می‌کرده و به مرور زمان مردم (به او بدبین شده و هرآنچه می‌گفته را تکذیب می‌کرده‌اند. بعدها (خرافه) بر حدیث و سخن دروغ اطلاق شده است. (نک؛ مختار الصحاح، رازی، ذیل (خ ر ف). [↑](#footnote-ref-5)
6. - مسلم (2185) باب الطب و المرض و الرقی. [↑](#footnote-ref-6)
7. - همان (2200) کتاب السلام. راوی این حدیث عوف بن مالک اشجعی است. [↑](#footnote-ref-7)
8. - همان (2199) کتاب السلام، راوی این حدیث جابربن عبدالله می‌باشد. [↑](#footnote-ref-8)
9. - از آنجا که حدیث ابن عباس به همراه دو آیه‌ی مذکور در فوق در مجموع یک تعویذ شرعی را تشکیل داده لذا عبارات عربی را پشت سرهم آورده و عبارات فارسی (ترجمه‌ی آن‌ها را نیز) مجزا و بطور متوالی ذکر کرده‌ایم. (مترجم). [↑](#footnote-ref-9)
10. - نک؛ فتح الباری (10/210). [↑](#footnote-ref-10)
11. - مسلم (2188) کتاب اسلام، باب الطب و المرض و الرقی. راوی حدیث ابن عباس است و امام نووی در شرح آن گفته است؛ در این حدیث به اثبات تقدیر پرداخته شده و بی‌تردید قدر با نص و اجماع اهل سنت به اثبات رسیده است . مفهوم تقدیر (قدر) آن است که تمامی اشیاء تابع قدر الهی است و جز باخواسته و فرمان او واقع نمی شود. دانش و علم خداوندی قبلاً تقدیر وی را رقم زده و به این ترتیب هرآنچه از زیان چشم زخم به انسان آسیب می‌رساند نباید تردید کرد و خداوند بر همه چیز آگاهتر است.روایت مذکور را هیثمی از حدیث جابربن عبدالله برگرفته و روایت کرده و گفته است بزاز نیز آن را نقل کرده است. رجال این حدیث جز طالب بن حبیب بن عمرو رجال کتب صحی (مسلم یا بخاری) هستند و البته طالب هم ثقه است. نک؛ المنهاج، (14/396). [↑](#footnote-ref-11)
12. - مجمع الزوائد، هیثمی (5/106) ابن حجر اسناد این حدیث را تحسین کرده است. نک؛ فتح الباری (10/214) [↑](#footnote-ref-12)
13. - البته این کار باید پس از اینکه شخص معین از چشم زخم آسیب دید و قبل از اینکه مدتی بگذرد و چشم زخم استحکام یابد باید انجام گیرد. نک؛ الفتح الباری (10/215). [↑](#footnote-ref-13)
14. - مراد از اعضایی که شلوار آن را در برگرفته قسمت بالای ران (لمبرین) است. نک؛ الفتح الباری (10/215). [↑](#footnote-ref-14)
15. - نک؛ الفتح الباری (10/214). [↑](#footnote-ref-15)
16. - نک؛ همان، (10/232). [↑](#footnote-ref-16)
17. - بخاری (5765) کتاب الطب و باب السحر، حدیث ش (5766) و مسلم (2189) کتاب السلام: باب السحر. این حدیث متفق علیه است و راوی آن عایشه‌ی صدیقه می‌باشد. [↑](#footnote-ref-17)
18. - نک؛ مقاییس اللغة، ابن فارس، ذیل ماده‌ی (رقی) (1/480). [↑](#footnote-ref-18)
19. - نک؛ النهاية، ابن اثیر، ذیل ماده‌ی (رقی) (2/231). [↑](#footnote-ref-19)
20. - نک؛ الفتح الباری، ابن حجر (4/534-535) و (10/207). [↑](#footnote-ref-20)
21. 1- نک؛ همان، (10/206). [↑](#footnote-ref-21)
22. - آنچه در خلال متن بدان اشاره گردید در واقع فرازی از نص فتوای حضرت شیخ عبدالله بن جبرین حفظه الله بود. نک؛ سلسلة الفتاوی الشرعية، فتاوی مربوط به رقیه و تعویذ، ص 8. [↑](#footnote-ref-22)
23. - مسلم (657)، کتاب المساجد، باب فضل صلاة العشاء الصبح فی الجماعة. این حدیث را جندب بن عبدالله القسری روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-23)
24. - همان (656). این حدیث را عثمان بن عفان روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-24)
25. - این حدیث را ابن حبان ذیل شماره‌ی (1391) نقل کرده است. راوی این حدیث ام سلمه است. [↑](#footnote-ref-25)
26. - نک؛ بخاری (6391)، کتاب الدعوات و مسلم (2189)، کتاب السلام، باب السحر. [↑](#footnote-ref-26)
27. - روایت شده که رسول کریم فرموده است: «خداوند متعال هر شب به آسمان دنیا می‌آید و وقتی ثلث اخیر شب فرا می‌رسد ندا می‌کند؛ آیا کسی هست که دعایی کند و من دعایش اجابت نمایم؟ آیا کسی هست که از من مطالبه‌ی چیزی کند و من (مطلوب وی را) به او عطا کنم؟ آیا کسی هست که طلب مغفرت کند تا من گناهان وی را بیامرزم؟» نک؛ بخاری (1145)، کتاب التهجد باب الدعاء و الصلاة من آخر اللیل و مسلم (758)، کتاب صلاة المسافرین و قصرها، باب الترغیب فی الدعاء ... این حدیث متفق علیه است. [↑](#footnote-ref-27)
28. - نقل شده که رسول خدا فرموده است: «در روز جمعه ساعتی وجود دارد که چنانچه بنده‌ی مسلمان در این ساعت (توفیق پیدا کند) در حال نماز باشد و در همان حال از خداوند چیزی را مطالبه کند هر آینه خداوند خواسته‌ی وی اجابت خواهد کرد». بخاری (935)، کتاب االجمعة، باب الساعة التی فی یوم الجمعة و مسلم (852)، کتاب الجمعة، باب فی الساعة التی فی یوم الجمعة. اینکه در متن اشاره شد که آخرین ساعت روز جمعه که بعد از عصر و کمی قبل از غروب آفتاب می‌باشد از ساعات اختصاص داده شده برای اجابت دعا می‌باشد در واقع راجح‌ترین قولی است که از بسیاری از سلف صالح نقل شده است. اکثر احادیث نیز حاکی از همین قول است. نک؛ زادالمعاد، ابن قیم، (1/131). [↑](#footnote-ref-28)
29. - خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كَلَّا لَا تُطِعۡهُ وَٱسۡجُدۡۤ وَٱقۡتَرِب۩ ١٩﴾ [العلق، 19] «هرگز! هرگز! از او اطاعت مکن و سجده ببر (و بدین وسیله به خدا) نزدیک شو». همچنین نقل شده که رسول خدا فرموده است: «انسان مومنوقتی در سجده است در واقع بیش از هر وقت به خداوندگار خویش نزدیک است. لذا در این موقعیت بر دعاهای خویش بیفزائید (و تا می‌توانید در این حالت دعا کنید». مسلم (482)، کتاب الصلاة، باب ما یقال فی الرکوع و السجود. راوی این حدیث ابوهریره (رض) می‌باشد. [↑](#footnote-ref-29)
30. - الاوسط، طبرانی (7/255)، حدیث شماره‌ی (6491). مسلم نیز حدیثی مشابه با آن روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-30)
31. - مسلم (1015)، کتاب الزکاة، باب قبول الصدقة من کسب الطیب وتربیتها. راوی حدیث ابوهریره می‌باشد. [↑](#footnote-ref-31)
32. - مسلم (804) کتاب صلاة المسافرین وقصرها، باب: فضل قراءة القرآن وسورة البقرة. این حدیث را ابوامامه‌ی باهلی روایت کرده است. البته در متن تنها جزئی از حدیث ذکر شده است. [↑](#footnote-ref-32)
33. - همان (780)، کتاب صلاة المسافرین و قصرها، باب استحباب صلاة النافله. راوی حدیث ابوهریره می‌باشد. [↑](#footnote-ref-33)
34. - نگارنده طی سوالی خدمت علامه ابن جبرین مطرح کردم؛ خانواده‌ای را سراغ دارم که دچار جن زدگی شده و شیاطین آن‌ها را اذیت می‌کنند. شنیده‌ام یکی از بزرگان به این خانواده توصیه کرده است بر تلاوت سوره‌ی بقره مداومت ورزند و همچنین نوارهایی صوتی از تلاوت این سوره را تهیه کرده و بطور مداوم و در طول شبانه روز توسط ضبط صوت تلاوت این سوره‌ی مبارکه را در خانه‌ی خویش طنین انداز کنند. جناب عالی پیرامون این مساله چه فتوا می‌دهید؟ در پاسخ این سوال جناب علامه ابن جبرین حفظه الله فرمودند: بدون شک این گونه آزار و اذیتها از جانب شیاطین جنی عاید انسان می‌شود و سردرد و جنون در واقع عقوبت و امتحانی است که از جانب خداوند بر انسان طاری می‌گردد. اینجانب معتقدم باید چنین خانواده ای به بارگاه الهی توبه کند و از خداوند طلب آمرزش نمایند. ضروری است در چنین موقعیتی این خانواده ذکر الهی را ورد خود سازند و با ادای نمازها و روزه های نافله و صدقه دادن و عاری کردن منزل خویش از اسباب و آلات لهو (و لعب) و ماهواره ها و دستگاه‌های صوتی و تصویری که مقدمات فتنه و ابتذال را در خانه فراهم کرده و در نهایت منجر به حرام می‌گردد موجبات رهایی خویش را فراهم سازند. همچنین بر آنهاست که بر تلاوت سوره‌ی بقره مداومت ورزند زیرا ساحران (شیطان صفت) یارای مقاومت در برابر این سوره را ندارد و بعلاوه شیاطین نیز از خانه ای که در آن سوره‌ی بقره خوانده شود متواری‌اند. بهتر است یکی از اهالی خانه (زن یا مرد) به تلاوت این سوره همت گمارد و در اولین شب تلاوت آن به گونه ای پی در پی انجام پذیرد . اگر از ضبط صوت نیز بصورت پی در پی تلاوت این سوره پخش شود و در روز یا شب تلاوت آن ترک نگردد امید آن است که خانواده‌ی مذکور از آنچه بدان مبتلایند رهایی یابند. (و الله اعلم) [↑](#footnote-ref-34)
35. - نقل شده که رسول خدا فرموده است: «إنها مباركة؛ إنها طعام طعم (وشفاء سقم)» «آب زمزم مبارک است. همانا آن طعامی است که سیری می‌آورد (ودوایی است که) شفابخش است». مسلم (2473) کتاب فضائل الصحابة. [↑](#footnote-ref-35)
36. - هم قرآن شفاست و هم آب زمزم و وقتی شخص راقی بر آب زمزم قرآن بخواند مسلماً بین دو دارو جمع کرده و نتیجه‌ی بهتری از آن خواهد گرفت. [↑](#footnote-ref-36)
37. - نک؛ المنتقی من فتاوی الفوزان (2/145). [↑](#footnote-ref-37)
38. - ترمذی (1851) کتاب الاطعمة، باب ما جاء فی اکل الزیت راوی این حدیث عمر است. مثل همین حدیث را ترمذی ذیل شماره‌ی (1852) از ابی اسید ساعدی نقل کرده است. [↑](#footnote-ref-38)
39. - بخاری (5688)، کتاب الطب، باب الحبة السوداء و مسلم (2215)، کتاب السلام، باب التداوی با الحبة السوداء. [↑](#footnote-ref-39)
40. - در بخش‌های آتی بطور مجزا و به تفصیل به این بحث پرداخته‌ایم. [↑](#footnote-ref-40)
41. - بخاری (5681)، کتاب الطب. راوی حدیث ابن عباسب می‌باشد. [↑](#footnote-ref-41)
42. - همان (5445) کتاب الأطعمة، باب العجوة و مسلم (2047)، کتاب الأشربة، باب فضل تمر المدينة. راوی این حدیث در مسلم سعدبن ابی وقاص می‌باشد. [↑](#footnote-ref-42)
43. - خرمای عجوه نوعی خرمای مرغوب است که درون آن به هم چسبیده و متراکم است. این نوع خرما در مدینه بسیار است. [↑](#footnote-ref-43)
44. - نک؛ بدائع الفوائد، ابن قیم (2/238- 246). [↑](#footnote-ref-44)
45. - در مباحث آتی اذکار و ادعیه‌ای که به چگونگی پناه بردن به خداوند از شر عاین و غیره اختصاص داده شده را متذکر خواهیم شد. [↑](#footnote-ref-45)
46. - عبارت مذکور جزئی از حدیثی مرسل است که ابوداود آن را در (المراسیل، ص 127- 128) به نقل از حسن بصری آورده است. نص کامل حدیث بدین شرح است: «حصنوا أموالكم بالزكاة وداووا مرضاكم بالصدقة واستقبلوا امواج البلاء بالدعاء». نک؛ السنن الکبری، بیهقی (3/382). بیهقی ضمن اینکه این حدیث را به سلسله‌ای مرفوع از عبدالله بن مسعود روایت کرده گفته است: گفته می‌شود حدیث مذکور از مراسیل حسن بصری می‌باشد. ناگفته نماند این حدیث بصورت مرفوع نیز از ابن عمرب و ابی امامه و سمره بن جندب و عباده بن صامت روایت شده اما این حدیث با وجود اینکه به چند طریق به صورت مرفوع روایت شده در زمره‌ی احادیث صحیح قرار ندارد، زیرا گاهی در سلسله‌ی اسناد آن انقطاعی وجود داشته یا شخصی از رجال آن مجهول یا متروک بوده‌اند. به این ترتیب بهترین سلسله‌ی روایی که این حدیث روایت شده همان سلسله‌ای است که این حدیث بصورت مرسل از حسن بصری نقل شده است. [↑](#footnote-ref-46)
47. - ترمذی (2144)، کتا ب القدر، باب ما جاء ان الایمان بالقدر خیره و شره. راوی این حدیث جابر بن عبدالله می‌باشد. [↑](#footnote-ref-47)
48. - ترمذی (2396)، کتاب الزهد، باب ما جاء فی الصبر علی البلاء. راوی حدیث انس بن مالک است. [↑](#footnote-ref-48)
49. - نک؛ ترمذی (3594)، کتاب الدعوات، باب فی العفو والعافية. این حدیث را ترمذی حسن دانسته است. راوی این حدیث انس بن مالک می‌باشد. [↑](#footnote-ref-49)
50. - در فقه اسلامی جنابت را (حدث اکبر) و بی‌وضویی را (حدث اصغر) گویند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-50)
51. - مسند احمد (3/158) حدیث شماره‌ی (12638). راوی این حدیث انس بن مالک می‌باشد. [↑](#footnote-ref-51)
52. - همان (5/350) حدیث ش (22965) و صحیح ابن حبان (891). ابن حبان حدیث مذکور را از بریده روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-52)
53. - ترمذی (3521)، کتاب الدعوات. راوی این حدیث ابوامامه است و ابوعیسی (ترمذی) حدیث مذکور را (حسن غریب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-53)
54. - ابوداود (775)، کتاب الصلاة و ترمذی (246)، کتاب الصلاة. راوی این حدیث ابوسعید خدری می‌باشد. ابوداود حدیث مذکور را ذیل شماره‌ی (764) از جبیر بن مطعم نقل کرده است. ترمذی می‌گوید: حدیث روایت شده توسط ابوسعید مشهورترین حدیثی است که در این باب نقل شده است. [↑](#footnote-ref-54)
55. - در مورد کلمات (همز، نفخ و نفث) باید گفت این کلمات که در مورد شیطان بکار رفته شده مفاهیم گسترده‌ای دارد. (همز) دارای معانیی چون اغواء، تحریک، وسوسه و بدگویی و غیره می‌باشد و (نفخ) به معنی دمیدن، غرور، خودبینی و فخر می‌باشد (نفث) نیز دارای معانیی چون سحر، آب دهان، نفس، شعر و غیره می‌باشد که ما به اقتباس از المنجد معانی مذکور در متن را در ترجمه‌ی این پذیرفتیم. (نک؛ ترجمه‌ی المنجد، ذیل واژه‌ی (نفث) . (مترجم) [↑](#footnote-ref-55)
56. - مسلم (2186)، کتاب السلام، باب الطب و المرض و الرقی. راوی حدیث ابوسعید خدری می‌باشد. [↑](#footnote-ref-56)
57. - ابوداود (5088)، کتاب الادب، راوی این حدیث عثمان بن عفان می‌باشد. [↑](#footnote-ref-57)
58. - مسلم (2185)، کتاب السلام، باب الطب والمرض والرقی. عایشه صدیقهل این حدیث را روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-58)
59. - همان (2202)، کتاب السلام، باب استحباب وضع یده علی موضع الالم.... راوی این حدیث عثمان بن ابی العاص ثقفی است. البته ترمذی این حدیث با الفاظی مختلف به شرح ذیل روایت کرده است. «أعوذ بعزة الله وقدرته....» ترمذی (3588). راوی حدیث ترمذی انس می‌باشد. [↑](#footnote-ref-59)
60. - بخاری (5675) باب دعاء العائد للمریض و مسلم (2191)، کتاب السلام، باب الستحباب رقية المریض. راوی حدیث عایشه‌ی صدیقهل می‌باشد. [↑](#footnote-ref-60)
61. \* در مورد مفهوم عبارت «كلمات التامة» اقوال مختلفی از محدثین نقل شده است. برخی گفته‌اند مراد مطلق کلام الهی است و برخی گفته‌اند مراد وعده‌ای است که خداوند در آیه ﴿وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ ٱلۡحُسۡنَىٰ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾ داده است و مراد از این وعده ﴿وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾ است و غیره. (نک؛ فتح الباری، ابن حجر). (مترجم) [↑](#footnote-ref-61)
62. - بخاری (3371)، کتاب احادیث الانبیاء، باب (10). راوی این حدیث ابن عباسب است. [↑](#footnote-ref-62)
63. - گروهی از افراد هستند که چشم بد هستند و یا به عبارت مصطلح در خراسان چشمانی شور دارند. این افراد وقتی با شگفتی به چیزی بنگرند به آن چیز آسیب می‌رسانند و یا به تعبیری آن را چشم زخم می‌زنند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-63)
64. - نک؛ مسلم (2708)، کتاب الذکر و الدعاء، باب فی التعوذ .... راوی حدیث خولة بنت حکیم السلميةل است. [↑](#footnote-ref-64)
65. - ابوداود (3106)، کتاب الجنائز، باب الدعاء للمریض ... و ترمذی (2083)، کتاب الطب، باب ما یقول عند عیادة المریض. راوی حدیث ابن عباس است و ترمذی این حدیث را (حسن غریب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-65)
66. - بخاری (3370)، باب (10) و مسلم (406)، کتاب الصلاة. راوی کعب بن عجره است. [↑](#footnote-ref-66)
67. - تعویذ (رقیه‌ی) (متوسط) تعویذی را گویند که نه بسیار طولانی و نه مختصر باشد. بلکه در حد میانه بود و وقت خیلی زیادی را مصروف ندارد. (مترجم) [↑](#footnote-ref-67)
68. - مسند احمد (3/158) حدیث ش (12638). راوی این حدیث انس بن مالک می‌باشد. [↑](#footnote-ref-68)
69. - همان (5/350) حدیث ش (22965) و صحیح ابن حبان (891). ابن حبان این حدیث را از بریدةل نقل نموده است. [↑](#footnote-ref-69)
70. - ترمذی (3521)، کتا ب الدعوات. راوی این حدیث ابومامه است و ابوعیسی (ترمذی) آن را (حسن غریب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-70)
71. - مسلم (486)، کتاب الصلاة و ترمذی (3566)، کتاب الدعوات. راوی این حدیث در صحیح مسلم عایشهل و در ترمذی علی می‌باشد. [↑](#footnote-ref-71)
72. - بخاری (6346)، کتاب الدعوات و مسلم (2730)، کتاب الذکر. راوی این حدیث ابن عباسب است و حدیث (متفق علیه) است. [↑](#footnote-ref-72)
73. - ابوداود (5090)، کتاب الادب، باب: ما یقول اذا اصبح. این حدیث با الفاظ (دعوات المکروب ...) نیز از ابی بکر. (نفیع بن حارث) روایت شده است. [↑](#footnote-ref-73)
74. - ابوداود (775)، کتاب الصلاة و ترمذی (246)، کتاب الصلاة. راوی این حدیث ابوسعید خدری است و البته ترمذی ذیل شماره‌ی (764) همین حدیث را به نقل از جبیر بن مطعم نقل کرده است. [↑](#footnote-ref-74)
75. - نک؛ پاورقی تعویذ چهارم از جمله تعویذهای کوتاه از احادیث نبوی. (مترجم) [↑](#footnote-ref-75)
76. - مسلم (2186)، کتاب السلام، باب الطب و المرض و الرقی، راوی حدیث ابوسعید خدری است. [↑](#footnote-ref-76)
77. - ابوداود (5088)، کتاب الادب، راوی این حدیث عثمان بن عفان می‌باشد. [↑](#footnote-ref-77)
78. - مسلم (2185)، کتاب السلام، باب الطب و ... راوی این حدیث عایشه‌ی صدیقهل می‌باشد. [↑](#footnote-ref-78)
79. - همان (2202)، کتاب السلام، باب استحباب وضع یده علی موضع الالم. راوی این حدیث از انس روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-79)
80. - برخی عرق نعار را زن بدزبان و بدخلق ترجمه کرده‌اند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-80)
81. - ترمذی (2075)، کتاب الطب. ترمذی این حدیث را (غریب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-81)
82. - بخاری (5675)، کتاب المرضی، باب: دعاء العائد للمریض و مسلم (2191)، کتاب السلام، باب استحباب رقیه المریض. راوی حدیث حضرت عایشهل است. [↑](#footnote-ref-82)
83. - نک؛ ترمذی (2084)، کتاب الطب، باب كيفية تبرید الحمی بالماء. راوی حدیث ثوبان است. [↑](#footnote-ref-83)
84. - ینکا به معنی غلبه یافتن بردشمن وشکست اومی باشد. فیومی: نکات فی العدو نکئا (ازباب نفع). نکایه باکسر (ن) به معنی کشتن است. نک؛المصباح المنیر (ن ک ء). [↑](#footnote-ref-84)
85. - ابودود (3107)، کتاب الجنائز، باب الدعاء للمریض ... و راوی حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص می‌باشد. [↑](#footnote-ref-85)
86. - مسند احمد (13/447) حدیث ش (15700)، مسند مکیین و راوی حدیث عبدلله بن عامر است. این حدیث با الفاظی چون (فلیبرکه) نیز وارد شده که حاکم نیز آن را صحیح دانسته وذهبی هم با او موافقت کرده است. [↑](#footnote-ref-86)
87. - ابوداود (3892)، کتاب الطب، باب کیف الرقی و مسند احمد (6/21) حدیث ش (23957). ابوداود این حدیث را به نقل از ابودرداء و احمد آن را از فضاله بن عبید روایت کرده‌اند.

    تذکار: راقی موظف است پس از خواندن این دعا (سه مرتبه) معوذتین (سوره‌ی فلق و ناس) را نیز بلافاصله سه مرتبه قراءت کند و در میان دعا که تقاضای رحمت و شفا از خداوند می‌کند نام مریض را نیز ببرد و مستقیم برای او طلب بهبودی نماید. این تذکر مبتنی بر روایت منقول توسط امام احمد حنبل بود و ابن قیم این تعویذ را تعویذ الهیه نامیده است. [↑](#footnote-ref-87)
88. - بخاری (3371)، کتاب احادیث الانبیاء، باب (10). راوی حدیث ابن عباس است. [↑](#footnote-ref-88)
89. - نک؛ پاورقی بعد از مورد (10) از جمله تعویذهای کوتاه بر گرفته از احادیث نبوی. (مترجم) [↑](#footnote-ref-89)
90. - نک؛ مسلم (2708)، کتاب الذکر، باب فی العوذ .... راوی حدیث خوله نبت حکیم السلمية است. [↑](#footnote-ref-90)
91. - موطا، مالک، (10)، کتاب الشعر، باب ما یومر به من تعوذ و مسند احمد (3/419) حدیث ش (15460) مالک این حدیث را به صورت مرسل روایت کرده و راوی این حدیث در مسند احمد، عبدالرحمن بن جیش است. [↑](#footnote-ref-91)
92. - ابوداود (3893)، کتاب الطب، بابا: کیف الرقی، راوی حدیث عبدالله بن عمرو است و نک مسند احمد (2/181) حدیث ش (6696). [↑](#footnote-ref-92)
93. - ابوداود (3106)، کتاب الجنائز، با الدعاء للمریض عند العیادة و ترمذی (2083)، کتاب الطب باب ما یقول عند عیادة المریض. [↑](#footnote-ref-93)
94. - ابوداود (5081)، کتاب الادب، باب ما یقول اذا اصبح. راوی حدیث ابودرداء می‌باشد. [↑](#footnote-ref-94)
95. - ترمذی (3524)، کتاب الدعوات، باب قوله (یا حی یا قیوم). راوی حدیث انس بن مالک است. [↑](#footnote-ref-95)
96. - ابوداود (5052)، کتاب الادب، باب ما یقال عند النوم، راوی حدیث حضرت علی است. [↑](#footnote-ref-96)
97. - احمد (1/391) حدیث ش (3712) راوی حدیث ابن مسعود است. در پایان این حدیث رسول خدا به ضرورت یادگیری این دعا تاکید کرده است. [↑](#footnote-ref-97)
98. - ابوداود (5074) کتاب الادب، باب ما یقول اذا اصبح. راوی حدیث ابن عمرب است. [↑](#footnote-ref-98)
99. - ابوداود (5090)، کتاب الادب، باب ما یقول اذا اصبح. این حدیث را ابی بکره نفیع بن حارث روایت کرده و در ادامه‌ی آن آمده است که (باید سه مرتبه صبح و سه مرتبه شامگاه تکرار کردد). ترمذی همین حدیث را به این ترتیب روایت کرده که اولاً به جای (بدنی) واژه‌ی (جسدی) را آورده و در ضمن در روایت وی جلمه‌ی «اللهم عافني في سمعي» حذف و عبارت «وأجعله الوارث مني، لا إله إلا الله الحليم الكريم، سبحان الله رب العرش العظيم، والحمد لله رب العالمين» به حدیث افزوده شده است). نک؛ ترمذی (3480)، کتاب الدعوات، باب دعاء اللهم عافنی. راوی حدیث حضرت عایشه است. [↑](#footnote-ref-99)
100. - نک؛ مسلم (2722)، کتاب الذکر، راوی حدیث زیدبن ارقم می‌باشد. [↑](#footnote-ref-100)
101. - ترمذی (3547)، کتاب الدعوات، باب دعاء (اللهم برد قلبی ...) راوی این حدیث عبدالله بن ابی اوفی است و ترمذی حدیث مذکور را (حسن صحیح و غریب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-101)
102. - بخاری (3370)، کتاب احادیث الانبیاء، باب (10) و مسلم (406) کتاب الصلاة، باب الصلاة علی النبی بعد التشهد. راوی این حدیث کعب بن عجره است. [↑](#footnote-ref-102)
103. 1- البته غسل کردن ممکن است به طور کامل انجام شود و یا تنها اعضایی خاص از بدن شسته شود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-103)
104. 2- نک؛ فتاوی علماء البلد الحرام، الجریس، ص 1296-1298. [↑](#footnote-ref-104)
105. 1- نک؛ فتاوی علماء البلد الحرام، الجریسی، ص 1383-1386. [↑](#footnote-ref-105)
106. 1- از آنجا که قول ابن عباس در خلاص نص فتوای ابن جبرین خطاب به مولف نقل شده متاسفانه سند آن ذکر نشده است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-106)
107. 2- نک؛ فتاوی علماء البلد الحرام، الجریس، ص 1323-1324. [↑](#footnote-ref-107)
108. 1- بخاری (2035)، کتاب الاعتکاف و مسلم (2175)، کتاب السلام. [↑](#footnote-ref-108)
109. 1- نک؛ التحصین من کیدالشیاطین، الجریس. (در این کتاب به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است). [↑](#footnote-ref-109)
110. 2- (عبارت (صبحگاهان و شامگاهان) معادل فارسی (طرفی النهار) می‌باشد.) در مورد اینکه به چه زمانی (طرفی النهار) گفته می‌شود واذکار مربوط به آن چه زمانی بهتر است گفته شود میان علما اختلاف است. ولی به نظر می‌رسد قول راحج در این مورد آن است که بایستی اذکار صبحگاهان درست پس از نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب و اذکار شامگاهان پس از نماز عصر تا غروب آفتاب گفته شود. دلیل ما بر ترجیح این قول آیه‌ای است که می‌فرماید: ﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ وَمِنۡ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡ وَأَطۡرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرۡضَىٰ ١٣٠﴾ [طه: 130]. البته چنانچه شخصی در این دو وقت (گرانبها به دلایلی) نتوانست اذکار مسنون را بگوید مجازات در طول روز یا شب بدان بپردازد. البته دلیل بر این قول ما نیز حدیثی است که رسول خدا می‌فرماید: «من نام عن حزبه أو عن شي منه فقراه فيما بين صلاة الفجر وصلاة الظهر كتب كه كأنما قراة من الليل». (مسلم 747) راوی این حدیث ابن عمر است. [↑](#footnote-ref-110)
111. 1- نک؛ ابوداود (5082)، کتاب الادب و ترمذی (3575)، باب (116)، کتاب الدعوات، راوی حدیث عبدالله بن حبیب است. ترمذی این حدیث را (حسن صحیح غریب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-111)
112. 2- بخاری (6403)، کتاب الدعوات و مسلم (2693)، کتاب الذکر و الدعاء. [↑](#footnote-ref-112)
113. - مسلم (2726)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی حدیث جویریهل است. [↑](#footnote-ref-113)
114. 2- در مورد عبارت «رضا نفسه» باید گفت منظور گفتن ستایش و حمد الهی به صورت مداوم و لا ینقطع است هر آینه پیامبران و اولیاء از حمد گفتن معاف می‌گردیدند. [↑](#footnote-ref-114)
115. 3- بخاری (6405)، کتاب الدعوات و مسلم (2691)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی حدیث ابوهریره است. [↑](#footnote-ref-115)
116. 4- ابوداود (3106)، کتاب الجنائز و ترمذی (2083)، کتاب الطب. ترمذی این حدیث را (حسن غریب) دانسته است. البته مسلم در ادامه حدیث فوق متذکر شده با توجه به حدیث «من صلي على صلاة صلى الله عليه بها عشراً» می‌توان پی برد که هرچه بیشتر به رسول خدا درود فرستاده شود بهتر است. (نک؛ مسلم (384)). [↑](#footnote-ref-116)
117. 1- بخاری (6306)، کتاب الدعوات، باب افضل الاستغفار. راوی حدیث شداد بن اوس است. [↑](#footnote-ref-117)
118. 2- بخاری (6307)، کتاب الدعوات و مسلم (2702)، کتاب الذکر و الدعا و التوبة و الاستغفار. راوی این حدیث در بخاری ابوهریره و در مسلم الاغر المزنی می‌باشد. لازم به ذکر است امام بخاری حدیث مذکور را مضیف با عبارت «أكثر من سبعين مرة» (بیش از هفتاد بار و امام مسلم آن را با عبارت (مئة مرة) (صدمرتبه) نقل کرده‌اند). [↑](#footnote-ref-118)
119. 3- نک؛ ابوداود (5068)، کتاب الادب، باب ما یقول اذا اصبح. راوی حدیث ابوهریره می‌باشد. [↑](#footnote-ref-119)
120. 1- از آنجا که بیدار شدن از خواب حشر و نشر انسان‌ها را (در روز قیامت) یادآوری می‌کند ابن قیم/ معتقد است هنگام صبح (بیدار شدن از خواب) باید عبارت «وإليك النشور» را در آخر دعا بخوانیم و همچنین به علت آنکه خوابیدن مرگ را برای انسان یادآوری می‌کند این بزرگوار معتقد است بایستی در شامگاه (و زمانی که شب به تاریکی رفت و) انسان قصد خواب نمود عبارت «وإليك المصير» را به کار برد. (نک؛ مختصر سنن ابی داود مع حاشیه ابن قیم، ص 330) البته برخی دیگر از علما چون ترمذی عکس این قیم عمل کرده و گفته بایستی عبارت «وإليك المصير» هنگام صبح و عبارت «وإليك النشور» هنگام شامگاه به آخر دعا افزوده گردد. (نک؛ ترمذی \_3391) کتاب الدعوات. به نظر می‌رسد آلبانی/ نیز با ابن قیم در این قضیه موافق بوده است. (نک؛ التعلیق علی صحیح ابی داود، آلبانی، ص 956). [↑](#footnote-ref-120)
121. 2- ترمذی (3529)، کتاب الدعوات، ترمذی این حیدث را (با این سلسله و محتوا) (حسن غریب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-121)
122. 1- ابوداود (5074)، کتاب الادب، راوی این حدیث عبدالله بن عمرب می‌باشد. [↑](#footnote-ref-122)
123. 2- مسلم (2723)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی حدیث عبدالله بن مسعود می‌باشد. [↑](#footnote-ref-123)
124. 1- مسند احمد (3/406) حدیث ش (15360) و ابن السنی (عمل الیوم و الليلة) ش (34). [↑](#footnote-ref-124)
125. 2- نک؛ مسلم (2708)، کتاب الذکر. راوی حدیث خوله بنت حکیم السلمية می‌باشد. [↑](#footnote-ref-125)
126. 3- ابوداود (5088)، کتاب الادب. راوی حدیث عثمان بن عفان می‌باشد. [↑](#footnote-ref-126)
127. 1- مسند احمد (3/377) حدیث ش (18967) و ابوداود (5072)، کتاب الادب، در روایت احمد آمده است که این دعا بایستی سه مرتبه خوانده شود. [↑](#footnote-ref-127)
128. 2- نک؛ بخاری (3275)، کتاب بدءالخلق. راوی حدیث ابوهریره می‌باشد. [↑](#footnote-ref-128)
129. 3- ترجمه آية الکرسی در فصل‌های اول و دوم (تعویذهای کوتاه و متوسط) همین کتاب به طور کامل ذکر گردیده است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-129)
130. 4- بخاری (4008)، کتاب المغازی ومسلم (807)، کتاب صلاة المسافرین و قصرها. راوی حدیث در بخاری و مسلم ابومسعود بدری می‌باشد. [↑](#footnote-ref-130)
131. 5- ترجمه این آیات در فصل اول و دوم مکرر ذکر شده است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-131)
132. 1- ابوداود (5055)، کتاب الادب و ترمذی (3403)، کتاب الدعوات. راوی حدیث در سنن ابوداود نوفل اشجعی می‌باشد. [↑](#footnote-ref-132)
133. 2- ترجمه‌ی سوره کافرون را در فصل‌های گذشته مکرر آورده‌ایم. (مترجم) [↑](#footnote-ref-133)
134. 1- ترجمه هر سه سوره را مکرر در فصل یک و دو آورده‌ایم. (مترجم). [↑](#footnote-ref-134)
135. 2- بخاری (6319)، کتاب الدعوات. راوی حدیث عایشه صدیقهل می‌باشد. [↑](#footnote-ref-135)
136. 3- بخاری (3705)، کتاب فضائل اصحاب النبی و مسلم (2727)، کتاب الذکر. [↑](#footnote-ref-136)
137. 4- همان (6312)، کتاب الدعوات و مسلم (2710). راوی این حدیث در بخاری حذیفه بن یمان و در مسلم براء بن عازب می‌باشند. [↑](#footnote-ref-137)
138. 5- برخی از شارحان حدیث مراد از (موت و حیاة) را مرگ و زندگی گرفته‌اند و گفته‌اند خواب خود نوعی مردن است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-138)
139. 6- بخاری (6320)، کتاب الدعوات و مسلم (2714)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی این حدیث در بخاری و مسلم ابوهریره می‌باشد. [↑](#footnote-ref-139)
140. 1- بخاری (247)، کتاب الوضو و مسلم (2710)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی این حدیث در بخاری و مسلم براء بن عازب می‌باشد. [↑](#footnote-ref-140)
141. 2- ابوداود (5096)، کتاب الادب. این حدیث به طور مرسل از ابومالک اشعری (سعدبن طارق بن اشیم (که صحابی است) روایت شده است. ابوداود این حدیث را ضعیف ندانسته و امام نووی نیز این حدیث را در کتاب (الاذکار) خویش ذکر کرده است. [↑](#footnote-ref-141)
142. 1- برخی (مولج و مخرج) را نفس ورود و خروج ترجمه کرده‌اند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-142)
143. 2- بوداود (5095)، کتاب الادب. راوی حدیث انس بن مالک است. [↑](#footnote-ref-143)
144. 3- همان (5094). راوی این حدیث ام سلمه می‌باشد. [↑](#footnote-ref-144)
145. 1- بخاری (142)، کتاب الوضوء و مسلم (375)، کتاب الحیض. راوی این حدیث انس بن مالک می‌باشد. [↑](#footnote-ref-145)
146. 2- مسلم (2018)، کتاب الاشربه. راوی حدیث جابرن بن عبدالله است. [↑](#footnote-ref-146)
147. 1- بخاری (5165)، کتاب النکاح و مسلم (1434)، کتاب النکاح، راوی این حدیث عبدالله بن عباسب می‌باشد. [↑](#footnote-ref-147)
148. 1- منظور رگی است که حیات انسان به آن بستگی دارد و هنگام خشم و غضب این رگ‌ها در زیر گردن قابل مشاهده می‌باشد. در زبان عربی این رگ‌ها را (ودج (و دجان)) گویند. [↑](#footnote-ref-148)